

هفته

پیوند ما مهاجران با بومیان کانادا چیست؟

سردار سعدی، انسان‌شناس کانادایی گردتبار:
ما نباید میراث استعماری اروپا را ادامه دهیم

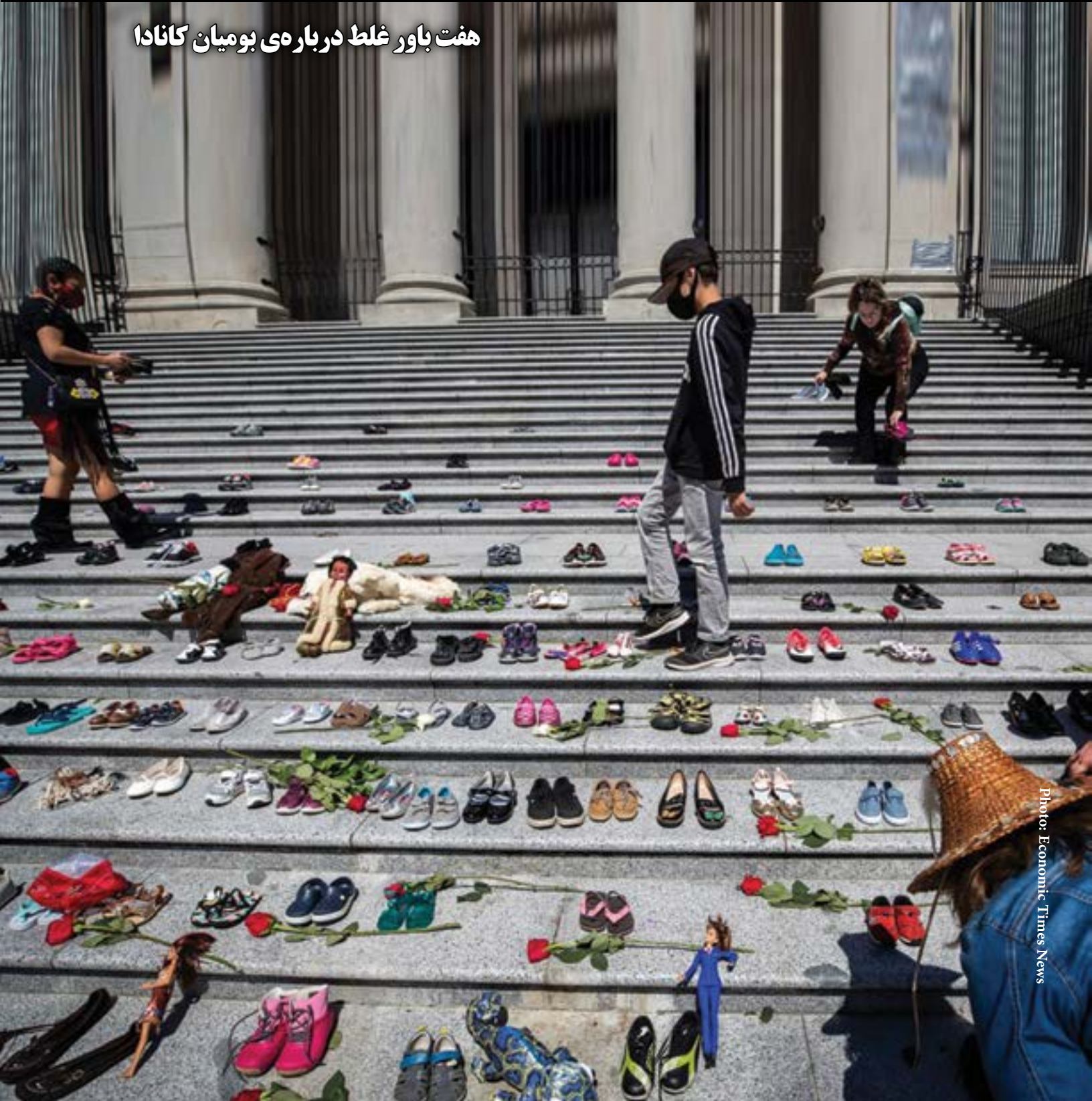
سال چهاردهم - پنج‌شنبه / ۲۷ خرداد / ۱۴۰۰ / ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

۶۳۷

بها: ۲٫۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان

www.hafteh.ca

هفت باور غلط درباره‌ی بومیان کانادا



پادکست

چکاوک هفته



ویژه‌ی روز ملی کبک



- ۱) تاریخچه‌ی روز کبک به روایت مریم ایرانی
- ۲) گاه‌شمار تحولات فرهنگ اجتماعی کبک مدرن از یاسمن حسینی
- ۳) مهاجرت و تأثیرات آن بر روان مهاجران (نیم‌نگاهی به مهاجرت به کبک)، در کلام دکتر الهام گرامی
- ۴) آشنایی با چند چهره‌ی موفق فرهنگ جامعه‌ی افغان در کبک، به روایت نرگس هاشمی
- ۵) «ماریا شیدلین» (Maria Chapdelaine)، نمونه‌ی مهمی از روایت هنری تاریخ کبک؛ با معرفی فرشید سادات شریفی
- ۶) «روز ملی مردمان بومی» در آینه‌ی تاریخ کبک، به روایت مریم ایرانی



مجله صوتی فارسی زبانان کانادا

پادکست هفته را می‌توانید از پلتفرم‌های زیر بشنوید



دکتر شریف

دکتر البدال

دکتر مهرنوش

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Mehrnoosh

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪

بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com

مهاجرین عزیز

آیا می‌دانید که خریداران نیازی
به پرداخت پورسانت ندارند؟

قصد خرید خانه یا آپارتمان دارید؟
می‌خواهید ملک خود را بفروشید یا قصد سرمایه‌گذاری دارید؟
در تمام مراحل خرید یا فروش همراه شما هستیم.
با ۱۵ سال سابقه در امور مشاوره املاک
و ۳۰ سال سابقه در زمینه ساختمان

مشاوره رایگان و حضوری ۷ روز هفته

514 969 2492

• بیش فروش آپارتمان در بهترین نقطه Downtown

• خانه‌های اجاره‌ای در West Island



فکین خاکسار - نادر خاکسار

مشاور رسمی املاک مسکونی و تجاری



ZAGROS
AMEUBLEMENT inc

مبلمان زاگرس

انواع مبلمان ، میز غذاخوری ،
فرش های دستباف و ماشینی
لوازم برقی و کولر
سرویس خواب



We Design Your Home **More Beautiful**

(514) 559 6020 
6476 Jean Talon E 
info@zagrosmtl.ca 

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agtmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton

مشاور املاک

Courtier immobilier agréé / Certified Real State Broker

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



**با ۳۵ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۵ سال تخصص در مشاوره املاک
مونتreal مسکونی - تجاری**

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

فیروز همتیان

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

fhematiyan@sutton.com



فرشید سادات شریفی
مریم ایرانی
فرنگیس شکیبا

گفت و گو با سردار سعدی، انسان‌شناس
کانادایی کُردتبار:
ما کانادایی‌های جدید نباید میراث
استعماری اروپا را ادامه دهیم

هفت باور غلط درباره‌ی بومیان کانادا:
ندادن مالیات، ژن معیوب، دانشگاه رایگان
و....

عذرخواهی از بومیان، نخستین قدم است
اما کافی نیست
نشست گروهی از ایرانیان برای آشنایی بیشتر با
بومیان کانادا



مقاله: معصومه علی محمدی

دلایل کاهش روند گزینش و ورود مهاجران
به کانادا چیست؟

گفت و گو

گفت و گوی هفته با مکی عارف به بهانه
دریافت جایزه در بکک:
سرعت پیشرفت زنان افغان باعث
حیرت من می‌شود



فرشید سادات شریفی

ویژه‌نامه‌ی فرهنگ بومیان کانادا

رنج بومیان کانادا و زیبایی فرهنگ‌شان در آینه‌ی کتاب
مروری در چهار دریچه

نصرت‌الله نیکفر - کابل

سرودگر آزادی و سرزمین گم‌شده

تازه‌های کتاب: یاسمن حسنی

تازه‌های کتاب در ایران و کانادا، «زیر سقف دنیا»
و «écrire pour vivre»

هفته - سال چهاردهم - شماره ۶۳۷

پنج‌شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۰ / ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

بها: ۲/۵ دلار / درمونت‌رال و اتاوا رایگان

ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مروخام

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر ماخذ آزاد است.
- لطفاً مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار دانشجویی: ۶۰ دلار

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۱ میلادی:
پنجشنبه ۷ ژانویه، پنجشنبه ۲۵ مارچ
پنجشنبه ۸ جولای، پنجشنبه ۱۴ اکتبر



آریانا، گفت‌وگو؛ نرگس هاشمی
اشک‌ها و لبخندهای دیدار از وطن
خاطرات سفر به کابل و استقبال اهل فرهنگ از
مجله هفته

آریانا، گزارش؛ نازنین خودی
نسل کشی هزاره‌های افغانستان از انکار تا
واقعیت

گزارش؛ الهام صفایی
گزارش هفته از دیدگاه‌های شهروندان ایرانی کانادا درباره
پیامدهای انتخابات ۱۴۰۰
**پیامدهای انتخابات ایران؛ افزایش
پناهندگی و دشواری مهاجرت به کانادا**

خوانندگان؛ جعفر خدیو، مونتزال
حماس کیست و اهداف آن چیست؟

سلامت تن و روان؛ دکتر الهام گرامی
چگونه تاب‌آوری خود را در شرایط سخت بالا ببریم؟
گیلا مان وزیرستانی د زده خواله او درده ډک

مهسا عباس پور آشپزی این هفته: تارتلت بلوبری
خاطره تحویل‌داری یکتا سخن ستارگان، برای تفنن
هفته خانواده و سرگرمی



سیاست؛ آرسام ارانی
**سیاستمداری که از مهندسی انتخابات
ضرر نکرد!**
اصلاح‌طلبان از مهرعلیزاده حمایت می‌کنند؟

**بازی دو سر برد عبدالناصر همتی در
انتخابات ۱۴۰۰**
تجمهری اسلامی هوای بازندگان را هم دارد!

اقتصاد؛ آرمین آریان پور
**جنگ بی‌پایان، تقلاي خریداران مسکن
برای سبقت از یکدیگر**

ادبیات: فرشید سادات شریفی و یاسمن حسنی
سلامتی: دکتر فائقه ابراهیمی و الهام گرامی
حقوق: نیوشا ریاحی
فرهنگ و جامعه: فرنگیس شکبیا
اقتصاد: آرمین آریانپور و بهراد رنجبری
بخش دانشجویی: عباس محرابیان
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده و نگاره
پرورنده
وب‌سایت: بهمن عسگری‌پور



ترجمه: گروه ترجمه هفته
مارتن لومه در گفت‌وگو با «ژورنال دو
مونریال»
**ما در کبک به آرامی به سوی محو
شدن می‌رویم**

سردبیر: خسرو شمیرانی
ویراستار: تیم ویراستاری هفته
طراح و صفحه‌آرا: نیکروز سلطان‌آبادی
کاریکاتورست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته
اخبار باهمستان: گروه خبرهای محلی
آریانا: نرگس هاشمی، حبیب عثمان و عبدالهادی تپاند
مهاجرت: معصومه علی‌محمدی و نویده احمدی

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی

بومیان کانادا، «تو» و «من» و آخرین درخت بریده

شبهوت «رشد اقتصادی» فزاینده، این تحفه‌ی مسموم نظام سرمایه‌داری مسیر تکامل طبیعی بسیاری از جوامع جهان را مختل کرده، برخی را به ورطه نابودی کشانده و گروهی دیگر را در مسیر اضمحلال قرار داده است. جوامع بومی کانادا و آمریکای شمالی شاید از بداقبال‌ترین قربانیان دوران مدرن و عطش سیری‌ناپذیر جهانگشایان این دوران بودند که طی پنج قرن گذشته به طور فزاینده‌ای در اشکال مختلف، گاهی آشکار و گاهی پنهان مورد تجاوزات بی‌حودمرز قرار گرفته‌اند.

گرچه در یکی دو دهه اخیر هر روز ابعاد دردناک‌تری از جنایات علیه بومیان از پرده بیرون می‌افتد اما واقعیت این است که هنوز روی دیگر این سکه یعنی فرهنگ عمیق و انسانی بومیان برای ما به کلی ناشناخت.

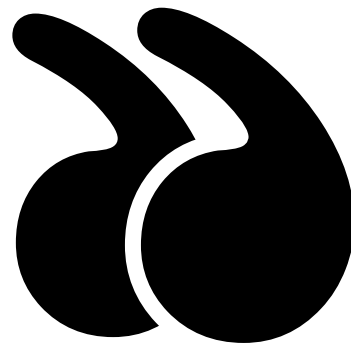
بلایای محیط‌زیستی افسارگسیخته، انسان امروزی را ناگزیر کرده تا در رفتار طبیعت‌ستیز خود بیشتر تعمق کند و چه بسا تامل انسان مدرن به ناگزیر او را به اصول همان تمدنی رهنمون شود که روزی آن را «وحشی» می‌نامید و مستحق نابودی می‌دانست: تمدن بومیان در غرب و در شرق کره زمین.

سرمایه‌داری و سطحی‌گرایی دوران مدرن به طور وحشیانه‌ای آن را لگدمال کرده است.

آشنایی با جنبه‌های گوناگون این فرهنگ اصیل که احترام به خاک، هوا، آب و آتش در محور آن قرار دارند (محورهایی که فرهنگ قدیم مردمان منطقه ما را با این فرهنگ گره می‌زند) امروز بیش از هر دوره دیگری از تاریخ بشر اهمیت پیدا کرده است.

ما در دورانی زندگی می‌کنیم که کمتر گوشه‌ای از خاک زمین از تجاوزات دست بشر مصون مانده، آلودگی آب‌ها و اقیانوس‌ها به طور روزافزونی دغدغه اکثریت بزرگی از انسان‌ها شده و کمتر مرکز جمعیتی وجود دارد که هوای آن هنوز می‌تواند ریه‌های انسان را پرکند بی‌آنکه همزمان انواع سموم لذت تنفس را نیالایند.

آتش که روزی انرژی آن سبب گرم کردن سرپناه انسان و افزایش لذت او از خوراکش بود امروز تحت عنوان «طلای سیاه» منشاء شرارت و جنگ‌های بی‌شمار شده است. و صدا البته این نیز ارمغان مرگبار سرمایه‌داری مدرن و عطش سرمایه‌داران برای «رشد» اقتصادی هرچه سریعتر و بیشتر بوده و است.



«تنها وقتی که آخرین درخت بریده، آخرین ماهی صید و آخرین رودخانه مسموم شد ما درخواهیم یافت که پول خوردنی نیست.» این عبارت، یکی از حکیمانهای عمیقی است که در فرهنگ بومیان قاره آمریکا به آنها برخورد می‌کنیم.

بومیان بیش از ۱۰ هزار سال پیش وارد قاره آمریکا و در اینجا ساکن شدند. احترام عمیق آنها به طبیعت برخاسته از همین فرهنگ هزاران ساله است. فرهنگ ژرفی که سودپرستی

اخبار گزارش ها



DAVID BERGER
Avocat - Attorney
Immigration-Refugees-Citizenship

دیوید برگر

پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا
عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- تقاضای مهاجرت از طریق برنامه های تجاری و انسان دوستانه
- تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست های پناهندگی
- بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه کننده

Tel: 514-284-1157

www.cilaw.ca

david.berger@cilaw.ca

1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

عزم دولت کانادا برای تقویت روابط با فرانسه و ایتالیا

چندجانبه و اهمیت انعقاد یک توافق نامه مالیاتی فرامرزی به ویژه در عرصه دیجیتال تاکید و تمایل خود را برای توسعه همکاری‌های دو کشور در زمینه هوش مصنوعی اعلام کردند.

نخست‌وزیران کانادا و ایتالیا نیز در دیدار خود ضمن تاکید بر ضرورت تقویت روابط اقتصادی، درباره مقابله با پاندمی، روابط با چین، اهمیت توسعه روابط چندجانبه به منظور حفظ ارزش‌های دموکراتیک و مقابله با نابرابری‌ها تاکید کردند.

ترودو در این نشست نخست‌وزیر ایتالیا را ترغیب کرد توافق نامه اقتصادی و تجاری فراگیر میان کانادا و اتحادیه اروپا AECG را تصویب کند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، دیدار ترودو با امانوئل مکران فرصتی بود تا سران دو کشور درباره مبارزه با کووید ۱۹، حفاظت از محیط زیست و احیای اقتصادی گفت‌وگو کنند. ترودو و مکران در بیانیه پایانی نشست خود بر دیدگاه‌های مشترک دو کشور در زمینه‌های مختلف تاکید کردند. رهبران دو کشور در این بیانیه با تاکید بر اراده مشترک خود برای تقویت همکاری‌های اقتصادی، مقابله با پاندمی و همبستگی با کشورهای در حال توسعه به ویژه از طریق اعطای واکسن به آن‌ها، تعیین اهداف متعالی تری را در زمینه حفاظت از تنوع زیستی و مبارزه با تغییرات اقلیمی خواستار شدند.

ترودو و مکران به اتفاق بر ضرورت اصلاح سیستم تجاری



ترودو و مکران در پایان دیدار خود بیانیه‌ای مشترک منتشر کردند

جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا روز شنبه ۱۱ ژوئن در حاشیه نشست سران گروه ۷ در انگلیس با امانوئل مکران رئیس‌جمهور فرانسه دیدار کرد. در این دیدار سران دو کشور بر تعهد خود برای تقویت روابط و همکاری هر چه بیشتر تاکید کردند. در ادامه آقای ترودو با ماریو دراگی هم‌تای ایتالیایی خود دیدار و درباره «مشارکت قوی» میان دو کشور گفت‌وگو کرد.

لاتاری یک میلیون دلاری در آلبرتا برای تشویق به تزریق واکسن کرونا

و همه آن‌هایی که تا یک هفته بعد از تحقق هدف ۷۰ درصدی خود را واکسینه کنند، در قرعه‌کشی این سه جایزه یک میلیون دلاری شرکت داده خواهند شد.

آقای کنی در پیامی ویدئویی که روز شنبه پخش شد، اعلام کرد جزئیات مربوط به این قرعه‌کشی‌ها و دیگر جوایزی که برای شرکت کنندگان در واکسیناسیون در نظر گرفته شده است، طی روزهای آینده به اطلاع شهروندان خواهد رسید.

مانیتوبا نیز برای ترغیب شهروندان خود به شرکت در واکسیناسیون جایزه تعیین کرده اما انترپرو اعلام کرده است که بابت واکسیناسیون به شهروندان جایزه نخواهد داد.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، طبق اعلام بهداشت عمومی آلبرتا تا روز شنبه ۱۱ ژوئن ۶۸.۵ درصد جمعیت بزرگسال این استان اولین دوز واکسن خود را دریافت کردند اما دولت کنی برای پیشبرد طرح رفع قرنطینه، واکسیناسیون ۷۰ درصد از جمعیت بزرگسال استان را مد نظر قرار داده است.

جیسون کنی که پیشتر نیز از طرح راه‌اندازی قرعه‌کشی برای ترغیب شهروندان به شرکت در واکسیناسیون خبر داده بود، با انتشار پیامی در صفحه توییتر خود اعلام کرد سه جایزه بزرگ یک میلیون دلاری به قید قرعه به افرادی که خود را واکسینه می‌کنند، اختصاص خواهد یافت. همه بزرگسالانی که پیش از این خود را واکسینه کرده‌اند



دولت آلبرتا تلاش می‌کند از طریق لاتاری شهروندان را به شرکت در واکسیناسیون ترغیب کند

ساکنان استان آلبرتا که خود را در برابر کووید ۱۹ واکسینه می‌کنند، شانس بردن سه جایزه یک میلیون دلاری را خواهند داشت. جیسون کنی وزیر اول آلبرتا با این تدبیر تشویقی تلاش می‌کند پوشش واکسیناسیون در استان را که در هفته‌های اخیر از سرعت آن کاسته شده است، تسریع کند.

جنجال سناتور محافظه‌کار به بهانه نمادهای مقدس بومیان در سنا

محافظه‌کاران تقاضای صحبت کرد و گفت: «من این را خیلی خیلی با اکراه می‌پرسم. اما ما در این مجلس قوانینی داریم و یکی از آن‌ها این است که اجازه هیچ نوع لوازم جانبی را نمی‌دهد. و من می‌بینم که سناتور مک‌کالوم چنین نمادی را به همراه دارد. من از شما خواهش می‌کنم فوراً این را بررسی کنید.»

کمی بعدتر، پس از آنکه برخی فشارها و اظهار تعجب‌ها حتی از طرف سناتورهای هم‌حزب پیش آمد، پلت درخواستش را پس گرفت و گفت که نمی‌خواهد «با توجه به شرایط موجود» (فاجعه‌ی یافتن ۲۱۵ جسد بومی) بی‌احساس به نظر برسد. وی گفت که قصد ندارد با طرح این موضوع باعث ناراحتی مک‌کالوم شود. اما او هم‌زمان از رئیس مجلس خواست به این امر توجه کند که «برخی قوانین را در مورد آنچه مناسب است و چه غیر مناسب ایجاد کند».

است تحقیق کند که آیا همراه داشتن نمادی از پر عقاب هنگام سخنرانی در مجلس قابل قبول است یا نماد جانب‌داری است. او اظهار کرد نگران است که استفاده از این نوع «نماد جانب‌داری» ممکن است خلاف مقررات باشد.

پلت روز پنج‌شنبه هنگامی که سناتور مانیتوبا، مری جین مک‌کالوم، سناتور قوم نیپیاو (معروف به کری) که خود از بازماندگان یک مدارس اجباری بومیان است، در حال سخنرانی در مورد لایحه C-۱۵ بود؛ قانونی که دولت برای به‌تصویب‌رساندن شیوهی عملی کردن «اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بومی‌ها» ارائه کرده است.

مک‌کالوم، که از طریق زوم به بحث می‌پیوست، در حالی که اظهارات خود را ارائه می‌داد، یک نماد بومی عقاب را در دست داشت. دقایقی پس از آغاز سخنرانی او، رهبر



سناتور مانیتوبا، مری جین مک‌کالوم هنگام سخنرانی درباره‌ی فجایع تازه کشف‌شده در مدارس بومی، در سنا نمادی از پرهای عقاب با خود دارد (عکس از اخبار CBC)

سناتور محافظه‌کار همکار بومی خود را به چالش کشید که آیا نگاه داشتن نمادی مقدس از جنس پر عقاب، حرکتی مناسب در طول یک سخنرانی است یا عملی ناشایست است؟

به گزارش هفته، به نقل از سی‌بی‌سی، سناتور دون پلت می‌گوید: «ما در این مجلس قوانینی داریم و یکی از آن‌ها ممنوع کردن نمادهای جانب‌داری است!»

دون پلت، رهبر محافظه‌کار سنا، از رئیس مجلس خواسته

واکسن‌های «جانسون اند جانسون» در کانادا توزیع نخواهد شد

تا از ایمنی و کیفیت واکسن‌های احتمالی جدیدی که در آن تولید خواهد شد، اطمینان حاصل نماید. اما تا آن زمان، کانادا هیچ دارو یا ماده دارویی تولیدشده در این مرکز را قبول نخواهد کرد.

اداره غذا و داروی آمریکا FDA فعالیت Emergent BioSolutions را به حال تعلیق درآورده تا درباره این شرکت تحقیق کند. FDA روز جمعه اعلام کرد حدود ۶۰ میلیون دوز واکسن جانسون اند جانسون را که در کارخانه بالتیمور تولید شده است، دور خواهد ریخت.

قرار است تا پایان این ماه محموله جدیدی از واکسن‌های جانسون اند جانسون وارد کانادا شود اما فعلا محل ساخت این واکسن‌ها مشخص نیست و معلوم نیست که تصمیم وزارت بهداشت شامل حال این محموله نیز خواهد شد یا خیر.

کنیم واکسن‌های جانسون اند جانسون با معیارهای بالای کیفی وزارت بهداشت مطابقت دارد.

وزارت بهداشت کانادا به نگرانی‌هایی اشاره کرده که در رابطه با یک ماده موثره (ماده‌ای که در فرمولاسیون دارو یا آفت‌کش‌ها استفاده شده و از نظر زیستی فعال است) تولیدشده در مرکز Emergent BioSolutions واقع در

بالتیمور ایالت مریلند مطرح شده است. گفته می‌شود این ماده موثره درست در زمانی تولید شده که یک محموله واکسن به ترکیبات یک واکسن دیگر آلوده شده است. کانادا در تحقیقات خود نتوانسته است اطمینان حاصل کند که دوزهای جانسون اند جانسون ارسالی به کانادا کیفیت مدنظر وزارت بهداشت را دارند.

وزارت بهداشت کانادا تاکید کرد قصد دارد تابستان امسال مرکز Emergent BioSolutions را مورد بازرسی قرار دهد



۳۰۰ هزار دوز واکسنی که کانادا تا کنون از شرکت جانسون اند جانسون دریافت کرده است، در کشور توزیع نخواهد شد. بهداشت عمومی کانادا توزیع واکسن‌های جانسون اند جانسون را آوریل گذشته به حال تعلیق درآورد تا درباره نگرانی‌هایی که در خصوص کیفیت این واکسن‌ها مطرح شده بود، تحقیق کند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، وزارت بهداشت کانادا جمعه شب با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد بررسی‌های صورت گرفته این امکان را به ما نداد که بتوانیم به طور قطع اعلام

رای دادگاه به نفع دانشگاه‌های کبک؛ بازپرداخت شهریه دانشجویان منتفی شد

قاضی دیوان عالی در عین حال اذعان کرد که در دوره پاندمی بسیاری از کلاس‌ها لغو شدند و بسیاری از دانشجویان به علت مشکلات خانوادگی یا عدم دسترسی به منابع و امکانات لازم، نتوانستند کلاس‌های درس خود را به صورت آنلاین دنبال کنند. با این حال طبق حکم قاضی بوشار، شکایت جمعی دانشجویان می‌بایست برای این که منبای حقوقی لازم را داشته باشد با تکیه بر قصور، عدم عمل به وظایف و مسئولیت‌ها یا سوء نیت مؤسسات آموزش عالی ارائه شده باشد که چنین مواردی در این شکایت دیده نمی‌شود. ضمن این که به گفته قاضی بوشار، وضعیت دانشگاه‌ها بسیار ویژه است و آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود از استقلال زیادی برخوردار هستند.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، کلود بوشار قاضی دیوان عالی کبک شکایتی را که یک دانشجو به نام کلودیا لاروز به نمایندگی از همه دانشجویان بر ضد کلیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی استان ارائه کرده بود، بی‌اساس دانست. این شکایت جمعی کلیه دانشگاه‌های کبک را بابت عدم ارائه خدماتی که دانشجویان پیشاپیش هزینه‌های آن‌ها را پرداخت کرده و حق استفاده از آن‌ها را داشته‌اند، تحت پیگرد قرار داده بود.

اما قاضی بوشار تاکید کرد مارس سال ۲۰۲۰ پس از اعلام حالت فوق‌العاده بهداشتی توسط دولت در سرتاسر استان، دانشگاه‌های کبک چاره‌ای نداشتند جز این که فعالیت‌های خود را متوقف کنند.



طبق حکم قاضی، در مسئله تعطیلی کلاس‌های حضوری دانشجویان، هیچ تقصیری متوجه مؤسسات آموزش عالی کبک نیست.

شکایتی که در اعتراض به تعطیلی کلاس‌های حضوری و عدم ارائه خدمات به دانشجویان در دوره پاندمی کرونا به دادگاه ارائه شده بود، راه به جایی نبرد و طبق حکمی که قاضی این پرونده صادر کرد مؤسسات آموزش عالی مجبور نیستند کل یا جزئی از شهریه و هزینه‌های تحصیل را که دانشجویان دانشگاه‌های کبک پرداخته‌اند، به آن‌ها مسترد کنند.

افزایش دستمزد کارگران ماهر استان کبک در دوران کرونا

۲۰۱۹ به شدت کاهش و شمار مشاغل خالی به طرز قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت به طوری که شرکت‌ها مجبور شدند میزان حقوق‌های پرداختی خود را به شدت افزایش دهند تا بتوانند نیروی کار مورد نیاز خود را حفظ یا نیروهای جدید جذب کنند.»

فورت ادامه داد آمار و ارقام سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که رشد حقوق هفتگی دو برابر شده و به ۷.۸ درصد رسیده است. آژانس آمار کانادا تصریح کرد مشاغل با درآمد پائین بیش‌ترین لطمه را از حذف مشاغل در دوره پاندمی دیده‌اند و این شرایط موجب افزایش مصنوعی درآمدها شده است. البته تدابیر دولتی مثل یارانه‌های اختصاص یافته به درآمد و وام‌های دولت به شرکت‌ها نیز در افزایش میزان درآمدها بی‌تاثیر نبوده‌اند.

به گزارش هفته، به نقل از ژورنال دو مونریال، به گفته آقای لوگو کمبود کارگران ماهر که در دوره پاندمی به شدت احساس شد، موجب افزایش ارزش و اهمیت آن‌ها شده و به همین علت رشد دستمزدها نیز سریع از سال‌های دیگر بوده است.

طبق تحقیقاتی که آژانس آمار کانادا درباره اشتغال، درآمد و ساعات کار انجام داده است، میانگین درآمد هفتگی کارگران کبکی ۱۵ سال به بالا ۳۶ درصد در سال ۲۰۱۹ و ۳۱ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت. به گفته کارشناسان از سال ۲۰۱۱ به این طرف میزان درآمد و حقوق در کبک به موازات نرخ تورم بین ۱ تا ۳ درصد افزایش یافته است.

پیر فورتن اقتصاددان می‌گوید: «میزان اشتغال در سال



فرانسوا لوگو: دستمزدها به سرعت در حال افزایش است. فرانسوا لوگو وزیر اول کبک با اشاره به این که بازار اشتغال در حال دگرگونی است و استان کبک با نیاز فزاینده به کارگران ماهر روبرو است، خاطر نشان ساخت افزایش حقوق در برخی بخش‌های اقتصادی و کسب و کارهای استان اجتناب ناپذیر می‌نماید.

کمک به مهندسان جویای کار در کانادا به ویژه تازه واردان



اهداف را بیشتر خواهد کرد بنابراین با صبوری و اشتغال در چند شرکت منتظر فرصت مناسب برای تشکیل انجمن بودم تا اینکه این ایده را در سال گذشته عملی کردم. بنیان‌گذار انجمن فنی‌مهندسی فناوران می‌گوید: «این انجمن در صدد است تا حداقل برای مشکل کارایی مهاجران راه‌حلی دائم، کم‌هزینه و هدف‌دار ایجاد کند. خوشحالیم در حدود ۱۲ ماهی که از عمر فناوران می‌گذرد به بیش از ۷۰۰ نفر از عزیزان خدمات مشاوره‌ای یا آموزشی ارائه کرده‌ایم.»

استقبال از کارگاه‌های کارایی و رزومه‌نویسی آقای امانی درباره حیطه فعالیت فناوران توضیح می‌دهد: «برگزاری کنفرانس‌ها و جلسه‌های نتورکینگ رایگان، جلسه‌های رزومه‌نویسی و آموزش کارایی موثر در کانادا، جلسه‌های هم‌سازسازی فرهنگ حرفه‌ای و تطابق اعضا با محیط کاری کانادا و اجرای نشست‌های آموزشی برای به‌روزرسانی دانش و اطلاعات اعضا با جدیدترین رویکردها از جمله خدماتی است که این انجمن ارائه می‌دهد.»

او درباره میزان استقبال مخاطبان از برنامه‌ها، می‌گوید: «این قضیه بستگی به موضوع هر جلسه دارد اما از کارگاه‌های آموزشی کارایی و رزومه‌نویسی بسیار بیشتر استقبال می‌شود تا مثلاً سخنرانی‌های تخصصی.»

مدیر انجمن فنی‌مهندسی فناوران اظهارامیدواری می‌کند که «با برگزاری رویدادهای مختلف آموزشی در خصوص فنی‌مهندسی راه برای موفقیت شغلی کامیونیتی ایرانی در کانادا هموار شود و از دغدغه افراد پس از مهاجرت بکاهد.»

استخدام بیشتری برخوردار هستند. مجموع همه این‌ها موجب شد تا برای کمک به مهندسان جویای کار در کانادا به‌خصوص افرادی که به‌تازگی مهاجرت کرده‌اند این وبینار را برگزار کنیم.»

مدیر انجمن فنی‌مهندسی فناوران با اشاره به فعالیت این مرکز در یک سال اخیر، می‌گوید: «رشته تحصیلی‌ام مهندسی مکانیک است. در زمینه‌های مرتبط با مهندسی، طراحی و مدیریت پروژه‌های Mission Critical حدود ۱۴ سال سابقه کاری دارم. در بدو ورود به کانادا (هالیفکس) برای یافتن شغل، بارها مسیر را اشتباه رفتم و برگشتم چون برای سولاتی که برایم پیش می‌آمد، پاسخی پیدا نمی‌کردم.»

کارایی؛ مهمترین هدف پس از مهاجرت آقای امانی اضافه می‌کند: «در این راه متوجه شدم تعداد افرادی هم که بتوانند مشاوره صحیح بدهند بسیار کم است. وقت زیادی از من صرف تجربه‌اندوزی شد. این‌ها درحالی است که نخستین و مهمترین هدف برای افراد پس از مهاجرت پیدا کردن کار است چون اگر خانواده‌ای از نظر مسائل مالی در مضیقه باشد با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد.»

به گفته او «همه این موارد باعث شد تا دغدغه کمک به دیگر مهاجران مخصوصاً ایرانی‌ها را داشته باشم اما هم‌زمان این را هم می‌دانستم تا زمانی که خودم موفق نشده‌ام نباید کسی را راهنمایی کنم، مبدا منجر به شکست شود. از طرفی بر این عقیده‌ام داشتن یک کارنامه موفق ضریب پیشروی بهتر

انجمن فنی‌مهندسی فناوران یکی از مراکزی است که از آپریل ۲۰۲۰ با برگزاری دوره PMP در تورنتو آغاز به کار کرده است. این مجموعه در حال حاضر در زمینه برگزاری جلسه‌ها و دوره‌های آموزشی فنی‌مهندسی فعال است. محمد امانی، مدیر این انجمن درباره چگونگی شکل‌گیری این مجموعه به «هفته» می‌گوید: «پس از ورود به کانادا زمان زیادی را برای پیدا کردن کار صرف کردم همین باعث شد تا ایده تاسیس یک انجمن برای کمک به دیگر مهاجران به‌ویژه هموطنانم در ذهنم شکل بگیرد.»

به گزارش هفته، انجمن فنی‌مهندسی فناوران به تازگی وبینار تخصصی «آشنایی با بازار کار مهندسی در کانادا» را برگزار کرد که مدیر این مجموعه درباره این برنامه توضیح می‌دهد: «بازار کار در کانادا به عوامل بسیاری مانند رونق صنعت، وضعیت بازارهای سرمایه و ... بستگی دارد. در دوران همه‌گیری کرونا که بسیاری از بازارها وضعیت مبهمی را تجربه می‌کنند، دستیابی به شغل مناسب سخت‌تر شده است.»

به گفته آقای امانی «در این میان کسانی که رزومه شغلی مناسب، نتورک فعال و موثر و گواهی‌نامه‌ها و اعتبارنامه‌های مرتبط با تخصص خود را دارند در این بازار رقابتی از شانس

بحث درباره افول مفاهیم هنر در شعر و موسیقی

عطایی عزیز، یکی از اعضای گروه، با هم در این مورد گفت‌وگو می‌کنیم.»

این برنامه روز پنج‌شنبه ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۲۰ به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود.

برای کسب اطلاعات بیشتر به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

اعضای گروه دایره قرار است با برگزاری یک نشست درباره افول مفاهیم و معایب هنر در شعر و موسیقی گفت‌وگو کنند

در اطلاعیه این برنامه آمده است: «موضوع سی و یکمین نشست دایره، افول مفاهیم و معایب هنر در شعر و موسیقی با عنوان «نه هر که سر بتراشد» است که بعد از ارائه سعید



تحلیل دو فیلم کوتاه از سینمای بومیان کانادا

۲۰۲۱ از ساعت ۱۹ تا ۲۱ به وقت شرق کانادا شاهد گفت‌وگو میان رحیم بهرامی، فیلم‌ساز و کارشناس سینما از اتاوا و محسن نسرن، دکترای سینما و مدرس دانشگاه از کالگری باشند. برای اطلاع از چگونگی حضور در این برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

را به تماشای دو فیلم کوتاه از سینمای بومیان دعوت کرده است.

این نشست از سری برنامه‌های «شب سینمای کانادا» با بررسی دو فیلم کوتاه Biidaaban (The Dawn Comes) و Four Faces of the Moon برگزار می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند روز پنج‌شنبه ۱۷ ژوئن

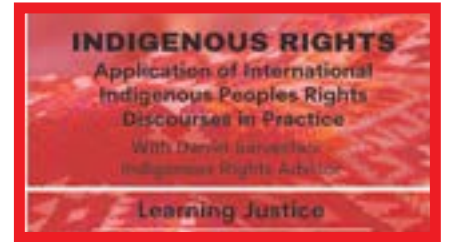


انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) به مناسبت بزرگداشت ماه ملی تاریخ بومیان شما

بررسی کارایی عملی گفتمان‌های بین‌المللی حقوق بومیان

در تقویم رسمی دولت کانادا ژوئن ماه آگاه‌سازی درباره بومیان عنوان شده و به‌طور خاص روز بیست‌ویکم این ماه «روز ملی مردمان بومی» شناخته می‌شود. بومی‌های کانادا به ساکنان اصلی سرزمین کانادا در دوران پیشاکلمبی گفته می‌شود که هنوز در داخل مرزهای امروزی کانادا به‌سر می‌برند. برای اطلاع از چگونگی حضور در این برنامه به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

این برنامه با حضور دنیل سروستانی، مشاور حقوق بومیان به بازنمود حقوق بین‌المللی بومیان در عمل می‌پردازد. این نشست در دو جلسه برگزار می‌شود که جلسه نخست آن روز چهارشنبه ۱۶ ژوئن ۲۰۲۱ با تمرکز بر «فراگیری عدالت» برگزار شد. جلسه دوم نیز روز چهارشنبه ۳۰ ژوئن با موضوع «تمرین بهبود وضعیت» خواهد بود. برنامه ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه به وقت شرق کانادا برگزار خواهد شد.



کنگره ایرانیان کانادا با برگزاری یک نشست میزان کارایی گفتمان‌های بین‌المللی حقوق بومیان را در عمل بررسی می‌کند.

ایجاد صلح و دوستی بین کودکان با ساخت عروسک

لوک (عروس هرمزگان) برای گروه سنی پنج تا ۶ سال روزهای شنبه ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح و کارگاه ساخت عروسک قورجوق (مادر ترکمن) ویژه گروه سنی هفت تا ۱۰ سال یکشنبه‌ها ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح به وقت شرق کانادا برگزار می‌شود. شروع کلاس‌ها از سوم جولای است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام به شناسه mona_arch در تلگرام پیام دهند یا با شماره ۴۱۶-۸۳۴۶۴۶۹ تماس بگیرند.

موجودی دست ساز نشانگر هنر طراحی، ساخت و جان‌بخشی است پس در ذات خود پدیده‌ای هنری است که تأثیر زیبایی‌شناسانه را بر مخاطبان خود در هر کارکردی به‌جا می‌گذارد. در ادامه آمده است: «کودکان از طریق عروسک‌ها می‌توانند با فرهنگ اقوام ایرانی آشنا شوند؛ شناختی که پایه‌های صلح و دوستی بین کودکان را بیش از پیش استوار می‌کند.» طبق این اطلاعیه، کارگاه ساخت عروسک دختر



شبکه آموزشی کاربیز کارگاهی را با عنوان عروسک‌سازی اقوام و ملل برگزار می‌کند. برگزارکننده این دوره، آکادمی هنر کودک و نوجوان این شبکه آموزشی و مدرس آن سعیده سلیمی است. در اطلاعیه این دوره آمده است: «عروسک به عنوان

ماجراجویی در نشنال پارک Maurice

پارک ملی Maurice در صورت نداشتن کارت سالیانه (Sepaq) ۱۰ دلار، ورودی منطقه حیات‌وحش و آبشار Waber ۱۰ دلار و اجاره کانو برای یک روز ۳۰ دلار است. با توجه به Adventure بودن، این برنامه فقط به افراد با آمادگی جسمانی بالا پیشنهاد می‌شود که بتوانند دو ساعت در روز پارو بزنند، چهار ساعت در روز پیاده‌روی کنند و شب در جنگل تاریک در کیسه خواب بخوابند. برای کسب اطلاعات بیشتر به کانال تلگرام هفته به نشانی haftehmontreal مراجعه کنید.

در نشنال پارک Maurice است. طبق این اطلاعیه، زمان حرکت از مونترال روز جمعه ۱۸ ژوئن ۲۰۲۱ ساعت ۱۸ (خروجی ایستگاه مترو Namur) و بازگشت به مونترال روز یکشنبه ۲۰ ژوئن ساعت ۱۸ است. علاقه‌مندان باید کیسه‌خواب، چادر، وعده‌های غذایی برای دو روز و اسپری ضد حشره همراه داشته باشند. هزینه‌های این برنامه برای هر نفر شامل هزینه رایده ۲۰ دلار، کمپ سایت دو شب ۲۰ دلار و هزینه برای شبمانی ۱۰ دلار است. همچنین ورودی



گروه ورزشی و طبیعت‌گردی پارسمونت به علاقه‌مندان به ماجراجویی حضور در برنامه ترکیبی تخصصی پیشنهاد داده است. این گروه قرار است برنامه‌ای را با عنوان «من یک ماجراجو هستم» برگزار کند که شامل سه روز و دو شب هایکینگ، کایاک‌سواری و کمپینگ

تولدهای من و تولد رویاهایی که واقعیت می‌شوند

تبریک و بهترین آرزوها

از یک نگاه معنای زندگی چیزی نیست جز تلاش برای تحقق یک رویا. مریم عزیز اینکه همزمان با سالگرد تولد بیولوژیک، تحقق یک رویا و تولد دوباره‌ات را در دنیای روزنامه‌نگاری جشن می‌گیری ما دو بهانه داریم تا شادباش بگوییم و برایت بهترین‌ها را آرزو کنیم. تولد و فارغ‌التحصیلی‌ات مبارک باد! / تحریریه و همکاران هفته



یکسال دیگر گذشت، در روز تولد سال ۲۰۲۰، در زمانه‌ای که همه دنیا، درگیر بیماری و ناامیدی بودند، من با تردیدهایی کنار آمدم و ده روز بعد بالاخره وارد دانشکده روزنامه‌نگاری دانشگاه کنکور دیا شدم. رویایی که برای رسیدن به آن راهی طولانی و مسیری پررنج و مبهم را طی کرده بودم. در این مسیر، هرگاه خیلی سخت می‌گذشت و هرگاه ناامید می‌شدم، به این می‌اندیشیدم که روزنامه‌نگاری تنها کاری در دنیا است که در تمام دوره‌های های جدال عقل و دلم، آن را با دلم انتخاب کردم و به معنی واقعی، خود درونی و پنهان سال های عمرم را با روزنامه نگاری متولد کردم.

روزنامه‌نگاری تنها مسیری بود که من در آن می‌توانستم برای هموار کردن دنیای مردمان دیگر، برای رسیدن به عشق، به آزادی و تحقق رویاها و آرمان‌های دیگران سهمی داشته باشم. سهمی که با اشتراک دانش و اطلاعات درست و آگاه کردن حقایق برای همه افراد جامعه همراه است. در همه روزهایی که با همکلاسی‌های انگلیسی و فرانسوی زبانم رقابت می‌کردم، برای کلاس‌های رادیو و تلویزیون با ترس و لکنت مطلب آماده می‌کردم و می‌خواندم، تنها به تحقق این رویا اندیشیدم. روزی که برای اولین بار روبروی دوربین استودیو خبری کنکور دیا نشستم و تصویرم را در قاب دوربین تلویزیون دیدم که به زبان انگلیسی خبر می‌خواند و صدایم را از پخش زنده رادیو شنیدم که مصاحبه می‌کند و مجری برنامه است، حس کردم که بار دیگر متولد شده‌ام.

امروز، در آستانه پنجمین تولد روزگار مهاجرتم، من اینجا ایستاده‌ام، با کوله‌باری از تردیدهایی که جا گذاشته‌ام، راه‌های ناتمامی که پیموده‌ام، مادری که برای همیشه از دست داده‌ام و رویاهایی که در همه تولدهای این سالیان برای آن‌ها جنگیده‌ام. در جشن تولد امسال من دست رویای مهاجرت و روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را که از دل یک ناامیدی و تاریکی سالن نمایش با هم آغاز کردیم می‌گیرم و شمع‌های تولدی دیگر را فوت خواهیم کرد. تولدی که امید تولدهای بزرگتری را در دلم زنده می‌کند.

مردمان سرزمین جدید را آموختم و در آن زمانه پرهیاهو و سیاست‌بازی‌های بی‌پایان سرزمین مادری‌ام، کمربند را سفت و سخت بستم تا رویای روز تولدم را نباخته باشم. پس از آن شب تولد که با خود عهد بستم تا مسافری به سوی رویاها باشم، هفت تولد دیگر هم آمدند و رفتند تا بتوانم سوار بر هواپیما، همه عشق و مهر و عزیزان و مادر مهربانم را بگذارم و با دنیایی دل‌تنگی و با دو چمدان پا به مسیر رویاهای نامعلوم مهاجرت بگذارم. هر سال که گذشت و در هر شمع‌ی که پس از آن فوت کردم، خودم را چون هنرپیشه‌ای روی صحنه بازی زندگی می‌یافتم که جرات می‌کند و مدام با دوره‌های ترس و ندای دلش درگیر می‌شود. گاهی می‌بازد و گاهی می‌برد. اما همین دریافتان با دوره‌های نامعلوم زندگی مهاجرت، جرات اندیشیدن و رسیدن به رویایی دیرین را هم دوباره برانمیزد. در سالیان رویای روزنامه‌نگار حرفه‌ای شدن. در تولدی دیگر، در سالیان دور، کسی از من پرسیده بود که بزرگترین تصویر سال‌های آینده‌ام را در چه می‌بینم. و من گفته بودم: یک روزنامه‌نگار جهانی. هرچند که من سال‌ها در رشته علوم تحصیل کرده بودم و در کنارش هم روزنامه‌نگاری کرده بودم، اما هرگز جرات نکرده بودم که همه آن تجربه و سال‌های تحقیقات را یک طرف بگذارم و دنبال رویایی بروم که در کودکی، نقش آن را بازی کرده بودم. در یک نمایش مدرسه، خبرنگاری بودم که با بچه‌ها درباره طبیعت و نگهداری از گل‌ها و جنگل‌ها مصاحبه می‌کرد. برای خودم همه چیز ساخته بودم، از یک میکروفون برای مصاحبه تا یک دوربین با مقوا و چسب. دوباره تصویر رویاهایم در ذهنم بزرگ شدند، تازه داشتیم به رسیدن به آن فکر می‌کردم و برنامه می‌ریختم که چند روز مانده به تولدم در سال ۲۰۱۹، مادرم را از دست دادم. مادرم که رفت، نتوانستم در آن سال برای روزنامه‌نگاری نامم را بنویسم. دل‌شکسته تر از آن بودم که رویایی را آغاز کنم. اما با رنج و درد بی‌پایانم، در روز اولین تولد بعد از مادرم، عهد کردم که این رویا را به سرانجام برسانم. به یاد داشتیم که در این سال‌های آخر، مادرم بارها از من خواست که ترس‌هایم را فراموش کنم، با تردیدهایی بکنم و برای آنچه دوست دارم، تلاش کنم.

ده سال قبل، روز تولدم، در یک سالن کوچک نمایش در ایران در دل تاریکی نشسته بودم و خیره به نورهای روی صحنه که به سیمای بازیگران نمایش می‌تابید در افکارم غوطه‌ور بودم. شخصیت زن نمایش از یک دوره‌ای می‌گفت. دوره‌ای که هر تصمیمی، سرانجامی متفاوت را برایش خلق می‌کرد. دوره‌ای رفتن به دنبال عقل یا ندای دل. زن نمایش، راه دل را انتخاب کرده بود و برای آن هزینه‌های بزرگ داده بود که به تنهایی و جدایی و خلوتی دراز ختم شده بود. با اینهمه زن راضی بود، چرا که در نمایش، شخصیت مادرش هم روایت می‌شد که بی‌توجه به ندای دل، راه عقل را برگزیده بود که حاصلی جز پشیمانی برایش نداشت. من، انگار زندگی خودم را روی صحنه تئاتر می‌دیدم. من هم بر سر دوره‌ای بودم. دوره‌ای که من را با ترس از دست دادن دلبستگی‌هایم و جرات روبرو شدن با رویاهایم گرفتار کرده بود.

تصمیم به مهاجرت، در آن برهه زمانی از زندگی برای من تصمیمی ساده نبود. هر چند که جرعه آن هم دو سال قبل در روز تولدم برایم رقم خورده بود. روز ۲۴ خرداد ۱۳۸۸ یا ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹، دو روز بعد از آن انتخابات که قرار بود، جشن پیروزی سبزرنگی باشد در تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین مادری‌ام. اما چنان نشد: جوانان آرمانخواه «خس و خاشاک» نامیده و از میدان رانده شدند. همان روز، در میان ناامیدی و بهتی که به جای شیرینی پیروزی نصیب شده بود، دریافتم که زمان مهاجرت و تصمیم برای زندگی در سرزمینی دیگر، چون نیاکانم، برای من نیز فرار سیده است. مثل اجداد پدر و مادرم که از سرزمین‌هایی دور بار سفر بسته بودند و از نو آغاز کرده بودند.

با این‌همه، آن روز در دل آن سالن کوچک و تاریک و رو به صحنه تئاتر، من هنوز در خود تردیدی را احساس می‌کردم. تردیدی که مرا از رفتن بازمی‌داشت. همان شب، پس از پایان آن نمایش، برای خودم و روی کاغذ کوچک نوشتیم که این تولد سراغ‌تغییر در زندگی من خواهد بود.

و اینطور هم شد. برای رسیدن به رویاهای ناتمام، با همه تنهایی و تلخی و رنج آن روزها، راهی مسیر مهاجرت شدم. مسیری پر از ناهمواری و ابهام که هر مهاجری به تنهایی آن را تجربه می‌کند. روزها و شب‌ها سخت کوشیدم، زبان

Ali Samadian

Real Estate Broker

ROYAL LEPAGE
PARTENAIRE

438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستیم

علی صمدیان

مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی

حامد ملکی

Hamed Maleki

- ✓ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ✓ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ✓ تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
- ✓ ارزیابی رایگان ملک و تحلیل مناطق مختلف

هونترال جهت خرید
hamedmaleki@realstate.ca
(514) 557-1929

مشاور رسمی مسکن در استان کبک



Vendirect.ca

بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER
BAHAR IZADI
REAL ESTATE ADVISOR

BUY
SALE
PRESALE



514 651 48 26

تکلیف خوب هنر است.
برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید.
bahari@mimontreal.com

سحر صمدایی

مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا



Sahar Samadaei

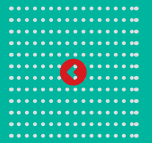
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525

enl'Agence
AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency

Indigenous
Writes



پرونده هفته



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

تازه واردین
تصدید وام
خود اشتغالی
بهرمایه گذاری
دسترسنی به وام دهندگان خصوصی
پرداخت بدهی
ترمیم کردیت بد

Multi-Prêts
HYPOTHÈQUES

CABINET EN COURTAGE HYPOTHÉCAIRE

MARYAM RAMEZANLOO
مریم رمضانلو

کارشناس وام مسکن

- خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
- ارائه بهترین نرخ بهره و وام
- مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن

mramezanloo@multi-pretz.ca

438-926 5626

boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A8, 5185



سردار سعدی از زبان خودش:



من زاده‌ی مهاباد، از روز هلات (کردستان ایران) هستم. تحصیلاتم را در ایران در سال ۲۰۰۰ در رشته‌ی علوم اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبایی تهران به پایان رساندم. در سال ۲۰۰۹ به کانادا آمدم و از آن زمان، تحصیلاتم را در رشته‌ی انسان‌شناسی، هم در دانشگاه یورک و هم در دانشگاه تورنتو ادامه دادم و در سال ۲۰۲۰ با مدرک دکترا در زمینه‌ی انسان‌شناسی فرهنگی-اجتماعی از دانشگاه تورنتو فارغ‌التحصیل شدم. هم‌اینک، من در حال گذراندن یک دوره فوق دکترا در شورای تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی کانادا (SSHRC) هستم. این دوره را در دانشگاه واگنینگن در هلند می‌گذرانم. اما به دلیل شرایط همه‌گیری کرونا، هنوز در تورنتو مستقر هستیم. علایق تحقیقاتی من شامل فرهنگ و سیاست‌های مرتبط با کردها، حق تعیین سرنوشت، حق حاکمیت (از جمله حق حاکمیت مردم بومی)، عدالت اجتماعی، مردم‌شناسی شهری و سیاسی و نیز سیاست‌های رفاهی است. همچنین مقالات و پژوهش‌هایی را در مجلات و نشریات آنلاین مختلف منتشر کرده‌ام و با رسانه‌های کانادایی، کردی و فارسی مصاحبه‌هایی نیز انجام داده‌ام و در آخر این که، اخیراً، ریاست موسسه‌ی تازه‌تأسیس علوم اجتماعی را در دانشگاه روزاوا (به کردی: رۆژاوا) در منطقه‌ی کردنشین روزاوا (در سوریه) بر عهده گرفته‌ام. من همچنین میزبان و تهیه‌کننده‌ی پادکستی به نام «نسخه‌ی کردی» (کوردیش ادیشن) هستم.

گفت‌وگو با سردار سعدی، انسان‌شناس کانادایی گردتبار:

ماکانادایی‌های جدید نباید میراث استعماری اروپا را ادامه دهیم

شدم. در اینجا لازم است برای کسانی که با موضوع آشنا نیستند بگویم که این ناحیه در شمال انتاریو واقع شده است و سیستم رودخانه‌ای در این منطقه دچار آلودگی ناشی از نشت جیوه است؛ زیرا یک شرکت صدها تن جیوه را در رودخانه‌های این منطقه ریخته است و از آن زمان، ماهیان منطقه به جیوه آلوده شده‌اند و افراد بومی ساکن این منطقه و زیست‌بوم آنها را نیز آلوده کرده‌اند.

شیلات منبع اصلی غذایی بسیاری از مردم این منطقه است و این رودخانه‌های آلوده منبع اصلی تأمین معاش مردم بومی آنجاست. همچنین برنامه‌هایی برای استخراج طلا در این ناحیه وجود داشته است که باعث آلودگی بیشتر این اراضی و سیستم آب شده و می‌شود.

همه‌ی این‌ها یک‌طرف و نامشخص بودن زمان‌بندی و تعهدات دولت برای حفظ این منطقه‌ی حفاظت‌شده برای بومیان سبب شد آن‌ها پویش اعتراضی بزرگی در اعتراض به این مشکل سامان دهند و من نیز از اوایل

منطقه‌ی خاورمیانه توسط دولت‌های ملی سلطه‌گرا و دیکتاتور منطقه، همواره هدف آزار و شکنجه، جذب و سرکوب قرار گرفته‌اند. بنابراین پس از آمدن به کانادا، حساسیت خاصی در قبال مردم بومی این سرزمین‌ها پیدا کردم و در این مسیر فهمیدم که من مهاجرِ مقیم در سرزمینی هستم که در آن یک روند تاریخی و سابقه‌دار از خشونت استعماری وجود دارد که هنوز هم به شکل‌های مختلف ادامه دارد.

می‌گویید «روند خشونت استعماری در کانادا همچنان ادامه دارد» شما با چه موارد مشخصی روبه‌رو بوده‌اید؟

من از بسیاری از مبارزات مردم بومی برای حاکمیت در سرزمین‌هایشان و علیه دولت مهاجران استعماری و شرکت‌های بزرگ که از این سرزمین‌ها برای سلطه و سود بیشتر بهره‌برداری کرده‌اند، آگاه شدم. به‌عنوان مثال، من از مبارزه‌ی مردم بومی در Grassy Narrows برای تأمین آب و محیط‌زیست سالم مطلع

آقای سردار سعدی عزیز چه شد به شناخت فرهنگ و تاریخ و امور بومیان علاقه‌مند شدید و آن را دنبال کردید؟

از زمان ورود به کانادا، من در زمینه‌ی فعالیت‌های دانشجویی در دانشگاه یورک و دانشگاه تورنتو و نیز سازمان‌دهی برنامه‌های مشترک با گروه‌های مختلف فعال در تورنتو فعال بوده‌ام؛ به‌ویژه در فعالیت‌هایی که بر تحقق عدالت برای مهاجران و همچنین همبستگی با مردم بومی در سراسر «جزیره‌ی لاک‌پشت» (اسمی که مردمان بومی برای شمال آمریکا دارند) بوده‌اند، را داشته‌ام. از رهگذر این فعالیت‌ها من به‌نوعی از زاویه‌ای متفاوت با جامعه‌ی کانادا آمیخته شدم و این برای من فوق‌العاده ارزشمند بود زیرا پیوند من با جامعه کانادا از طریق جذب در هنرهای فرهنگی و اجتماعی جامعه سفیدپوستان و کدهای رفتاری آنان نبوده؛ بلکه از طریق آگاهی از روایت‌های مردم بومی، تاریخ و مبارزات آنان بود. این از این لحاظ برام مهم بود چون من خودم از کردستان می‌آیم، و کردها به‌عنوان مردمان بومی



من درباره‌ی بی‌عدالتی در حق مردم بومی در کانادا و آمریکای شمالی، و نیز نسل‌کشی علیه آن‌ها (که بخشی از آن در سیستم مدارس اجباری رخ داد)، بیشتر آموختم و دانستم که کانادا براساس سرکوب و تسلط استعماری بر سرزمین‌ها، زندگی و منابع مردم بومی ساخته شده است.

به کسی است؛ بلکه آن چه ایشان با آن مخالف هستند استعمار و استثمار و سلب مالکیت است و ما باید یاد بگیریم که چگونه سرزمین‌های آن‌ها را بشناسیم و به آن‌ها احترام بگذاریم.

با توجه به کشف گورهای جمعی کودکان بومی در کانادا چقدر به بهبود شرایط بومیان خوش‌بین هستید؟ آیا فشار افکار عمومی ثمربخش خواهد بود؟

بدیهی است که همه از این کشف اخیر کاملاً متأثر شده‌اند؛ هم‌زمان بسیاری از ما می‌دانیم که در این مدارس چه اتفاقی افتاده است. در فراخوان‌های زیادی از کلیسای کاتولیک خواسته شده تا برای جنایات صورت گرفته در «مدارس اجباری» کانادا پژوهش‌هایی شود و من فکر می‌کنم این بسیار مهم است.

ما باید دولت کانادا را تحت فشار قرار دهیم تا به مسئولیت‌های خود در برابر مردم بومی عمل کند. تمام حقیقت در مورد روی زشت تاریخ کانادا باید آشکار شود، و همه (از جمله جوامع مهاجر) باید در مورد آن‌ها آگاه شوند. همچنین ضروری است که برنامه‌های آموزشی و کمپین‌های آگاهی‌بخشی در مورد «مدارس اجباری» و آن چه مردم بومی پشت سر گذاشته‌اند وجود داشته باشد تا دولت و همه‌ی اقشار ملزم شوند تا به حاکمیت و حق تعیین سرنوشت خود و دیگران (از جمله بومیان) احترام بگذارند.

در عین حال، ما باید بیشتر درگیر جنبش‌هایی باشیم که با مبارزات مردم بومی همبستگی نشان می‌دهند و علیه هرگونه پیش‌فرض نژادپرستانه‌ای که در جوامع ما علیه مردم بومی وجود دارد برخورد نشان دهیم و آگاه‌سازی کنیم. من امیدوارم که آینده درخشان باشد، اما تنها با فشارها و مشارکت فعال ما در زندگی اجتماعی و سیاسی کانادا می‌توان به جامعه‌ای عادلانه‌تر و برابرتر رسید که به حقوق بومیان برای حاکمیت بر سرزمینشان احترام گذاشته و آن را تضمین کند.

وناگفته‌ی پایانی؟

بسیار ممنونم از فرصتی که برای این گفت‌وگو در اختیار من گذاشتید. امیدوارم این مصاحبه، سرآغاز پوشش بیشتر موضوعات مربوط به بومیان کانادا در رسانه‌های فارسی‌زبان باشد.

دکتر سردار سعدی گرامی از شما سپاسگزاریم.

به فعالیت‌های روشنگرانه‌ی طی سال‌های اخیر، این رفتار تغییر کرده است؟

من فکر می‌کنم باورهای غلط نژادپرستانه و قضاوت‌های اشتباه متعددی درباره‌ی مردم بومی وجود دارد. آن‌ها به‌عنوان افرادی بدون تحصیلات، بی‌خانمان، متکدی و کسانی که از سیستم رفاه اجتماعی این کشور سوءاستفاده می‌کنند، بازنمایی می‌شوند و هنوز تاریخ این سرزمین‌ها از نگاه مردم بومی خوانده نمی‌شود. در نتیجه مردم از خشونت استعماری علیه مردم بومی و این که چگونه زندگی آن‌ها توسط آن تخریب شده است، اطلاعی ندارند. البته تغییرات مثبتی دیده می‌شود، اما هنوز کارهای ناکرده‌ی فراوانی وجود دارد. در دانشگاه‌ها، تمایل زیادی به انجام «استعمارزدایی» در مطالعات بومی وجود دارد، و بسیاری از استخدام‌ها در سال‌های اخیر بر روی دانشمندان بومی متمرکز شده است. همچنین فعالیت‌هایی نیز برای شناخت سرزمین‌های بومی وجود دارد که در برنامه‌های دانشگاهی گزیده شده است و این‌ها بد نیستند. با این حال، این برنامه‌ها باید با همبستگی واقعی با مبارزه‌ی مردم بومی باشند و حرکت آنان تقویت شود، تا این کوشش‌های آغاز شده پربارتر به ثمر بنشینند.

از نظر شما جامعه‌ی مهاجر چقدر با فرهنگ بومیان آشنایی دارد و اصلاً چرا آشنایی با واقعیت زندگی بومیان برای ما مهاجران دارای اهمیت است؟

متأسفانه، من فکر نمی‌کنم جامعه‌ی مهاجر ما از تاریخ و فرهنگ مردم بومی در کانادا آگاهی خاصی داشته باشند؛ شاید یک دلیل این باشد که برای معرفی این وجه از چهره و تاریخ کانادا کار زیادی انجام نشده است. مهاجران در حالی که با اعضای جوامع خود پیوندهای محکمی دارند، در جوامع اصلی انگلیسی یا فرانسوی‌زبان ادغام و جذب می‌شوند.

علاوه بر این رسانه‌های مهاجران، چندان به مسائل مردم بومی توجه نکرده‌اند. من فکر می‌کنم دولت کانادا نیز مسئول این امر است زیرا دولت (محلی، استانی یا فدرال)، سرمایه‌گذاری کافی در زمینه‌ی افزایش آگاهی در مورد تاریخ و فرهنگ مردم بومی در بین جوامع مهاجر نمی‌کند.

برای ما حیاتی است که از این تاریخچه اطلاع داشته باشیم؛ زیرا اگر نمی‌خواهیم میراث استعمارگری اروپایی را ادامه دهیم، باید بدانیم که در کجا زندگی می‌کنیم و این سرزمین‌ها را با چه کسانی به اشتراک داریم. من خوش‌شانس بوده‌ام که بسیاری از افراد بومی را می‌شناسم و به‌عینه دیدم نحوه‌ی برخورد آن‌ها با نومهاجران، چقدر انسانی است.

همچنین بسیاری از آن‌ها در زمینه‌ی مشارکت زمین و مواهب کانادا با کسی مشکلی ندارند و بسیاری از آن‌ها که من در موردشان صحبت کردم اعتقاد ندارند که سرزمین‌های این سیاره متعلق

آمدن به کانادا به این پویش پیوستم که هدفش به دست آوردن دوباره کنترل زمین و معیشت برای مردمان بومی بوده است.

به‌عنوان یک متخصص انسان‌شناسی که با زندگی بومیان کانادا آشنایی بیشتری دارد، نظر شما درباره‌ی برخورد حکومت با بومیان طی تاریخ جوان کشور کانادا چیست؟

پس از ورود به تحصیلات تکمیلی در رشته‌ی انسان‌شناسی در دانشگاه تورنتو، شروع به مطالعه‌ی بیشتر در مورد تاریخ استعماری مهاجران در کانادا کردم. من درباره‌ی بی‌عدالتی در حق مردم بومی در کانادا و آمریکای شمالی، و نیز نسل‌کشی علیه آن‌ها (که بخشی از آن در سیستم مدارس اجباری رخ داد)، بیشتر آموختم و دانستم که کانادا براساس سرکوب و تسلط استعماری بر سرزمین‌ها، زندگی و منابع مردم بومی ساخته شده است.

از زمان تصویب قانون بومیان (این‌دین آکت) در سال ۱۸۷۶، مردم بومی هدف یک فرآیند نابودی سیستماتیک قرار گرفتند؛ به اشکال ممکن کوشش شده که آن‌ها در فرهنگ غالب انگلیسی یا فرانسوی‌زبان جذب و ادغام شوند. آن‌ها از سرزمین‌های خود رانده شدند، راه‌های بقای اقتصادی بر روی آنان بسته شد و سبک زندگی ویژه‌ی آن‌ها در معرض نابودی قرار گرفت. آن‌ها از خانواده‌ها و قوم خود جدا شدند و در مدارس اجباری تحت مدیریت کلیسای کاتولیک قرار گرفتند. بدین ترتیب آن‌ها به افراد وابسته دولت تبدیل شدند؛ مورد تبعیض قرار گرفتند؛ زمین‌ها و آب‌های آن‌ها توسط شرکت‌های بزرگ مورد سوءاستفاده قرار گرفته و آلوده شده است.

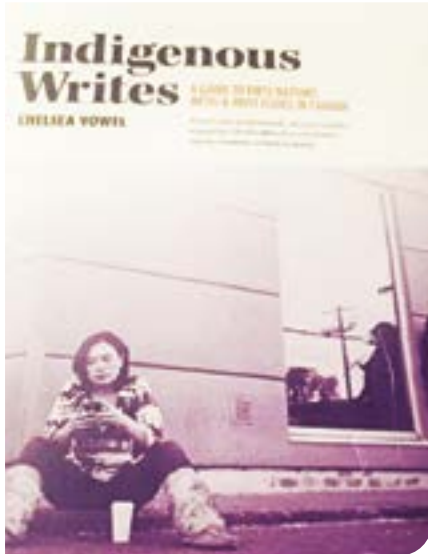
با تأمل در این موارد تصدیق می‌کنید که آن‌ها در تمام ابعاد مشغول تحمل رنج‌های غیرقابل تصور بوده و هستند و تنها پس از مدتی بسیار طولانی، در سال ۲۰۰۸ بود که دولت کانادا به خاطر سیستم مدارس اجباری از بومیان عذرخواهی کرد و «کمسیون حقیقت و آشتی» کانادا تأسیس شد که این هم نتیجه‌ی ده‌ها سال مقاومت مردم بومی و فشار سازمان ملل بود، اما میراث مدرسه اجباری همچنان ادامه دارد و «حقیقت و آشتی» واقعی هنوز در دسترس نیست. هنوز دانشگاهی وجود دارد (دانشگاه رایسون) که به نام یکی از بنیادگذاران این سیستم استعماری، اگر تون رایسون نامیده می‌شود و مجسمه‌ی بسیاری از نژادپرستان سفیدپوست هنوز در اطراف شهرهای ما هستند و میراث آن‌ها مورد تردید و پرسش قرار نگرفته است.



برای ما حیاتی است که از این تاریخچه اطلاع داشته باشیم؛ زیرا اگر نمی‌خواهیم میراث استعمارگری اروپایی را ادامه دهیم، باید بدانیم که در کجا زندگی می‌کنیم و این سرزمین‌ها را با چه کسانی به اشتراک داریم. من خوش‌شانس بوده‌ام که بسیاری از افراد بومی را می‌شناسم و به‌عینه دیدم نحوه‌ی برخورد آن‌ها با نومهاجران، چقدر انسانی است.

رفتار جامعه‌ی کانادا را با بومیان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا به نظر شما با توجه

ندادن مالیات، ژن معیوب، دانشگاه رایگان و...



سرآغاز

بومیان کانادا، سال‌ها است که دیگر در سرزمین مادری و میراث اجدادشان، صاحب قدرت نیستند. دیگر از آن قلمروهای بزرگ و سرزمین‌های بکر، شکارگاه‌های بی‌شمار و قبایل و دهکده‌های رنگارنگ، چیز زیادی در کانادا نیست. آن چه هم هست، محدود به قلمروهای مشخصی به نام «رزرو» است که بومیان تنها در آن‌ها به رسمیت شناخته می‌شوند. به روایت تاریخ، تعداد زیادی از این مردمان و ساکنان اولیه این سرزمین‌ها، سال‌های زیادی در این قلمروهای محدود اسیر شدند، کشته شدند و یا آواره و سرگردان بوده‌اند. فرزندان آن‌ها را از خانواده جدا کردند و با سودای آموزش فرهنگ و تمدن اروپایی در مدارس اجباری آزار کردند. اما این همه ظلم و دردی نیست که این مردمان از آن رنج برده‌اند. علیه آنان، صحبت‌ها و باورها و شایعات زیادی وجود دارد. کانادایی‌ها، مهاجران و سایر مردمانی که امروز در کانادا زندگی می‌کنند، روزانه در اخبار، سرمقاله‌های مجلات، حرف‌ها و اخبار درگوشی و حتی در سخنان برخی از سیاستمداران، اتهامات و حقایق و باورهای نادرست و پر از نفرت و یکسویه‌نگری را می‌شنوند که همگی درباره مردمان بومی است. کم‌کم این باورهای نادرست در ذهن مردم به یک واقعیت تبدیل شده و شاید بسیاری از آنان وقتی یکی از این مردمان بومی را در جایی ببینند از آن‌ها روی برگردانند. اگر شما هم جزو کسانی هستید که این حرف‌ها و باورهای نادرست را شنیده‌اید و احتمالاً باور کرده‌اید، چند دقیقه وقت بگذارید و این مطلب را بخوانید. آن وقت شاید بیشتر این رنج‌های خاموش را احساس کنید.

دو) بومیان در سرزمین‌های پهناوری نسبت

به جمعیت اندک خود قرار دارند. این باور اشتباه در سر بسیاری از ساکنان کانادا درباره بومیان وجود دارد. درحالی که طبق گزارش‌های رسمی، کانادا تنها دودهم درصد از سرزمین‌های پهناور خود را به بومیان داده است. این مقدار اندک از مساحت کانادا، جمعیتی معادل ۵ درصد کل کانادا را که همان بومیان هستند، در خود جا داده است. با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که این تقسیم اراضی تا چه حد ناعادلانه صورت گرفته است. بیشتر مناطق محافظت‌شده بومیان هم از مراکز شهرهای بزرگ، بیمارستان‌ها، دانشگاه و مدرسه دور و از امکانات آسایشی محروم هستند.

سه) بومیان در سرزمین‌های خود هر کاری بخواهند می‌توانند انجام بدهند و آزادانه زندگی می‌کنند.

در سال ۱۸۷۶ میلادی، قراردادی بین دولت فدرال و بومیان کانادا به نام «Indian Act» به امضا رسید که به موجب آن، همه سرزمین‌های بومیان در قلمروهای مشخص هم تحت حمایت و نظارت ملکه بودند و باید منافع سایر سرزمین‌های غیربومی را هم در آن در نظر می‌گرفتند. منافع می‌مانند، رد شدن خط آهن از سرزمین‌های بومیان. این توافق اگرچه به امضای بومیان رسید اما کاملاً بدون توافق و پذیرش کامل آن‌ها بود. در واقع با این کار بسیاری از این سرزمین‌های محدود هم که در اختیار بومیان بود در طول سال‌ها تخریب شدند و از بین رفتند. همچنین دولت فدرال طوری مفاد این قرارداد را تنظیم کرده بود که اگر به فرض بومیان در این سرزمین‌ها از منابع طبیعی و یا معادن بهره‌برداری می‌کردند باید این منافع به دولت فدرال تعلق می‌گرفت. طبق این معاهده، هیچ‌یک از زمین‌های ساحلی و اراضی دارای آب و رودخانه به بومیان تعلق ندارد و بسیاری از آنان از ماهیگیری و شکار در سرزمین‌های محدود خود هم منع شدند.

چهار) بومیانی که در سرزمین‌های محافظت‌شده هستند، خانه‌های رایگان از دولت گرفته‌اند.

این هم یکی دیگر از آن شایعات غیرواقعی درباره بومیان کانادا است. حقیقت این است که بومیان می‌توانند از برخی مزایا و وام‌های خرید و اجاره مسکن مانند تمامی مردم دیگر کانادا استفاده

یک) بومیان از طرف دولت فدرال حمایت کامل می‌شوند.

بین کانادایی‌ها، یک اصطلاح خیلی مشهور وجود دارد که دولت فدرال به بومیان «کولی و سواری» می‌دهد. بسیاری از کانادایی‌ها و مردمان مهاجر تصور می‌کنند که دولت فدرال به بومیان امکانات ویژه و متفاوتی می‌دهد، درحالی که این باور کاملاً اشتباه است. بیشتر خدماتی که دولت به بومیان می‌دهد در حد بقیه‌ی مردم و گاهی پایین‌تر از آن‌ها هم است. آب آشامیدنی تصفیه‌شده در بسیاری از سرزمین‌های بومیان هنوز وجود ندارد. رسیدگی به بهداشت و درمان بومیان در وضعیت اسفباری است و خیلی از آنان تا همین چندی پیش هم تحت پوشش بیمه نبودند. در سال ۲۰۱۱ گزارشگران سازمان ملل، وضعیت بهداشت و مسکن بومیان را بسیار نامطلوب ارزیابی کردند.

کتاب «بومی می‌نویسد»، منبع اصلی تهیه‌ی مطلب حاضر است.

کنند، اما جالب است بدانید که زمین هیچ‌گاه برای آنان نخواهد بود و تنها ساختمان را می‌توانند بخرند. این یعنی، محدودیت زیادی برای آنان در خریدوفروش ملک وجود دارد. همچنین بیشتر این بومیان، برای گرفتن وام از بانک، توان کافی ندارند و به همین دلیل هرگز صاحب مسکن نمی‌شوند. در واقع هیچ امتیاز ویژه‌ای برای آنان در نظر گرفته نشده است.

پنج) مردمان بومی از پرداخت مالیات معاف هستند.

این هم یکی دیگر از باورهای رایج و غلط مردم و رسانه‌های کانادایی است. حقیقت این است که تنها یک درصد از کل بومیان که طبق مفاد معاهده‌ی سال ۱۸۷۶ شرایط ویژه‌ای دارند و شامل همه قبایل بومیان هم نیستند و تنها بخشی از آنان را در برمی‌گیرند، مالیات نمی‌دهند. سایر بومیان باید مانند سایر افراد در کانادا مالیات بر درآمد خود را بپردازند. در کبک، تنها افراد قبیله کاناواکه Kahnawaka طبق قراردادی که با دولت کبک دارند از پرداخت مالیات بر برخی از محصولات خود معاف هستند و سایر بومیان این استان باید مالیات بدهند.

شش) مردمان بومی از حق تحصیلات عالی رایگان برخوردار هستند.

این باور رایج و نادرست بازهم از عدم دانش بیشتر مردم نسبت به بومیان ناشی می‌شود. بومیان اندکی طبق بندهای معاهده‌ی قدیمی دولت فدرال با بخشی از آن‌ها می‌توانند از دریافت کمک‌هزینه‌ی تحصیلی بعد از دبیرستان برخوردار شوند؛ درحالی‌که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها در بین بومیان از راهیابی به دانشگاه و کالج به دلیل عدم دریافت کمک هزینه دولتی باز می‌مانند.

هفت) بیشتر بومیان الکلی هستند، چون ژن آن‌ها معیوب است.

متأسفانه این یکی از بدترین قضاوت‌های کانادایی‌ها درباره بومیان است. بومیان هم مانند سایر جوامع الکلی می‌خورند و ممکن است برخی از آنان در این کار افراط کنند، اما این که همه‌ی آنان را به این مساله محکوم کنیم، واقعا ناعادلانه است. ضمن این که بیشتر بومیانی که الکلی هستند، بازماندگان دوران‌های سیاه و تلخ مدارس اجباری بومیان و ظلم‌های دولت فدرال هستند. بسیاری از بومیان الکلی در نظرسنجی‌ها گفته‌اند که برای فرار از خاطرات سیاه و تلخشان الکلی می‌خورند. باین حال، این باور در بین کانادایی‌ها که بومیان الکلی و خطرناک هستند به شدت رو به رشد است.

در سال ۲۰۰۷، یک کارمند تیم هورتونز، یک طومار را جلوی در تیم هورتونز کشیده بود که «هیچ بومی الکلی نباید وارد این مکان شود». در سال ۲۰۱۲، یک رستوران در تورنتو، روی درهایش نوشته بود که «ورود بومیان کثیف و الکلی ممنوع» و هزاران مثال مانند این که نشان از رفتار اشتباه کانادایی‌ها با مردمان بومی دارد. جالب است که بدانید برای این که این باور برای همه تبدیل به یک مساله‌ی عادی شود، دهها مقاله و نقل قول وجود دارند که بومیان، ژن متابولیک الکلی را مانند مردم عادی ندارند و به همین دلیل وقتی الکلی می‌خورند، خطرناک‌تر هستند! این خرافه‌ی غیرعلمی حتی در باور خود بومیان هم پذیرفته شده و برخی از آنان فکر می‌کنند این یک حقیقت است. البته نمی‌توان منکر این شد که تعداد افراد مبتلا به اعتیاد الکلی میان بومیان نسبت به متوسط جمعیت کانادا بالاتر است اما استفاده از الکلی همانقدر یک فرد بومی را خطرناک می‌کند که یک مهاجر اسکاتلندی، انگلیسی و یا ایرانی می‌تواند با مصرف الکلی خطرناک شود.



درنگ پایانی: چه کسی مقصر است؟

به باور بسیاری از پژوهشگران ریشه‌ی این باورهای نادرست و کلیشه‌های غلط راجع به بومیان را باید در سیاست‌های دولت فدرال، جست‌وجو کرد. دولتی که با محدود کردن بومیان در قلمروهایشان و جلوگیری از تماس آنان با مردمان عادی جامعه، راه را برای شناخت آنان بسته است. تاریخ بومیان در مدارس به درستی تدریس نمی‌شود و در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، هنوز چهره‌ی نادرستی از بومیان وجود دارد. معمولاً بومیان هنوز هم مردمانی خشن در این سریال‌ها و فیلم‌ها هستند.

در حال حاضر تلاش‌هایی برای بهبود این وضع شروع شده است که هنوز کافی نیست. کرسی‌های تحقیق در دانشگاه‌ها، تولیدات برنامه‌های رادیویی و فرهنگی با حضور خود بومیان و نیز تربیت نسل‌های کودک و نوجوان کانادایی که با بومیان مأنوس‌تر باشند. تلاش برای مبارزه با یک‌سویه‌نگری و نیز کمک به شناخت هر چه بیشتر فرهنگ و هنر بومیان، راهکارهایی هستند که در طولانی‌مدت جوابگو خواهند بود. باین حال نقش خود را دست‌کم نگیرید. شما هم راه خود را در مبارزه با هر نوع نگاه منفی و باور غلط درباره بومیان بروید. مردمانی که ساکنان اولیه سرزمین‌هایی بودند که امروز شما در آن مهاجرید!

”

تنها یک درصد از کل بومیان که طبق مفاد معاهده‌ی سال ۱۸۷۶ شرایط ویژه‌ای دارند و شامل همه قبایل بومیان هم نیستند و تنها بخشی از آنان را دربرمی‌گیرند، مالیات نمی‌دهند. سایر بومیان باید مانند سایر افراد در کانادا مالیات بر درآمد خود را بپردازند.

”

بسیاری از کانادایی‌ها و مردمان مهاجر تصور می‌کنند که دولت فدرال به بومیان امکانات ویژه و متفاوتی می‌دهد، درحالی‌که این باور بسیار اشتباهی است. بیشتر خدماتی که دولت به بومیان می‌دهد در حد بقیه‌ی مردم و گاهی پایین‌تر از آن‌ها هم است.

عذرخواهی از بومیان، نخستین قدم است اما کافی نیست

نشست گروهی از ایرانیان برای آشنایی بیشتر با بومیان کانادا

نشست آنلاین ایرانیان برای آشنایی بیشتر با بومیان، در بالا: فرشید سادات شریفی و مریم ایرانی، در پایین: سارا اندرسن، فعال حقوق بومیان

روز پنجشنبه ۱۰ ماه ژوئن، به همت انجمن دانشجویی دانشگاه مک‌گیل (میسسا) و گروه سماک، جلسه‌ای با عنوان «بازخوانی از گذشته تا بهسازی آینده» با تأکید بر نقش تک‌تک مهاجران برای آگاهی از تاریخ و تمدن بومیان به دو زبان فارسی و انگلیسی برگزار شد. فرشید سادات شریفی از طرف گروه سماک، در ابتدای این نشست، مناسبت برگزاری این گردهمایی و پیشنهاد انجام آن از طرف میسرا را به کشف گورهای دسته‌جمعی کودکان بومی که اخیراً در استان بریتیش کلمبیای کانادا اتفاق افتاد، مرتبط دانست و عنوان کرد که وظیفه همه کسانی که در کانادا هستند، این است که درباره تاریخ و تمدن بومیان دانش و آگاهی کسب کنند. علت این مسئله قراردادهایی هستند که از قدیم میان بومیان و دولت‌های کانادایی برقرار شده است و این آگاهی تنها یک جنبه تشریفاتی ندارد و وظیفه‌ای قانونی است. در ادامه سارا اندرسن، دانش‌آموخته رشته مطالعات بومیان و کارمند بخش پژوهش درباره بومیان کانادا در دانشگاه واترلو، که خود از طرف خانواده‌ی پدری بومی‌تبار است، صحبت‌های خود را با انجام یک مراسم آیینی بومیان آغاز کرد: بومیان کانادا، مراسم‌های رسمی و مناسبت‌های مختلف را با روشن کردن ریشه و برگ‌های درختان و گیاهانی که اصطلاحاً به آن‌ها «اسماج» گفته می‌شود شروع می‌کنند. دود متبرک و مقدس این گیاهان، باعث ایجاد همدلی و برکت در میان جمع می‌شود و پیام‌های مختلف از طریق این دود منتقل می‌شوند. همچنین نشان‌دهنده ارتباط عمیق بومیان با سرزمین‌های کانادا است و مانند این است که دست مهربانی آن‌ها به سوی سایر ساکنین این سرزمین دراز شده است.

سسیس اندرسون و سادات شریفی با پخش ویدیوهای کوتاهی از منابع و رسانه‌های معتبر کانادایی مثل سی‌بی‌سی درباره‌ی تاریخ و تحولات بومیان و مدارس اجباری به دو زبان انگلیسی و فارسی جلسه را ادامه دادند. در بخش نخست، این مساله عنوان شد که بسیاری از

واژه‌هایی که ما امروز درباره‌ی بومیان می‌دانیم، منسوخ شده‌اند. واژه‌هایی مانند سرخپوست، اسکیمو و کلمه aboriginal در روزگار ما باری منفی دارند و نباید استفاده شوند. به جای آن باید از واژه‌هایی مانند First Nation, Inuit, Metis, Indeginious استفاده شود. مخصوصاً کلمه Indeginious که به معنی صاحبان سرزمین است امروزه به همه‌ی بومیان سراسر دنیا اطلاق می‌شود، جایگزین خوبی برای استفاده است. در حال بهتر است برای نامیده شدن این افراد از خودشان بهرسمیم که آن‌ها را چگونه صدا کنیم تا موجبات رنجش آن‌ها فراهم نشود.

سادات شریفی در ادامه افزود که همه‌ی هدف اروپاییان از درست کردن مدارس اجباری برای بومیان این بود که به اصطلاح خودشان آن‌ها را به «آدم‌های» متمدن (البته با تعبیر جهت‌دار خودشان) تبدیل کنند و یا در حقیقت مطابق استانداردهای یک اروپایی دربیورند. پروژه‌ای که باعث درد و رنج هزاران بومی شد و مصائب زیادی به بار آورد. او با بیان این که این روش همان چیزی است که طبق اسنادی ایده رفتارهای نژادپرستانه هیتلر از جمله «راه‌حل» هم بوده است، گفت که درباره‌ی مدارس بومیان مدارک بسیاری وجود دارند که کلیسای کاتولیک نقش بسیار مهمی در تأسیس و به هدف رسیدن این مدارس ایفا کرده است و در حدود ۱۵۰ هزار کودک بومی را از خانواده‌های خود در طی حدود ۱۶۵ سال جدا می‌کرده است. طبق آمار در حدود ۶۰۰۰ نفر از این



سارا اندرسن: در کبک سال گذشته، زنی در بیمارستان به دلیل تبعیض آشکار کادر درمان و عدم توجه به وضعیتش چون بومی بود، جان خود را از دست داد. این نشان می‌دهد که مسیر اصلاح اشتباهات گذشته هنوز راهی دراز برای به ثمر رسیدن دارد

کودکان در گذشته‌اند. ابتدا ۱۵۰ مدرسه اجباری بومیان وجود داشت که به تدریج تعداد آن‌ها کمتر شد اما تا سال ۱۹۹۶ که آخرین بازمانده این مدارس تعطیل شد، هنوز هم آن‌ها در سراسر کانادا فعالیت می‌کردند. سارا اندرسون با اظهار تأسف از این موضوع گفت که حدود هفت نسل از پدران و مادران توسط این مدارس از فرزندان‌شان جدا شده‌اند.

سادات شریفی به این نکته نیز اشاره کرد که حتی هویت بسیاری از بومیان در این مدارس توسط دولت کانادا مخدوش شده است. به گفته‌ی اندرسون، در دهه‌ی ۱۹۵۰ دولت کانادا فهمیده بود که مدارس بومیان خیلی بازدهی ندارند و تصمیم گرفت که فرزندان بومیان را به‌طور کامل از پدر و مادر جدا کرده و به خانواده‌های غیربومی بدهد. این اتفاق برای پدر خود اندرسون هم افتاده است. این پدیده را به نام می‌شناسند. اندرسون با اشاره به این که این‌ها داستان‌های بسیار غم‌انگیزی هستند که رخ داده‌اند، گفت که نباید از آن‌ها غافل شد.

سادات شریفی با توضیح این که پلیس سوار کانادا برای این کار تأسیس شد تا کودکان بومی را از پدر و مادر جدا کنند، گفت که حتی امروز هم در بیمارستان، اگر نوزادی به دنیا بیاید که دولت متوجه شود که بومی باشد یا ریشه‌ی بومی داشته باشد، باز هم ممکن است که او را از پدر و مادر بگیرند. دولت می‌خواهد تعداد بومی‌ها را به‌عمد کاهش بدهد تا وظایف خود را کم‌رنگ‌تر بکند. این حقایق تلخ نشان می‌دهد که هویت بسیاری از بومیان نابود می‌شود و اگر اعضای یک خانواده در یک‌جا جمع بشوند، ممکن است نتوانند از تباطخ خونی‌شان با یکدیگر را اثبات کنند.

یکی از سیاست‌هایی که در طول این جلسه به آن اشاره شد، سیاست دولت کانادا در قبال سیستم بهداشت و درمان بومیان است. پروژه عقیم‌سازی زنان بومی، محروم کردن بومیان از آب آشامیدنی بهداشتی و



اعلام کرد که این جلسه تنها باب گفت‌وگو را به بهانه پیدا شدن گورهای دسته‌جمعی می‌گشاید؛ اما این به معنای این نیست که هدفش فقط مطرح کردن مدارس اجباری بومیان باشد. بلکه همه افراد مخصوصاً در جامعه ایرانی باید سعی کنند که در کنار هم دربارہ تاریخ و فرهنگ و آیین‌های بومیان بیاموزند و بدانند. سادات شریفی گفت که مجله هفته از مدت‌ها قبل، پادکست هفته را با بخش ویژه بومیان راه‌اندازی کرده و در شماره‌ی آینده خود نیز ویژه‌نامه‌ای برای فرهنگ‌سازی بیشتر در این خصوص خواهد داشت.

اندرسون هم در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد که اشتراکات فرهنگی زیادی بین بومیان و سایر اقوام مهاجران وجود دارد که باید از آن‌ها برای ارتباط و همدلی بیشتر بین مردم و آن‌ها استفاده کرد. در آخرین بخش از این سخنرانی، سادات شریفی به حضور بومیان در ادبیات مدرن و سینمای امروز کانادا اشاره کرد و گفت که نویسندگان و هنرمندان بومی امروز نقش مهمی را در آشنایی و فرهنگ‌سازی برای بومیان کانادا در میان مردم و مهاجران ایفا می‌کنند و به چند نمونه از این کتاب‌ها و نویسندگانی که جوایز ادبی برده‌اند اشاره کرد.

در بخش پرسش و پاسخ، مریم ایرانی، روزنامه‌نگار و راوی و محقق بخش بومیان پادکست «چکاوک هفته»، از اندرسون سؤال کرد که آیا عذرخواهی و پذیرش دولت کانادا در قبال مدارس بومیان را کافی می‌داند و یا انتظار دیگری دارد.

اندرسون در پاسخ به این سؤال گفت: «عذرخواهی و پذیرش قدم خوبی است اما کافی نیست. هنوز کلیسای کاتولیک مسئولیت این ظلم را نمی‌پذیرد و هنوز راه زیادی باقی مانده است. در یک سال گذشته، زنی در بیمارستان به دلیل تبعیض آشکار کادر درمان و عدم توجه به وضعیتش چون بومی بود، جان خود را از دست داد. این نشان می‌دهد که مسیر اصلاح اشتباهات گذشته هنوز راهی دراز برای به ثمر رسیدن دارد.»

بسیاری سیاست‌های دیگر که انجام می‌شوند تا بومیان را از صفحه‌ی کانادا حذف کنند. حتی در بسیاری از موارد از صدور کارت بیمه بهداشتی که برای بسیاری از مهاجران و کانادایی‌ها امری عادی است، خودداری می‌شود و این یک تبعیض آشکار علیه بومیان است.

اندرسون البته در ادامه‌ی جلسه به نشانه‌های امید و اصلاح در وضعیت فعلی بومیان اشاره کرد و گفت که مدتی است پروژه‌هایی مثل Jordan's principles از طرف دولت برای درمان رایگان و فوری کودکان بومی راه‌اندازی شده‌اند. همین‌طور در حال حاضر گروه‌هایی برای اصلاح قوانین ظالمانه در قبال بومیان راه‌اندازی شده‌اند. برای مهاجران و تازه‌واردان هم اطلاعاتی در دست تهیه هستند و سالانه افزایش پیدا می‌کنند که این افراد هم دربارہ ساکنان اولیه کانادا اطلاعاتی به دست بیاورند. اندرسون گفت که در حال حاضر با بخشی از این پروژه در حال همکاری است.

سادات شریفی با اشاره به تشکیل «کمیسیون حقیقت و آشتی» برای بومیان ادامه داد گفت که این‌ها حرکتهای خوبی هستند، اما در واقع هنوز تضمینی برای تغییر سیاست‌های دولت و قوانین موجود نیستند و نیاز به حمایت بیشتری وجود دارد.

اندرسون نیز تأکید کرد که نباید تنها بر رنج‌های تاریخی بومیان متمرکز شد، بلکه این روزها هم ظلم‌هایی بر بومیان می‌رود که کسی آن‌ها را نمی‌بیند. مساله‌ی زنان بومی که در طی این سال‌ها ناپدید، کشته و مورد تجاوز واقع شده‌اند، یکی از جدیدترین موارد ظلم و تبعیض در حق بومیان است. اندرسون گفت که زنان بومی زیادی که در زمینه‌های مختلف دارای تحصیلات و تخصص هستند در حال حاضر به زنان قربانی و خانواده‌های آنان کمک می‌کنند تا صدای خود را به گوش دیگران هم برسانند.

سادات شریفی هم با اشاره به این نکته که نباید تنها به خاطر اتفاقات تاریخی به سراغ آشنایی با بومیان رفت،



خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



کاظم پرتو تهرانی
مشاور رسمی املاک در کبک

Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker



به همراه یک تیم حرفه ای
514 - 971-7407

Sutton

بیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال
تهیه وام مسکن با بهترین نرخ بانکی
مشاوره برای املاک در آمدزا
ارزیابی رایگان منزل شما
پرداخت هزینه محضر به عنوان کادو به خریداران ملک
با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

B | L | V | D
BOULEVARD

مشاور املاک در مونترال بزرگ

سارا تاشیری

مشاور املاک در مونترال بزرگ

Sara Taassiri
Real Estate Broker

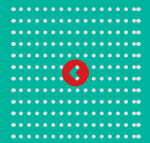
- همکاری با مشاوران دریافت وام مسکن
- شرایط استثنایی برای تازه واردین
- خدمات رایگان برای خریداران
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره تلفنی و حضوری

514-929-8425

taassiris@blvdimmobilier.com



مهاجرت



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

Montreal Office:
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)
Toll free from Iran: 021-85312878
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,
Montreal, Quebec, H3B 1H0
Email: info@icpimmigration.com
Tehran Office:
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

@ICPimmigrationToCanada
@icpimmigrationc icpimmigrationtocanada

معصومه علیمحمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خوشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.
جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



ICP ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com

دلایل کاهش روند گزینش و ورود مهاجران به کانادا چیست؟



• در حال حاضر IRCC از طریق برنامه‌های مختلفی که ایجاد کرده است؛ در حال اولویت‌گذاری بررسی درخواست‌های متقاضیان واجد شرایطی است که در داخل کانادا حضور دارند و از طریق برنامه آزمایشی تغییر مجوز موقت به اقامت دائم و یا تجربه‌داران کانادایی است.

• IRCC اشاره می‌کند که متقاضیان اقامت دائم از درون کانادا به میزان کمتری با چالش‌های مرتبط با محدودیت‌های سفر در دوران پاندمیک و انجام مراحل لندینگ روبرو هستند. از این رو، تمرکز بر متقاضیان داخلی مهاجرت باید بدین معنا باشد که افزایش قابل توجه در گزینش تعداد مهاجرین جدید در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ دور از انتظار نیست.

• برنامه‌ریزی‌های دولت در صورتی به موفقیت می‌انجامد که IRCC قادر به رسیدن به هدف خود برای لندینگ بسیاری از این متقاضیان تا پایان سال باشد، تنها در این صورت است که می‌تواند حداقل از آستانه عدد ۳۰۰۰۰۰ تازه‌وارد در سال ۲۰۲۱ فراتر رود.

تماس با نویسنده: معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.بی. ICP Immigration حمایت شده است.

بالغیر ۴۰۰۰ مهاجر جدید را در آوریل ۲۰۲۰ وارد کانادا شونند که بدترین و پایین‌ترین درصد ورود ماهانه مهاجران به کانادا از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بشمار می‌آید.

به نظر می‌رسد کانادا قادر نخواهد بود سهمیه گزینش ۴۰۱۰۰۰ پذیرش را در سال ۲۰۲۱ تکمیل کند. اگرچه هنوز فاکتورهای بسیار دیگری که می‌توانند رسیدن این کشور به هدف خود را نزدیک‌تر کند وجود دارند. مهم‌ترین این فاکتورها به شرح زیر می‌باشند:

• ورود مهاجرین در ماه‌های تابستان معمولاً بیشتر می‌شود (به دلیل هوای گرم و ورود تازه‌واردانی که پیش از شروع ترم‌های دانشگاهی در ماه سپتامبر به کشور وارد می‌شوند). این موجب خوش‌بینی این می‌شود که مهاجرین زیادی در چند ماه آینده وارد کانادا شوند.

• دولت کانادا شروع به بحث آزادانه درباره تسهیل محدودیت‌های مسافرتی خود کرده است. نخست‌وزیر کانادا، Trudeau، گفته است که مرزهای بین‌المللی باز خواهند شد و این امر را با مسافران کاملاً واکسینه شده آغاز خواهد کرد.

وزیر بهداشت نیز افزود: کانادا می‌تواند الزامات قرنطینه را برای مسافرانی که در لیست استثناء سفر به کانادا در دوران پاندمیک بودند را در اوایل هفته اول جولای کاهش دهد. این مسئله به هزاران نفر از مهاجرین جدیدی که موفق به دریافت تأیید اقامت دائم شده ولی تاکنون نتوانسته‌اند مراحل لندینگ را به علت محدودیت‌های سفر به کانادا انجام دهند نیز اجازه می‌دهد تا در نهایت لندینگ خود را در کانادا تکمیل کنند.

تعداد مهاجران جدید در ماه آوریل کاهش یافت. با این حال، همچنان می‌توانیم انتظار پایان سال قوی‌تری را برای سال ۲۰۲۱ داشته باشیم.

در ماه آوریل سال ۲۰۲۱، کانادا از تقریباً ۲۱۰۰۰ مهاجر جدید استقبال کرد که این عدد پایین‌ترین آمار ماهانه در سه سال اخیر بوده است.

در ماه ژانویه امسال، کانادا از ۲۴۶۸۰ مهاجر تازه‌وارد، و در ماه فوریه از ۲۳۳۹۵ مهاجر جدید استقبال کرد. این عدد در ماه مارس به ۲۱۱۰۵ کاهش یافت و حتی در ماه آوریل نیز مجدداً کاهش یافت. مشخص نیست چرا میزان صدور اقامت دائم کانادا پس از شروع قوی در ابتدای سال، هنوز در حال کاهش است؟

بر اساس برنامه مهاجرت سه‌ساله که تمایل این کشور را از پذیرش حداقل ۴۰۱۰۰۰ مهاجر جدید در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که تاکنون هیچ‌گاه کانادا دارای چنین سهمیه بالای گزینش نبوده، ولی هنوز هر ماه با کاهش در گزینش مواجه است؟ بدیهی است دلیل این هدفمندی برای تعیین سهمیه بالا قصد و حمایت دولت فدرال، برای کمک به بهبود اقتصاد آسیب‌دیده کانادا در دوران پاندمیک می‌باشد ...

کانادا با وجود اینکه علاقه‌مند به گزینش مهاجران زیاد و تأمین سهمیه سال ۲۰۲۰ بود ولی به دلیل مشکلات ناشی از پاندمیک تنها توانست پذیرای ۱۸۴۰۰۰ مهاجر جدید باشد.

اثرات منفی دوران قرنطینه سنگین برای مبارزه با موج دوم کووید ۱۹ در دوران پاندمیک موجب شد که تنها

گفت‌وگوی هفته با مکی عارف به بهانه دریافت جایزه در کبک:

سرعت پیشرفت زنان افغان باعث حیرت من می‌شود



خانم مکی عارف همراه با لوح تقدیر و تندیس تیم نوبل و مرکز اقدام داوطلبان مونتreal (L'équipe des Nobilés et du Centre d'action bénévole de Montréal)

درباره‌ی مکی عارف

خانم مکی عارف فارغ‌التحصیل رشته ریاضی و فیزیک است. او به مدت ۱۰ سال معلم همین رشته تحصیلی در یکی از دبیرستان‌های دخترانه شهر کابل و پنج سال از فعالیت خود را هم به عنوان مدیر دبیرستان دخترانه زرغونه خدمت کرده است. پس از آن بنا بر تقاضای مرکز سرتاسری زنان افغانستان به مدت پنج سال در بخش حقوقی و اجتماعی این مرکز در افغانستان با زنان همکاری داشته است.

آن‌طور که خودش می‌گوید «با حضور دولت مجاهدین در افغانستان عرصه بر اعضای این مرکز و همه زنان فعال افغان تنگ شد و خطر جانی همه ما را تهدید می‌کرد از همین‌رو با تاسف و دریغ، وطن را در زمستان سال ۱۹۹۲ ترک کردم و با آینده‌ای نامعلوم با خانواده به شوروی سابق رفتم. در آنجا با همه مشکلات به مدت هشت سال زندگی کردم. در نهایت در سال ۲۰۰۰ به کانادا آمدم.»

خانم عارف از همان بدو ورود فعالیت‌های اجتماعی خود را آغاز می‌کند و حالا پس از گذشت حدود ۲۰ سال رییس مرکز زنان افغان مونتreal (AWCM) است؛ مرکزی که از صدها زن مهاجر در سراسر مونتreal - کبک حمایت می‌کند. خانم عارف در این‌باره می‌گوید: «این مرکز به زنان کمک کرده تا انزوایشان را شکسته، توانمند شوند و فضایی ایمن را برای زنان مهاجر در مونتreal فراهم کرده است.»

معرفی خانم مکی عارف

خانم مکی عارف فارغ‌التحصیل رشته ریاضی و فیزیک است. او به مدت ۱۰ سال معلم همین رشته تحصیلی در یکی از دبیرستان‌های دخترانه شهر کابل و پنج سال از فعالیت خود را هم به عنوان مدیر دبیرستان دخترانه زرغونه خدمت کرده است. پس از آن بنا بر تقاضای مرکز سرتاسری زنان افغانستان به مدت پنج سال در بخش حقوقی و اجتماعی این مرکز در افغانستان با زنان همکاری داشته است.

آن‌طور که خودش می‌گوید «با حضور دولت

است؛ مرکزی که از صدها زن مهاجر در سراسر مونتreal - کبک حمایت می‌کند. خانم عارف در این‌باره می‌گوید: «این مرکز به زنان کمک کرده تا انزوایشان را شکسته، توانمند شوند و فضایی ایمن را برای زنان مهاجر در مونتreal فراهم کرده است.»

معرفی مرکز زنان افغان مونتreal (AWCM)

این مرکز در ژوئن ۲۰۰۲ به‌طور رسمی به ثبت دولت کانادا رسیده است. به گفته خانم عارف «ابتدا کار با گروهی ۱۵ نفر از زنان افغان از جمله اسما، هموا،

مجاهدین در افغانستان عرصه بر اعضای این مرکز و همه زنان فعال افغان تنگ شد و خطر جانی همه ما را تهدید می‌کرد از همین‌رو با تاسف و دریغ، وطن را در زمستان سال ۱۹۹۲ ترک کردم و با آینده‌ای نامعلوم با خانواده به شوروی سابق رفتم. در آنجا با همه مشکلات به مدت هشت سال زندگی کردم. در نهایت در سال ۲۰۰۰ به کانادا آمدم.»

خانم عارف از همان بدو ورود فعالیت‌های اجتماعی خود را آغاز می‌کند و حالا پس از گذشت حدود ۲۰ سال رییس مرکز زنان افغان مونتreal (AWCM)

متاسفانه به‌طور جدی در رویدادهای این‌چنینی شرکت نکرده بودم. این مورد را هم دوستان پیشنهاد دادند تا در آن شرکت کنم که نتیجه کار جمعی است. البته یک مورد دیگر هم هست که در سال ۲۰۱۹ از سوی همین مرکز کاتولیک‌های مونترال به‌خاطر چاپ کتاب داستان‌های زنان مهاجر مورد تقدیر قرار گرفتم و جایزه نیز دریافت کردم.

فعالیت‌های مرکز زنان افغان مونترال چقدر تحت تاثیر همه‌گیری کرونا قرار گرفته است؟

جالب است که کارهای ما در شرایط کرونا دو برابر شد. ما با ارتباطاتی که داشتیم توانستیم به‌صورت آنلاین برنامه‌های مختلفی را برگزار کنیم. فعالیت‌هایی را در نظر گرفتیم تا افراد را از استرس ابتلا به بیماری کووید ۱۹ دور کنیم. خود من شخصا در سه ماه اول شیوع کرونا روزانه مدام با افراد مختلف در تماس بودم تا با صحبت از میزان نگرانی‌ها کاسته شود که البته فقط به همین جا ختم نشد یعنی اجرای پروژه‌های مختلف را هم برای پر کردن اوقات زنان شروع کردیم. برای برگزاری برنامه‌ها به‌صورت آنلاین کارهایی را انجام دادیم و با سرکشی به خانه‌ها فرصت حضور افراد در برنامه‌ها را فراهم کردیم و چگونگی ارتباط آنلاین را به آن‌ها آموزش دادیم. همین کارها باعث شد تا بتوانیم همه برنامه‌های آیینی و مناسبتی را به‌خوبی برگزار کنیم و افراد زیادی از آن‌ها بهره‌مند شدند. از طرفی، در زمینه واکسیناسیون کرونا هم فعالیت‌های مختلفی انجام شده است به‌عنوان مثال اطلاع‌رسانی کردیم تا افراد تشویق به واکسن زدن شوند یا برنامه‌های آموزشی برگزار کردیم تا استرس را کمتر کنیم.

شما در سال ۲۰۱۹ کتابی را با عنوان «زنان مهاجر، روایت‌های دید و مقاومت» منتشر کردید، این کار به کجا رسید؟

برای این کتاب زحمات زیادی کشیده شده است. خانم نفیسه حقیقت‌جوان با زنان مهاجر (شامل خانم ایرانی و هندوستانی) در مونترال مصاحبه‌هایی انجام داده است. متاسفانه این کتاب در بخش فارسی مشکلات ویرایشی زیادی داشت که پس از انتشار مشخص شد. تغییر روایت‌ها و دیگر نواقص موجب شد تا به‌خوبی به زبان فارسی ترجمه نشود که البته آقای خسرو شمیرانی، سردبیر مجله هفته این مشکل را پیگیری کرد و توسط خانم مریم ایرانی ویرایش شد اما این قضیه با شیوع ویروس کرونا تلاقی کرد و نتوانستیم این کار را به ثمر برسانیم اما در بخش انگلیسی و فرانسوی به‌خوبی ترجمه شده است.

همکاری مرکز زنان افغان مونترال با زنان در افغانستان چگونه است؟

متاسفانه ما مشکل اختلاف زمانی داریم که زیاد هم

خانم مکی عارف گرامی شما جایزه‌ای را در ماه آپریل دریافت کرده‌اید کمی درباره این رویداد و دریافت جایزه آن توضیح بفرمایید.

تیم نوبیله و مرکز اقدام داوطلبان مونترال (L'équipe des Nobilés et du Centre d'action bénévole de Montréal) در سطح کبک فعال است. این مرکز سازمان‌هایی را که در عرصه کار داوطلبانه فعالیت دارند را هر ساله ارزیابی می‌کند تا بهترین عملکرد را شناسایی کند. این تیم از سازمان‌های عضو تقاضا می‌کند تا کارهای ابتکاری و اجتماعی خود را در قالب یک پرسش‌نامه توضیح دهند و برای این سازمان ارسال کنند. در این پرسش‌نامه درباره خدمات مراکز و مجموعه‌ها سوال شده که باید سازمان‌ها همراه با رفرنس، موارد خواسته شده را برای آن‌ها بفرستند. ما هم مدارک لازم را ارسال کردیم. در این برنامه ۱۶۰ انجمن و مرکز شرکت کرده بودند که همگی ارزیابی شدند. در نهایت از سوی کمیته تصمیم‌گیری سه مرکز انتخاب شد و انجمن زنان افغان مونترال توانست در بخش‌های مختلف رتبه عالی را کسب کند. در روز ۲۲ آپریل ۲۰۲۱ جلسه بزرگی با حدود ۳۰۰ نفر از سازمان‌های مختلف به‌صورت آنلاین برگزار شد. انجمن ما در این نشست از میان سه کاندیدای مطرح شده، جایزه نخست را تصاحب کرد. در این برنامه پیام تبریک را از این سازمان دریافت کردیم و ۱۵ روز بعد نیز جایزه به آدرس ما ارسال شد. جایزه شامل چند مورد بود که یکی از آن‌ها یک آرم از تیم نوبیله بود به همراه جایزه نقدی.

از سوی این سازمان چه معیارهایی معرفی شد تا شما به عنوان رتبه نخست انتخاب شوید؟

حدود ۴۰ سال است که در کارهای اجتماعی و فرهنگی فعال هستیم و ۲۰ سال آن در کانادا بوده است. داوران این مسابقه از میان ۱۶۰ کاندیدا انجمن ما را به دلیل اعتبار و برجستگی فعالیت‌ها و اینکه بیشتر شکل حمایت‌کننده بوده است، انتخاب کردند. توجه داوران به استعدادها، مراکز و نوع خدمات هم بوده است؛ اینکه چقدر جامعه هدف مراکز، از آن خدمات منتفع می‌شوند. یک خانم پروفیسور در دانشگاه کانکور دیا با من و خدمات مرکز ما از نزدیک آشنا بود. خانم‌ها لندزی لوهارس و جودی وندنگ داریتر از مرکز کاتولیک‌های مونترال نیز از شاهدان عینی خدمات داوطلبانه مرکز ما بوده‌اند.

البته نکته دیگری که توجه داوران را جلب کرد این بود که در ۱۰ سال اخیر من در منطقه‌ای بیرون از شهر مونترال زندگی می‌کنم و برای انجام خدمات مرکز، سه چهار روز در هفته را با ترن شهری در رفت‌وآمد هستم و خسته هم نمی‌شوم. این قضیه هم موجب شد تا توجه کمیته تصمیم‌گیری جلب شود. آیا در گذشته هم در رویداد مشابهی شرکت کرده بودید که جایزه دریافت کنید؟

انجیلا زهیر، انیسه شمس، نازنین جباری، سلیمه عزیز و منیره صمد شروع می‌شود اما پس از چند سال تعداد اعضای آن به بیش از ۷۵ نفر می‌رسد. البته هنوز هم افراد تازه‌وارد علاقه‌مند به عضویت هستند»

او می‌گوید: «این مجموعه در سال‌های مختلف به دلیل نداشتن مکانی ثابت بارها تغییر جاداده تا اینکه از سال ۲۰۱۸ تاکنون در مرکز شهر، نزدیک متروی گی کنکور دیا، محلی برای مرکز در نظر گرفته شده است. با این توضیح که از سال ۲۰۰۹ تا به حال مرکز ما تحت حمایت مالی قرار گرفتیم و قرار شد تا برنامه‌ها و پروژه‌های مختلف چند وزارت‌خانه را اجرا کنیم. البته این را هم بگویم که حمایت مالی در ازای قبول انجام پروژه، کار ساده‌ای نیست چراکه برای تعریف و اجرای هر برنامه دلایل متقن و بسیار زیادی باید ارائه شود، هر سال هم فعالیت‌ها باید متفاوت باشد.»

خانم عارف یادآور می‌شود: «به مدت پنج سال تحت حمایت وزارت زنان کانادا قرار گرفتیم که خانم مریم منصف، وزیر آن بود. این کمک از سال ۲۰۱۹ آغاز شده و تا سال ۲۰۲۳ ادامه دارد.»

او درباره مرکز خود می‌گوید: «سازمان فعالیت‌های ما گشودن در مرکز به روی همه زنان افغان است. برخی زنان افغان به حالت افسردگی شدید درآمده‌اند. گروهی از آن‌ها در داخل خانه هستند به‌عنوان مثال زنان سالخورده افغان مشکلاتی از جمله زبان و ارتباط با جامعه میزبان دارند. وقتی که ما برای اولین بار برای حل این مشکل قدمی برداشتیم متوجه شدیم باید این زنان را از خانه بیرون آوریم، به آن‌ها آگاهی و تعلیم دهیم. با این اقدام مشکل ارتباط بسیاری از آن‌ها با جامعه میزبان حل شد.»

حضور جدی زنان افغان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی، تلاش برای روشنگری و پاسداشت زبان فارسی از دغدغه‌های اصلی اوست. خانم مکی عارف از سال‌های شروع جنگ در افغانستان تا الان که در کانادا زندگی می‌کند روزگار پراز نشیب و فرازی را پشت سر گذاشته که روایت آن، خود یک داستان بلند شنیدنی و البته دردناک است؛ از روزی که مجبور به ترک وطن می‌شود تا سال‌هایی که به شوروی کوچ می‌کند. او همچون سایر زنان افغان دلش همچون صندوقچه‌ای از حرف‌های ناگفته است که اگر چه بخش مهمی از آن را درد و رنج ناشی از جنگ پر کرده اما نگاهش به زندگی حفظ امید و ایجاد تغییر برای بهبود وضعیت بوده تا جایی که برای تحقق این نگاه چهار دهه خدمات ارزشمندی را به جامعه افغان و فارسی‌زبان ارائه کرده است.

او معلمی است که سال‌ها صبر و امید را به نوجوانان افغان یادآور شده و پس از پایان دوره معلمی هم همچنان برای حال خوب هموطن و «دیگری» تلاش کرده است که حاصل آن کارنامه‌ای سراسر از ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی است. خانم عارف هم‌اکنون رییس مرکز زنان افغان مونترال است. از ایشان خواستیم دقیقاً را مهمان خوانندگان هفته باشد که در ادامه گفت‌وگوی ما با او را می‌خوانید.

زبان فارسی و استفاده از آن است. جامعه افغان باید به فرهنگ خود احترام بگذارد و خوبی‌های فرهنگ جامعه میزبان را هم یاد بگیرد و هر دو را در کنار هم داشته باشد. عقیده من این نیست که فرهنگ جامعه جدید را نپذیریم یا نبینیم اتفاقاً باید آن را هم در نظر داشته باشیم و تلفیق فرهنگ خودمان با جامعه میزبان را به کار بگیریم تا نگاه بهتری به پیشینه و زندگی فعلی خودمان داشته باشیم.

و توصیه شما برای جامعه افغان؟

توصیه من این است که جامعه افغان و فارسی‌زبان همچون دیگر جوامع مثل چینی‌ها یا عرب‌ها به فرهنگ خود توجه کنند و زبان فارسی و دری را حفظ کنند. نکته دیگر اینکه دست از گله و شکایت از جامعه میزبان هم برداریم. من فکر می‌کنم اگر کسی از زندگی در اینجا رضایت ندارد می‌تواند به جای دیگری برود بنابراین با زندگی خود در صلح و آرامش باشیم تا در کنار هم زندگی و روزگار بهتری را سپری کنیم. خوبی خدمات جامعه و دولت کانادا را ببینیم و آن‌ها را فراموش نکنیم؛ این‌ها دیدگاه شخصی من است. در خصوص کرونا هم افراد نگران نباشند هر کسی اگر رعایت نکات بهداشتی را از خودش شروع کند، آن‌ها را به خانواده خود نیز منتقل و گوشزد کند و آن‌ها را جدی بگیرد بلا هم از همه ما دور خواهد شد.

اگر سخنی باقی مانده است بفرمایید.

از همکاری و تلاش مجله هفته برای اطلاع‌رسانی فعالیت‌های مراکز و مجموعه‌ها تشکر می‌کنم از اینکه در زمینه اطلاع‌رسانی به جامعه افغان هم گام برمی‌دارید از شما سپاسگزارم.

خانم عارف عزیز از وقتی که گذاشتید بسیار سپاسگزاریم.

▶ خانوم مکی عارف در جلسه آنلاین معرفی برنده رقابت برگزار شده از سوی تیم نوبل و مرکز اقدام داوطلبان مونترال



اوضاع تلاش کنند. نکته دیگر اینکه در برگزاری برنامه‌ها باید تعداد شرکت‌کنندگان خود را هر روز بیشتر و بیشتر کنند و به تعداد محدود اکتفا نکنند. همچنین در کشور سهم خود را عملاً در بخش‌های مختلف نشان دهند و با قدرت در عرصه‌ها حضور جدی داشته باشند.

اگر بخواهید خواسته خود را با جامعه افغان در میان بگذارید آن چیست؟

خواسته من این است که جامعه فارسی‌زبان باید به داشتن زبان خود افتخار کند. زبان فارسی و دری ما زبانی کامل و غنی است. با دانستن زبان انگلیسی و فرانسوی نباید زبان مادری خود را نادیده بگیریم یا به کارگیری آن را کم‌رنگ کنیم. ما باید در خانواده سعی کنیم فارسی صحبت کنیم تا رابطه والدین با فرزندان به خوبی حفظ شود. هر چقدر از زبان فارسی فاصله بگیریم شکاف میان ما با فرزندان مان بیشتر و بیشتر می‌شود. حفظ فرهنگ ما در گروهی پاسداشت

هست با این حال در چندین جلسه برنامه‌هایی را با حضور زنان افغان در افغانستان، قزاقستان و کانادا به شکل مجازی اجرا کردیم. تلاش ما بر این است که موارد مختلف مربوط به زنان را در نظر داشته باشیم و مشکلات زنان را پیگیری کنیم. به هر حال مشکل اختلاف زمانی دست ما را برای انجام کارهای بیشتر بسته است اما سعی می‌کنیم تا جای ممکن با سازمان‌های مستقر در افغانستان در تعامل باشیم.

جایگاه فعلی زنان افغان در افغانستان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی را در سال‌های اخیر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

زنان افغان در سال‌های اخیر تغییر و تحولات بسیار خوبی داشته‌اند. آن‌ها رو به پیشرفت حرکت می‌کنند که حتی گاهی باعث حیرت من می‌شوند چراکه آن‌ها در میانه جنگ و ناامنی هستند اما هیچ چیزی نتوانسته است زنان افغان را متوقف کند تا جایی که طالبان نمی‌داند چگونه جلوی پیشروی زنان را بگیرد. در سال‌های اخیر زنان افغان خدمات اجتماعی و فعالیت‌های قابل‌توجهی انجام داده‌اند که همچنان نیز ادامه دارد. برگزاری مسابقه‌های دوچرخه‌سواری و فوتبال و البته کسب تحصیلات عالی در مراکز شهر و ولایت‌ها از سوی زنان قابل ملاحظه است اما متأسفانه در شهرستان‌ها و مناطق محروم و دورافتاده طالبان جلوی فعالیت زنان را می‌گیرند و آن‌ها را سرکوب می‌کنند.

پیام شما برای زنان افغان در افغانستان چیست؟

مقاومت زنان افغان در برابر جنگ و ناامنی ستودنی است که باید همچنان حفظ شود. آن‌ها نباید تحت‌تأثیر دشمن قرار بگیرند. جامعه زنان باید بین خودشان همچنان روشنگری کنند و از پا ننشینند. آن‌ها نباید از هر تلاشی فروگذاری کنند. باید تمام استعداد خود را برای بهبود وضعیت و روشنگری جامعه به کار بگیرند. قابل درک است با وجود جنگ و تنش پیشبرد کارها سخت است اما همین استقامت را حفظ کنند و برای کمک به یکدیگر و بهتر شدن

◀ آرم تیم نوبل و مرکز اقدام داوطلبان مونترال





مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743



YASAMIN ALI-AKBAR

Courtier Immobilier Résidentiel

514-677-9681

yasamina@sutton.com

ELHAM JAMI

Courtier Immobilier Résidentiel

514-966-9681

enlajami@sutton.com

خرید و فروش املاک مسکونی
در مونترال، وست آیلند، ریوسود و لاوال

همکاری با تیم با تجربه در
تهیه وام مسکن و با کمترین نرخ سود بانکی

تسهیلات ویژه برای تازه واردین به کانادا



Agence Immobilière
RE/MAX Haute Performance

شاهین سجادی

کارشناس و مشاور رسمی
املاک مسکونی



SHAHIN SAJADI

• Courtier immobilier
résidentiel

514-464-8220



f shahinsajadi

shahin.sajadi@remax-quebec.com

shahinsajadi.realtor

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ایران
با بیش از 15 سال سابقه



485, boul. L'Évêque O.J. inc.
10C 107 294



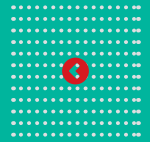
514 290 2210



ShahrianRealtor@gmail.com



ادبیات فرهنگ و هنر



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca



Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

CKCU 93.1 FM

<https://t.me/ottawaradio>

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

www.PersianRadio.net

رادیونماشوم

اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری
همکاران تازه است.

@namaashoum_radio

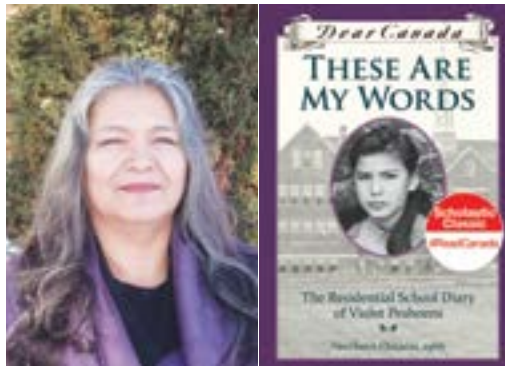
رنج بومیان کانادا و زیبایی فرهنگشان در آینه‌ی کتاب

مروری در چهار دریچه

این ویژه‌نامه در شرایطی منتشر می‌شود که، از یک‌سو، در تقویم رسمی دولت کانادا، ماه ژوئن هر سال ماه آگاه‌سازی درباره‌ی بومیان و روز بیست‌ویکم این ماه «روز ملی مردمان بومی» نامیده شده و، از دیگر سو، چندی است که کشف گور جمعی کودکان بومی و دانش‌آموزان مدارس شبانه‌روزی، جامعه را در بهتی عظیم فروبرده و گفته می‌شود که اخبار دیگری نیز درباره‌ی مصیبت‌های مشابه در راه‌اند. در این شرایط دشوار، بسیاری از فعالان بر نکته‌ای مهم و راهگشا دست می‌گذارند: از این شوک عاطفی و آمادگی ایجادشده در جامعه باید برای آگاه‌تر کردن جامعه، از کوچک و بزرگ، بهره برد.

کتاب‌خوانی از مؤثرترین ابزار خانواده‌ها و جمع‌های دوستانه برای مطالعه و گفت‌وگو و تعمیق راجع به این دانستی مهم است. بنابراین، در چهار صفحه‌ی ادبی این شماره، معرفی و گزیده‌ترجمه‌های اختصاصی چهار کتاب از بومیان و درباره‌ی بومیان را به خوانندگان عزیز پیشکش می‌کنیم. امیدواریم خواندن درباره‌ی بومیان کانادا آگاهی و احترام تک‌تک ما را به غنا و تنوع فرهنگی آنان بیشتر کند و همچنین موجب توانمندسازی ما از طریق جادوی تمثیل و استعاره و روایت شود. گفتنی است این کتاب‌ها برای اولین‌بار به فارسی برگردانده و معرفی می‌شوند.

دریچه‌ی اول؛ این‌ها واژه‌های من‌اند



عنوان: این‌ها واژه‌های من‌اند
نوشته‌ی: ربی اسلیپرچک
ژانر: کودک‌ونوجوان (مخاطب اصلی: ۹ تا ۱۲ سال)
تعداد صفحات: ۲۰۰ صفحه

مشکی در پشت یقه یا روی برچسب‌های پشت دامن نوشته شده بود، من الان دیگر فقط و فقط «شماره‌ی ۷۵» بودم. با خودم فکر کردم، یعنی چند دختر دیگر قبلاً همین لباس‌ها را پوشیده‌اند؟!

وقتی در را قفل کردم، برگشتم و دختری را در آینه‌ی بلند انتهای اتاق دیدم؛ شوکه شدم: خود من بود! قبلاً هرگز این‌گونه ندیده بودم: چشمان مادرم بود که به من نگاه می‌کرد.

حالا همه‌ی چیزهای مربوط به گذشته و «خود» ام از بین رفته‌اند. حالا مجبورم لباس‌های عجیب و پیش‌بندهایی با شماره‌ی ۷۵ بپوشم. من الان فقط یک شماره هستم.»

منابع بیشتر در این رابطه:

برای خواندن بیشتر درباره‌ی مدارس اجباری بومیان (Residential Schools)، به آرشیو وبگاه هفته در لینک hafteh.ca/canada/54677 رجوع کنید و ویژه‌نامه‌ی مرتبط را ببینید.

کتاب «این‌ها واژه‌های من‌اند» از معروف‌ترین، تحسین‌شده‌ترین و پرخواننده‌ترین آثار اوست که عنوان فرعی «رونوشتِ خاطرات ویولت پشینز در شبانه‌روزی اونتاریو شمالی» را بر خود دارد و وقایعی که در سال ۱۹۶۶ (یعنی در چهارده‌سالگی) بر او و هم‌سالانش رفته است را در آن روایت می‌کند: ویولت پشینز در تلاش و تقلاست تا با زندگی جدید و سخت خود در مدرسه‌ی شبانه‌روزی کنار بیاید. او با دختران دیگر حتی نقشه‌ی فرار می‌ریزد و رؤیای فرار

را در سر می‌پروراند؛ چراکه دلش برای مادر بزرگش بسیار تنگ شده است، مادر بزرگی که هرچه از خانه با خود به شبانه‌روزی آورده، حتی نامش، از او گرفته شده است. اما ویولت اکنون فقط یک «شماره» است. از آن بدتر، ترسی است که در جان او ریشه کرده: ترس از فراموش کردن چیزهایی که بیش از همه برای او ارزشمندند: زبان اوچیپوی، نام کسانی که قبلاً می‌شناخته، آداب و رسوم و سنن و فرهنگ و خلاصه هر چیزی که او را ساخته و هویتش را شکل داده است.

برشی از کتاب (یکی از روزنوشت‌های ویولت)

«وارد خوابگاه دختران شدیم. خالی و تک‌افتاده بود، با سه ردیف تخت فلزی با قاب‌های سرفلزی منحنی به‌رنگ سبز روشن با سه میله‌ی فلزی در میان، و پله‌های منحنی با همان رنگ. میزهای فلزی نیز به همین رنگ بودند و کاشی‌های سبز را هم در دو طیف رنگ نزدیک درآورده‌اند، راه‌راه و شطرنجی»

به ردیف اول و به تختی هدایت شدم که از آخر سومی بود. انبوهی از وسایل روی تخت بود، و درست روبه‌روی تخت‌ها، کمدهایی بود که قرار بود یکی از آن‌ها مال من باشد. چیزهایی که روی تخت بود را گذاشتم توی کمد. بر روی تمام لباس‌ها شماره‌ی ۷۵ درج شده بود که با نشانگر

درباره‌ی نویسنده

ربی اسلیپرچک (Ruby Slipperjack)، متولد ۱۹۵۲، عضو گروهی از بومیان شمال اونتاریو است که با نام‌های Eabametoong، Fort Hope و Eabamet Lake شناخته می‌شوند. این گروه در منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی خود زندگی می‌کنند و قوانین و زبان و پرچم خود را دارند. زبان اصلی این مردمان، که یکی از زبان‌های متنوع و متعدد بومیان کاناداست، اوچیپوموین یا انیشینابمووین (Anishinaabewomin, Ojibwemowin) نام دارد که یکی از زبان‌های بومیان کاناداست که بیشترین گویش‌ور را دارد. ربی در خانواده‌ی متولد شد که تنها با این زبان صحبت می‌کردند؛ در نتیجه وقتی او در هفت‌سالگی و به اجبار دولت به مدارس مخصوص بومیان فرستاده شد، با وجود تسلطی که به این زبان کهن و دشوار داشت، حتی یک کلمه هم انگلیسی نمی‌دانست، و همین موضوع دست‌مایه‌ی تحقیر او را از اولین روز مدرسه فراهم کرد. او هفت سال را در یک مدرسه‌ی تک‌کلاسه‌ی روزانه و پنج سال در در شبانه‌روزی‌های وحشتناک دور از خانواده سپری نمود و این دوازده سال دشوار را دست‌مایه‌ی نوشته‌های تأثیرگذار خودش کرد.

او مدرک کارشناسی‌اش را در رشته‌ی تاریخ از دانشگاه «لیک‌هد» (Lakehead) گرفت و سپس دکترایش را در رشته‌ی مطالعات آموزشی از دانشگاه اونتاریو غربی دریافت کرد.

درباره‌ی اهمیت کتاب

منتقدان ادبی، اسلیپرچک را یک داستان‌نویس تمام‌عیار می‌دانند که تلاش‌های دانشگاهی خود به‌عنوان استاد رشته‌ی آموزش (با تأکید بر یادگیری بومیان) را با مهارت تمام در قالب قصه‌های عمیق و همه‌فهمی ارائه می‌کند که از تجارب دردناک خود او نیز سرشار و غنی هستند.

دریچه‌ی دوم؛ آن‌ها مرا «شماره‌ی یک» صدا می‌کردند

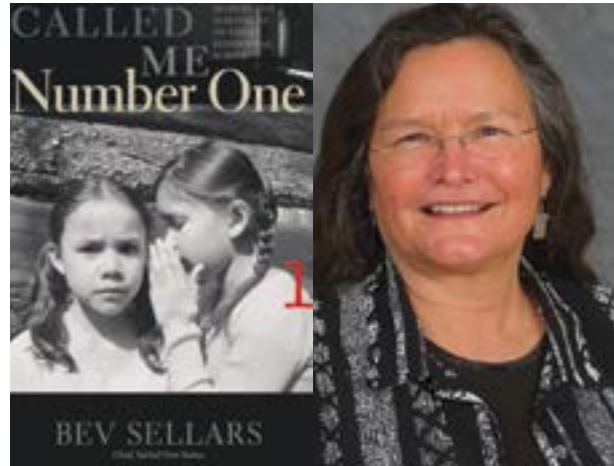
عنوان: آن‌ها مرا «شماره‌ی یک» صدا می‌کردند

نویسنده: بُو سِلارز

ژانر: روزنگاری (خاطرات)

تعداد صفحات: ۲۵۶ صفحه

پرفروش‌ترین اثر «پرتره» در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به مدت ۴۴ هفته‌ی پیاپی.



«مادربزرگ من سارا (باپتیست) سام در ۲۹ ژوئیه‌ی ۱۸۹۶ در مارگرویت، در جنوبی‌ترین منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی متعلق به قبیله‌ی داکل (کرپر) متولد شد. وی در تپه‌های مریم‌گلی اطراف مارگرویت، که در حاشیه‌ی رودخانه فریزر در شمال دریچه ویلیامز قرار دارد، بزرگ شد. مادربزرگش از طرف پدرش در اصل از قلمرو داکل واقع در قلمروی شمالی بود.

پدربزرگم گرام یک متی (حاصل اختلاط نژادی اروپاییان با بومیان) بود و پدرش یک فرانسوی به نام فرانسوا (فرانک) گای بود. در آن روزها، بومیان هنوز از طریق رودخانه‌ی فریزر سفر می‌کردند و راهنماهای بومی که می‌دانستند چگونه در رودخانه مسیریابی کنند برای تازه‌واردان سفید حیاتی بودند؛ تازه‌واردانی که نتوانسته بودند در کشورهای خودشان موفق شوند و به دنبال فرصت‌های جدید آمده بودند. بدون راهنماهای بومی که دارو، غذا و اسباب حمل‌ونقل برایشان تهیه می‌کردند، این تازه‌واردان هرگز زنده نمی‌ماندند تا مناطق را (به اصطلاح) «کشف» کنند!»

منابع بیشتر در این رابطه:

برای اطلاعات بیشتر درباره قرارداد‌های بومیان با اروپاییان (موسوم به: Indigenous treaties)، به آرشیو وبگاه هفته در لینک hafteh.ca/canada/57389 مراجعه کنید.

که او را با شش ساعت راندگی پیوسته از خانه دور کرده و به مدرسه سپردند.

او برای پیش‌برد داستان تکان‌دهنده‌ی خود، از سه نسل از زنانی که در مدرسه تحصیل می‌کردند می‌گوید و تاریخچه‌ی رنج‌های مادربزرگ و مادرش را با تجربه‌ی زیسته و مستقیم خود درمی‌آمیزد. او از گرسنگی، کار اجباری و ضرب و شتم جسمی (اغلب با بند چرمی) و حصرهای انفرادی می‌گوید. او پرتراه‌ی زنده از تمام کودکان بومی به دست می‌دهد که طبق قانون مجبور به تحصیل در مدارس سراسر کانادا و ایالات‌متحده بودند. و اینکه چگونه آن‌ها ابتدا فقط برای دو ماه در تابستان و سپس فقط به مدت دو هفته در کریسمس اجازه‌ی رفتن به خانه داشتند، تا مبادا «بدعادت» و «دوباره متوحش» شوند.

این کتاب تقدیم‌نامه‌ی بسیار پرمعنایی دارد: «به نوه‌هایم، آوردن کریستوفر مک، کیارا جولین مک و میا دروسیللا مک. باشد که به زندگی کامل و بدون محدودیتی دسترسی داشته باشید تا بالقوه‌های فراوانی که در هر کدام از شما می‌بینم محقق شود؛ و نیز به همه‌ی دانش آموزان سابق شبانه‌روزی‌های اجباری و خانواده‌های آن‌ها در کانادا، ایالات‌متحده و استرالیا.»

برشی از سرآغاز اثر: مادربزرگم و دیگران پیش از من

درباره‌ی نویسنده

بُو سِلارز (Bev Sellars) از قبیله‌ی هت‌شال (Xat'sull) است و در منطقه‌ی نهر سودا (Soda Creek) در بریتیش کلمبیا متولد شد. او دوره‌ی دانش‌آموزی خود را در شبانه‌روزی سنت‌جوزف گذارند و بعد از آن در دانشگاه‌های ویکتوریا و بریتیش کلمبیا در رشته‌ی حقوق تحصیل کرد و در سال ۲۰۱۷ به‌عنوان دانش‌آموخته‌ی ممتاز معرفی شد.

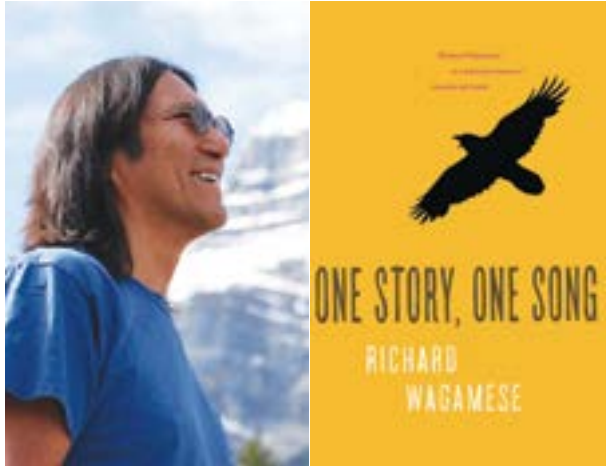
او دو دوره (در سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۳ و ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵) رئیس قبیله‌ی هت‌شال بود و مشاور کمیسیون حقیقت‌یابی و صلح نیز بوده است. تمرکز او بر بازسازی صدای قربانیان دوران تاریک مدارس اجباری بومیان و همین‌طور حفظ طبیعت در مناطق بومی است.

درباره‌ی کتاب و اهمیت آن

این اثر، که عنوان فرعی «رازهای یک بازمانده‌ی مدارس بومیان» را بر پیشانی دارد، نشان می‌دهد که چگونه در مدرسه‌ای تحت مدیریت کلیسا، هدف عنوان‌شده، یعنی «متمدن کردن فرزندان بومیان از طریق تعالیم مسیحی»، با تبعیض و با رنج جدایی اجباری از خانواده و فرهنگ مادری و با نظم و انضباط کشنده در هم می‌آمیزد تا کابوسی باورناپذیر را رقم بزند.

نویسنده روزی را به یاد می‌آورد و روایت می‌کند

دریچه‌ی سوم؛ یک قصه، یک آواز



عنوان: یک قصه، یک آواز
نویسنده: ریچارد ویگامیز
ژانر: ترکیبی (داستان-جستار)
تعداد صفحات: ۲۱۶ صفحه

درباره‌ی نویسنده

این نویسنده‌ی تحسین‌شده‌ی درگذشته، پیش و پیش از هر چیز با رمان اسب بومیان (Indian Horse) شناخته می‌شود. اثری که منتقدان را بر آن داشت که ریچارد ویگامیز استاد داستان‌نویسی کوتاه است. این کتاب، که جزو فهرست نهایی رقابت‌کنندگان در «کانادا می‌خواند» ۲۰۱۳ بود، به عشق قهرمان داستان به هاکی می‌پردازد و اینکه چطور اسارت در مدارس شبانه‌روزی بومیان (Residential Schools) از یک سو و انحصار ورزش هاکی در دست مردان سفیدپوست از دیگر سو، سیر پیچیده‌ای را برای او رقم می‌زند.

ریچارد ویگامیز (Richard Wagamese)، داستان‌نویس، روزنامه‌نگار و از بومیان آنیشینابه (آجیبوه) (Anishinaabe Ojibwe) است. او ۴ اکتبر ۱۹۵۵ در میناکی (Minaki) در شمال اونتاریو به دنیا آمد و ۱۰ مارس ۲۰۱۷ درگذشت.

این نویسنده‌ی مشهور جوایز متعددی را از آن خود کرد، از جمله نشان شورای هنر کانادا یا جایزه‌ی مولسون (Molson prize) در سال ۲۰۱۳ و جایزه‌ی مت کوهن (Matt Cohen award) در سال ۲۰۱۵. او درباره‌ی مسائل اقتصادی و اجتماعی معاصر و تأثیرگذار بر جوامع بومی کانادا و هویت و فرهنگ بومیان می‌نویسد. آثار او نه تنها در میان کتاب‌خوانان محبوب است بلکه به بسیاری از مردم بومی و غیربومی و نویسندگان الهام بخشیده است.

اولین رمان او با نام «کیپر و من» در سال ۱۹۹۴ منتشر و برنده‌ی جایزه‌ی بهترین رمان انجمن نویسندگان آلبرتا شد. این آغازی برجسته و پر بار بود. او سپس هشت رمان دیگر، یک مجموعه شعر و پنج اثر غیرداستانی، از جمله چندین گلچین ادبی از کارهایش را منتشر کرد.

مهم‌ترین اثرش، رمان به‌یادماندنی و تلخ و طناز «اسب بومی» (Indian Horse)، در مورد دانش‌آموز یکی از مدارس شبانه‌روزی بومیان کاناداست که استعداد خارق‌العاده‌ای در هاکی روی یخ (ورزش ملی کانادایی‌ها) دارد. این اثر در ۲۰۱۳ نامزد نهایی رقابت «کانادا می‌خواند» (Canada Reads) بود و در سال ۲۰۱۷ نیز دست‌مایه‌ی یک فیلم اقتباسی قرار گرفت.

روحی و وارستگی را به نمایش می‌گذارد، با نثری درخشان بیان کرد.

سه نقل‌قول از متن اثر:

«وقتی زمین را لمس می‌کنیم، خودمان را لمس می‌کنیم؛ و ریتمی که تشخیص می‌دهیم همان ضربان قلب خودمان است که به صدا درمی‌آید. این یعنی متعلق بودن [به مادرزمین] و بیان اینکه ما همه عضو یک خانواده‌ی انسانی هستیم.»

«کشف هدایایی که به شما داده شده یک روند معنوی است. این همان چیزی است که عقاب در پرواز باشکوهش می‌تواند به ما یادآوری کند؛ براننده بودن آسان نیست؛ باید بیاموزید که واقعا جهان را ببینید و درباره‌ی آن و با آن به گفت‌وگو بنشینید.»

«نامیدی تحلیل‌برنده‌ی تدریجی است: توقع زیاده‌ازحد داشتن از دنیا دشوار است وقتی که انتظار دردناک‌ترین احساس است. زمانی که مجبور شدید سال‌ها وزن خویشتن را به‌تنهایی تحمل کنید، آموختن اعتماد دشوار است، اما [پس از اعتمادسازی] بهبود اتفاق می‌افتد.»

منابع بیشتر در این رابطه:

در صورتی که دوست دارید درباره‌ی این نویسنده و معروف‌ترین اثرش «اسب بومیان» بیشتر بدانید، لطفاً به لینک زیر در سایت هفته
hafteh.ca/canada/54788 مراجعه کنید و ویژه‌نامه‌ی ادبی مرتبط را مطالعه نمایید. بعلاوه بخش ادبی پادکست شماره ۳ «چکاوک هفته» در لینک hafteh.ca/canada/54889 نیز به همین موضوع پرداخته است.

درباره‌ی «یک قصه، یک آواز» و اهمیت آن

«آنچه ما را به‌عنوان یک خانواده‌ی انسانی به هم پیوند می‌دهد اشتیاق جمعی‌مان به دل‌بستگی‌ها مان است؛ میراثی که برای دستیابی به آن و حفظش، باید داستان‌های خود را با یکدیگر در میان بگذاریم.» این جملات سرآغاز مجذوب‌کننده‌ی «یک قصه، یک آواز» است.

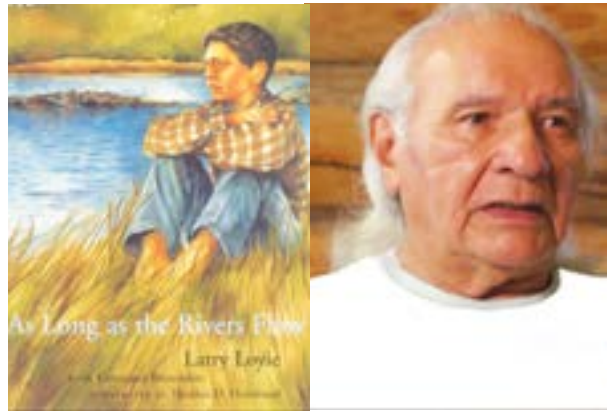
در این مجموعه، که حالتی ترکیبی بین جستار (essay)، روایت و کلمات قصار دارد، این نویسنده‌ی مشهور اوجیبوی، حکمت عملی یک عمر را که با زحمت به‌دست آمده است، با صمیمیت منحصربه‌فردش ارائه می‌دهد.

او ما را تشویق می‌کند که متوجه شبکه‌های داستانی زندگی روزمره‌مان شویم و در این مسیر، به درهم‌بافتن مواد اثر خود از تاروپود زمان و تجربه‌اش ادامه می‌دهد. کتاب‌های ویگامیز بیانگر نشاط بازآییده از برقراری ارتباط با هویت فرهنگی آبا و اجدادی اوست.

این کتاب به چهار بخش تقسیم شده است: فروتنی، اعتماد، درون‌نگری و خرد. مفضل‌های روایی کتاب، رابطه‌ی تمثیلی بین حوزه‌های درونی و بیرونی فرد را بررسی می‌کند و چندین تصویر برجسته، درون‌مایه‌هایی چون حاشیه‌نشینی، طبیعت، میراث، جامعه، عشق و قدرت متعالی داستان‌پردازی را نشان می‌دهند و در کانون توجه می‌گذارند.

ویگامیز که برای مدتی طولانی در حومه‌ی کاملوپس (جایی که اخیراً گور دسته‌جمعی کودکان کشف شده) زندگی می‌کرد، مشکلات آوارگی بومیان را از نزدیک تجربه کرد و سپس، بدون تلخی و کینه، درحالی‌که نوعی فضیلت

دریچه‌ی چهارم؛ تا زمانی که رودها جاری می‌شوند



عنوان: تا زمانی که رودها جاری می‌شوند

نوشته‌ی: لری لویی

ژانر: کتاب مصور کودکان

تعداد صفحات: ۴۸ صفحه

فرهنگ خود.

خلاصه‌ای از «تا زمانی که رودها جاری می‌شوند»

«لارنس پسری ده‌ساله است که در نزدیکی «دریاچه‌ی بردگان» در شمال آلبرتا زندگی می‌کند. سال ۱۹۴۴ است و لارنس پسر خوشبختی است که از زندگی خود لذت می‌برد و دوست دارد در کنار خانواده‌اش باشد. او با پدر، مادر، خواهر (ماروک)، برادران کوچک (بادی و لئونارد)، مادربزرگ (کوکوم) و پدربزرگش (موسوم) زندگی می‌کند. تنها زبانی که او صحبت می‌کند و می‌فهمد زبان بومی کری است. زندگی او مملو از تجارب خانوادگی است. در درون لارنس، باورها و ارزش‌های فرهنگ کری وی نهفته است. هر تابستان، بزرگ‌ترهای خانواده برای شکار غذا و جمع‌آوری توت و دارو برای استفاده در زمستان به بیلاق می‌روند. درست قبل از سفر، او حرف‌های مادر و کوکوم خود را درباره‌ی مدرسه‌ای می‌شنود که او و خواهر و برادرانش باید پاییز به آنجا بروند.

پدر در حین بررسی خط تله‌ی خود، جغدی را پیدا کرده که یتیم شده و آن را به خانه می‌آورد. لارنس می‌آموزد که چگونه از جغد کوچک مراقبت کند. لارنس و خانواده‌اش برای رفتن به بیلاق آماده می‌شوند. لارنس روز قبل از سفر را به‌تنهایی سپری می‌کند و بسیاری از مهارت‌هایی را که عمو لویی در مورد ماهیگیری و شکار به او آموخته است تمرین می‌کند. لارنس و خانواده‌اش به بیلاق می‌روند. اعضای دیگر خانواده‌ی بزرگ آن‌ها نیز آنجا هستند. مردان به شکار می‌روند و زنان توت جمع می‌کنند. کوکوم از لارنس می‌خواهد به او کمک کند تا گیاهان دارویی را جمع کند که برای بهبود خانواده در ماه‌های زمستان استفاده می‌شوند، و به او نشان می‌دهد چگونه از مادرزمین بابت گیاهان تشکر کند. کوکوم و لارنس هنگام جمع‌آوری گیاهان با یک خرس گریزلی بزرگ روبرو می‌شوند...»

منابع بیشتر در این رابطه:

اگر راغب هستید که درباره‌ی دیگر نویسندگان برجسته و پرخواننده‌ی بومی در کانادا بیشتر بدانید، می‌توانید پرونده‌های مربوط به رقابت «کانادا می‌خواند» در دو سال اخیر را در آرشیو وبگاه هفته در لینک (hafteh.ca/canada/51308) بخوانید.

یک منبع اصلی برای ثبت تاریخ شفاهی و کتبی و کارهای خلاقانه مربوط به مدارس شبانه‌روزی تبدیل شده است.

لری و همکارانش و همسرش به‌اتفاق یکدیگر هشت کتاب کودک نوشتند که همه از آموخته‌های دوران کودکی او از سنن کری و نیز از تجربه‌ی وحشتناک و طولانی حضور او در مدارس بومیان (به مدت شش سال) تأثیر پذیرفته است.

نگاهی به «تا زمانی که رودها جاری می‌شوند» بسیاری از معاهدات میان بومیان با اروپاییان، با جملاتی شاعرانه و مرتبط با طبیعت آغاز می‌شوند که معنای «همیشگی‌بودن» را در خود دارند، مانند: تا زمانی که خورشید در آسمان طلوع می‌کند.

نام این کتاب نیز ارجاعی به همان نگاه است. این اثر که سال ۲۰۰۵ منتشر شد، ماجرای آخرین تابستان نویسنده را قبل از ورود به مدرسه‌ی شبانه‌روزی بازگو می‌کند. این اثر پرتعدادی جایزه‌ی Norma Fleck را به‌خاطر «روایت‌های واقعی سرگذشت کودکان کانادایی» به دست آورد. لری اولین نویسنده‌ی بومی بود که این جایزه را از آن خود کرد.

دانشگاه لث‌بریج در جنوب آلبرتا توصیه‌ی اکید می‌کند که این کتاب به‌عنوان فعالیت کلاسی در اختیار کودکان قرار گیرد. این توصیه‌نامه می‌گوید: «این اثر روایتی کوتاه اما جدید و غنی است که باید به‌عنوان یک واحد مختصر مقدماتی مورد استفاده قرار گیرد. تمرکز این واحد می‌تواند بر این موارد باشد: کاوش در فرهنگ شمال آلبرتا (به‌ویژه ملت کری)؛ شناخت سنت‌ها، اعتقادات، و ارزش‌های جامعه و خانواده؛ طبیعت از نگاه ملل نخستین؛ معرفی مفهوم تاریخ مدارس اجباری و کشف احساسات ناشی از اجبار به ترک خانواده و

درباره‌ی نویسنده

لری لویی (اوسکینیکو) (متولد نوامبر ۱۹۳۳ و درگذشته‌ی ۱۸ آوریل ۲۰۱۶) نویسنده و نمایشنامه‌نویس موفق کانادایی از ملت «کری» (Cree) بود. لویی با کتاب‌های کودکی که در مورد تجربه‌ی کودکی خود نوشت شناخته شد. او آن‌ها را عمدتاً با شریک زندگی خود کنستانس بریسنند نوشت.

لری در ملت کری (Cree) در کنار «دریاچه‌ی بردگان» در آلبرتا کانادا به دنیا آمد. پدربزرگ مادری او ادوارد توین از کینوسو یک ریش‌سفید قبیله‌ای بود که نام بومی لری را «اسکینیکو» به معنای «مرد جوان» گذاشت.

در نه‌سالگی، زمانی که پدرش در جنگ جهانی دوم می‌جنگید، لری به مدرسه اجباری «هند برنارد» اعزام شد. او برای مدتی طولانی از خانواده جدا شد و از چهارده‌سالگی در شبانه‌روزی سنت‌برنارد شروع به تحصیل کرد. پس از اتمام مدرسه، ابتدا در صنعت شیلات و چوب‌بری کار می‌کرد. بعداً تحصیلاتش را ادامه داد تا مشاور شود، و همچنین به‌عنوان چترباز در ارتش کانادا خدمت کرد.

در سال ۱۹۹۲، لری به ونکوور نقل‌مکان کرد. او در آنجا با شریک زندگی آینده‌ی خود، کنستانس بریسنند، که نویسنده و سردبیر بود، در یک کلاس رایگان خلاق‌نویسی آشنا شد. در سال ۱۹۹۳، این زوج برای تشویق نویسندگان بومی، گروه نویسندگان Living Traditions را تأسیس کردند.

در سال ۲۰۱۰ لری به سرطان مبتلا شد و بر اثر تبعات آن در ۸۲ سالگی، در ۱۸ آوریل ۲۰۱۶ در ادمونتون آلبرتا درگذشت.

در سال ۲۰۱۹، آرشیو شخصی لویی به مرکز گفتگو و تاریخچه‌ی دانشکده‌ی شبانه‌روزی در دانشگاه بریتیش کلمبیا اهدا شد. این آرشیو به

یاسمن حسنی

خود را ببیند، شهرهایی را که سر راه دیده وصف می‌کند، جوری که بشود تجسم‌شان کرد، تخیل‌شان کرد. من اول می‌خواستم یک همچین چیزی بنویسم. می‌خواستم یک نقشه از شهرهایی که دیده‌ام و جاهایی که در آن‌ها زندگی کرده‌ام بکشم. نشد. بعضی از آن شهرها را آن قدر نمی‌شناسم؛ با راهنمایی همان چیزهای همگانی دیده بودم‌شان که می‌شود در یک جست‌وجوی ساده‌ی اینترنتی پیدا کرد. آن قدر نمی‌شناختم‌شان که بتوانم توصیف کنم. بعد فکر کردم مقیاس من برای این که شهری را شناخته فرض کنم چیست. به این نتیجه رسیدم که آن‌جا که آشپزی کرده باشم مال من است؛ کسی که جایی آشپزی می‌کند، باید رفته باشد بازار مصالح خریده باشد... این چیزها انگار به آدم اهلیت می‌دهد، شهر را در یاد آدم می‌آورد. اما بعضی شهرها با این کار هم به اختیارم درنیامده.

محمد طلوعی ادبیات را از دهه‌ی هفتاد شمسی با شعر شروع کرد و بعدها به نمایشنامه و داستان نویسی پرداخت. او تحصیلکرده‌ی ادبیات نمایشی است و اولین رمانش با عنوان «قربانی باد موافق» جایزه‌ی بهترین رمان تکنیکی سال را دریافت کرد. برخی از آثار او به زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی و لهستانی ترجمه و در نشریاتی چون اینترناسیوناله و گاردین منتشر شده‌اند. نادرستان (nonfiction) قالبی ادبی است که ریشه در واقعیت دارد. روایت‌های مستندی مانند زندگی‌نگاره، سفرنامه و ... که با اتفاقات روزمره پیوند می‌خورند و برای خیلی‌ها از داستان جذاب‌ترند. تجربه‌هایی که با تکنیک‌های داستان‌گویی روایت می‌شوند اما بخاطر واقعی بودن، واضح و جسورانه‌اند. این تعریفی است که در معرفی مجله‌ی نادرستان به سردبیری محمد طلوعی روی سایت این مجله نوشته شده.

کتاب «زیر سقف دنیا» در ۱۵۹ صفحه به مبلغ ۳۵ هزار تومان منتشر شده و در دسترس علاقمندان قرار دارد.

تازه‌های کتاب ایران:



نشر چشمه کتاب تازه‌ی محمد طلوعی با عنوان «زیر سقف دنیا» را منتشر کرد. در این کتاب که به شیوه‌ی نادرستان نوشته شده، نویسنده ما را به همراه خود به دیدن ده شهر جهان می‌برد و تجربه‌ها و دیده‌هایش را با قلمی جذاب و جزئیاتی ملموس وصف می‌کند. مسعود بوربور درباره‌ی این کتاب گفته است: تجربه در مکان شکل می‌گیرد و در مکان رخ می‌دهد. محمد طلوعی در «زیر سقف دنیا» دست روی نقطه قوت داستان نویسی اش گذاشته است: آفرینش مکان داستانی، این بار در نادرستان و از روی واقعیت. بازآفرینی شهرهایی که در آن‌ها آشپزی کرده و برای آشپزی خرید کرده است. روایت‌های طلوعی از شهرها، نه فقط تصویر که صدا، بو، رنگ و البته مزه دارد. صدای زنی که با لهجه‌ی گیلکی نادرست در بازار رشت خرید می‌کند، بوی کافی شاپی در آمستردام که علف‌هایی کشیدنی سرو می‌کند به نام «اقیانوس آرام» و «بانجی جامپینگ»، رنگ آب‌های مدیترانه و موهای دختر مجار، و مزه‌هایی که کلمات نویسنده از غذاهای ناچشیده‌ی هر شهر زیر زبانت می‌سازد.

طلوعی در مقدمه‌ی کتاب «زیر سقف دنیا» نوشته: ایتالو کالوینو کتابی دارد به نام شهرهای نامرئی. مارکوپولو برای قوبلای قاآن که وقت نمی‌کند همه‌ی سرزمین‌های تحت حکم رانی



تازه‌های کتاب کانادا:

بنگاه نشر Québec/Amérique کتاب «écrire pour vivre» را در قالب راهکارهای عملی و کاربردی برای آنان که نوشتن را دوست دارند، منتشر کرد. نویسنده‌ی این کتاب ژان بونوا نادر نویسنده و روزنامه‌نگار کانادایی متولد شربروک در کبک است. او روزنامه نگاری را از سال ۱۹۸۷ با نوشتن نقد تئاتر در هفته‌نامه‌ی مونترالی Voir آغاز کرد. او به طور مرتب برای مجله‌ی فرانسوی زبان L'actualité هم مطلب می‌نویسد و از سال ۲۰۱۴ ستون ثابت در مجله‌ی le devoir دارد. او همچنین از سال ۱۹۹۳ برای مجلات انگلیسی زبان از جمله یو اس‌ای تودی و تورنتو استار و وال استاریت ژورنال هم مطلب می‌نویسد. در سال ۲۰۱۳ اولین کتاب خود را درباره مردم فرانسه و فرهنگشان نوشت. این کتاب به زبان‌های هلندی و چینی ترجمه شد. دو کتاب بعدی او درباره تاریخ تحولات زبان فرانسوی نوشته و منتشر شد. همچنین سفرنامه‌ای از حاصل تجربه‌ی زیستی خود در کشور فرانسه نوشت و پس از آن در بازگشت به کانادا و مونترال مقاله‌ای درباره‌ی تجربه‌ی شوک فرهنگی خود منتشر کرد.

کتاب «écrire pour vivre» اولین بار در سال ۲۰۰۷ توسط نشر Québec/Amérique منتشر شد و حالا در ویرایش و چاپ جدید خود به تازگی توسط همین نشر وارد بازار کتاب شده است. ژان بونوا نادر در این کتاب یاد می‌دهد که چگونه نویسندگی را به عنوان شغلی درآمدزا در نظر بگیریم.

لحن این کتاب طنزآمیز و پرشور است و در سرتاسر آن مثال‌ها و نمونه‌هایی واقعی به چشم می‌خورد. این نویسنده‌ی موفق و پرکار در کتابش از تجربیات شخصی، موفقیت و شکست‌هایش در امر نوشتن به عنوان راهکارهای عملی برای علاقمندان نوشته است. در این کتاب او توضیح داده که چگونه ایده‌ای را بیروانیم و آن را درست اجرا کنیم، چگونه نوشته‌ی خود را برای چاپ و انتشار آماده کنیم، چگونه دوام بیاوریم و تحمل کنیم. این کتاب برای روزنامه‌نگاران و نویسندگان نوشته شده است.

کتاب «écrire pour vivre» در ۴۲۰ صفحه به مبلغ ۲۴.۹۵ دلار در دسترس مخاطبان قرار دارد.



توضیح: مقاله آقای نصرالله نیکفر، نویسنده جوان افغان، در معرفی خالد بایزیدی، همکار هفته، قبل از در سایت آریایی منتشر شده است. مقاله آقای نصرالله نیکفر را با اندکی ویرایش در اینجا تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنیم تا از نگاه او با شاعر صفحه شعردوزبانه در «هفته» آشنا شویم. / تحریریه هفته

سرودگر آزادی و سرزمین گم‌شده

شاعر تا سرزمین آرزوهایش و خورشور وار می‌تازد و اسب سرکش آرمان‌هایش را در سرزمین خیالی‌اش رها می‌کند، اما از مبارزه و امید دست نمی‌کشد. آری زمانی که او در جغرافیای جهان نام خودش را نمی‌بیند و جغرافیای این تیره‌ی بزرگ را تیره و تقسیم شده در میان نظام‌ها و کشورهای خودکامه و انسان ستیز دیگر می‌بیند دردش چون آتش‌فشانی فواره می‌کند و او را به بزرگی هستی فریادی می‌شود زولانه‌شکن. در سرود «کلید گم‌شده» قفل شکسته‌ای را می‌بیند که صاحب‌خانه را نیز کشته‌اند و همه بود و نبودش را به یغما برده‌اند. شاعر سرکش و دردمند از پای نمی‌ایستد و مردمش را می‌گوید «به گهواره‌ها نگاه کنید» گهواره‌های که مردان آزادی و سربلندی می‌پروراندند. گهواره‌های که صلاح‌الدین ایوبی می‌پروراندند و دختران مبارز و آزاده‌ی چون کوبانی. او هنوز چشم بر گهواره‌ها دوخته است و می‌خواهد نهال آزادی را در سرزمین آبیایی غرس کند و شأن و توریته‌ی تاریخی خویش را دوباره دریابد و تعریف کند.

راستی ملت کرد ملتی است که با تمام سرکوبی‌ها و بی‌مهری‌ها هنوز هم بر پا هستند و فریاد آزادی سر می‌دهند. برای سربلندی و حق مسلم خویش مبارزه می‌کنند. بایزیدی این مردم را به میخی تشبیه می‌کند که هرچه بر سرشان می‌کوبند استوارتر و محکم‌تر می‌شوند. آری این ملت سزاوار آزادی است. در سرود «جنگل همیشه سبز» ملت کرد/آریایی را بسیار نازنین به تصویر کشیده و حق مطلب را درباره‌ی این مردم مبارز و سرافراز ادا کرده است.

واژه‌های او «به جای شیر/ زهرنوشیده‌اند» و «با مبارزان فلسطین و افغانستان و کوبانی و شنغال و عراق هم‌آیند» و «شهر به شهر/ روستا به روستا/

درختی که قطع می‌شود با شاخ‌وبرگ بیش‌تر دوباره سر برون می‌کنند و برای آزادی می‌رزمند. اکثریت کشور ترکیه را کردها باشند هستند ولی دست ستم نمی‌گذارد تا آن‌ها به سرنوشت خودشان حاکم شوند. با همه نابسامانی و ستم پان‌ترکیست‌ها بازهم کردها با نرمش و شکیبایی به مبارزه و دادخواهی خویش ادامه می‌دهند. نمونه‌اش «صلاح‌الدین دمیرتاش» است که از درون زندان از پشت میله‌ها نامزد ریاست‌جمهوری ترکیه بود. نخستین کسی که از تاریکستان سلول‌های آهنی ستم و خودکامگی فریادی مردم‌سالاری می‌دهد، گرد است.

خالد بایزیدی (دلیر) یکی از فرزندان وفادار و متعهد به آرمان‌های انسانی مردم خویش و جهانیان است. او در دایره‌ی توان خویش گلوی شده است برای فریادهای خفته و ناشنیده‌ی انسانیت. شعرهای بایزیدی با تمام سادگی‌اش کوهی از معنا، درد و فریادهای زنجیرشکن است. با چیزهای که دم دست دارد آشوبی بر پا می‌کند و در کوتاه‌های شورش‌گرانه بر قلب بدخواهی‌ها و خوابیدگی‌ها می‌تازد و زنگ بیداری و مبارزه را در گوش همه مردمان در بند کشیده شده می‌نوازد. از آشنایی من با سرودهای بایزیدی زمان زیادی نمی‌گذرد. من در این سرودها چیزهای زیبا و زوری را یافتیم، دردهای مشترکی را دریافتیم که می‌تواند تسکین‌گر آلام همه‌ی ما باشد. آریایی‌ها را در یک جغرافیا نه که در همه‌ی جاهای زیستشان چنین پارچه‌پارچه کرده‌اند و زجرکش می‌کنند. جغرافیایی ناشناسی بی‌ریشه و بی‌مسمایی که به نام افغانستان در دل خراسان سبز شکل می‌گیرد خود خنجر خونی است بر سینه‌ی همه تیره‌های آریایی که در این گوشه‌ی گیتی ما از آن در رنج و درد هستیم.

خالد بایزیدی دلیر در سال ۱۳۴۵ خورشیدی در شهرستان مهاباد آذربایجان غربی ایران زاده شد و اکنون در دیار غربت در کشور کانادا به سر می‌برد. به زبان‌های کردی و پارسی می‌سراید و نیز شعر معاصر شاعران کرد را به پارسی برگردان نموده است. تا اکنون پنج گزینه‌ی شعری بنام‌های «سخن دل»، «دل مویه»، «عصیان غربت»، «تبسم تاکستان» و «باران عشق» را به دست نشر سپرده است.

کوچه‌های ناآشنا و مردمانی که بوی تو را نمی‌شناسند، کوچه‌های که در آن زیسته‌اند پیش از تو پدران، بوی باروت می‌دهد و پیوندش گسسته است. یا هم گسستش را می‌خواهند بدخواهان. چه دردی بزرگی است که بیایی در سرزمینت و غربانه از کوچه‌هایش بگذری. کسی را شناسی و کسی تو را نشناسد. ساده نیست. این را کسی خواهد دانست که این درد جان‌کاه را و این فاجعه‌ی استخوان‌سوز را دست‌کم دیده باشد. وای بر روزی کسانی که سال‌هاست میان این درد و حسرت می‌سوزند و می‌سازند و بازهم خستگی را نمی‌شناسند. کردها مردمی سرافرازی بودند. کردها تیره‌ی ایران باستان یا به گفت ما افغانستانی‌ها نژاد سرافراز آریایی هستند. مردم مبارز و با فرهنگی که اکنون در جغرافیای بزرگ خودشان تکه و پارچه شده‌اند و نیم آن را سوریه، نیم آن را عراق، نیم بیش‌تر را ترکیه و نیم دیگر آن را ایران امروزی در خود دارد. اگر این مردم با ریشه‌های کهن تاریخی نبودند، اکنون دیگر در جغرافیای هستی نامی از ایشان نبود. کردها خاطره‌های خوشی از کشورهای همسایه‌ی خویش ندارند. هرکدام به نوبه‌ی خود مشت و لگدی بر تارک سرشان نواخته و کوشیده‌اند زمین‌گیرشان کنند ولی چون

«...مرغ عشق زیر باتوم و شلاق
سرود فتح و پیروزی را می خواند
همانند شاهین بلند پرواز
مقاوم و سر بلند و سرفراز
گرچه بال هایش خسته است
گرچه هر شب درسوگ عزیزی نشسته است
برقله های سترگ البرز و دماوند
نعره می کشد...»
چند قطعه از سرودهای خالد بایزیدی دلیر گرامی
را این جا گلچین کرده ام تا با خواندنش وارد دنیای
او شوید و خود به دوری بنشینید:

۱

«بازگشت»

به سرزمینم که بازگشتم
غریبانه از کوچه هاش گذشتم
هر که را نگرستم
آه! هیچ کس را نشناختم
چون ابر بهاران گریستم
برای خاطره های که...
از این کوچه ها داشتم

۲

«بی سرزمین»

هر چه نقشه ی جغرافیایی بود
سوزاندم...
بغض گلویم را فشردم
سپس کبوتر آرزوهایم را
در سرزمین خیالی ام
به پرواز در آوردم
آن گاه که دریافتم
سرزمینی ندارم

۳

«کلیدگمشده»

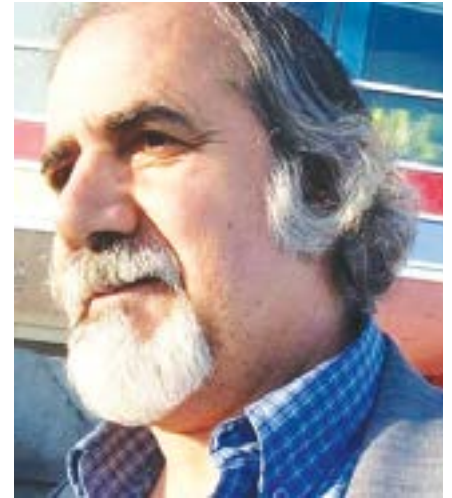
دیشب!
کلیدگمشده ای
به دنبال خانه اش می گشت
بعد از دید و بازدید
از خانه های شهر دید:
قفل خانه اش را شکسته اند
و صاحب خانه اش را نیز کشته اند

۴

«طرح»

ما!
از میخها
آموختیم...
که چه گونه؟
پایدار بمانیم
هر چند بر سرمان کوبیدند
مقاوم تر شدیم

پس چگونه خداوند بندگان را به جهنم می فرستد؟
و با این سوال در برابر باوری رسمی ای می ایستد که
دکان داران دین به مردم می فروشند. خدایی که
بایزیدی می شناسد با خدایی که ما در افغانستان
می شناسیم متفاوت است؛ و همینطور با خدای
دیگر مردمان در باهمستان های دیگر. دردهای
بایزیدی تنها متعلق به تیره ی باشرف کرد نیست
بلکه او برای همه انسان ها و اساسا برای انسانیت
گلوبی می شود: او هم خروارها گندم انبار شده در
سیلوها می بیند و هم کبوترانی که گرسنه پرواز
می کنند؛ و غم نان مردم آفریقا و افغانستان را سرود
می کند. می گوید: انگار آسایش و رفاهی که در یک
گوشه ی گیتی است گویی مردمان آن را نابینا بار
آورده است و اینها را رنج آن سوی زمین توان دیدن
نیست، پس به این جهت است که همه چیز راب
رای خودشان می خواهند. کشورهای دیگر در جنگ
و خون ویران می شوند. در آفریقا مردم از گرسنگی
می میرند و در افغانستان، سوریه، عراق و... مردم
قربانی باورهای غلط و مضحک می شوند. شهوت
در سنگرهای داعش هنوز گفتمان مسلط است و
جهادالنکاح چاره ی این مشکل. به باین بایزیدی
اینها خیل کبوتران گرسنه ای را می ماند که در کنار
سیلوهای گندم با شکم گرسنه پرواز می کنند و
با حسرت از آنها می گذرند. حال این گندم مورد
اشاره او در این سیلوها می تواند، رفاه باشد، امنیت
و آرامش باشد، آگاهی و دانش و پیشرفت باشد،
صلح باشد و یا خیلی ساده و مستقیم همان گندم.
آن سوی جهان که در آرامش و رفاه زندگی می کند
نگاه به این سو ندارد و برایش اهمیتی ندارد و
اگر دارد در حد منافع سیاسی و بهره کشی های از
گونه ی استعماری است.
او با زبان انسانیت سخن می گوید و حسرت این را
می خورد که کاش بتواند به همسایه ی ژاپنی اش
سلام دهد و همسایه نیز زبان او را و درد او را درک
کند. آرزو می کند که ای کاش بشود درجه این بدون
مرزهای سیاسی، مذهبی و جغرافیایی زندگی کرد.
می داند که گروهی از انسان ها همیشه برای رسیدن
به هوس های خویش آرامش دیگران را از بین
برده اند؛ پس در تلاش است تا انسان ها را متوجه
این خودخواهی و خودبینی شان سازد و به جای نگاه
به خود، آن ها را وادار به نگاه به دیگران می کند.
می گوید چیزی که برای تو آرامش می دهد، شاید
برای دیگران نا آرامی را به ارمغان آورد. ذهن زیرک
و زودگیر او به همه ابعاد پرمسئله ها نگاه می کند
و هر یک را رهنمودی می شود یا هم مشتقی؛ تا بر
گردد و دوباره خودش را دریابد.
و سرانجام مرغ عشق بایزیدی همیشه سرود
پیروزی می خواند. حتی زمانی که زیر شلاق است و
بال هایش خسته است، باز هم غرش کتان بر کوس
آزادی می کوبد و بیداری را درودی می شود.



و سراسر کشورهای ستم دیده را در نور دیده اند» او
سراسر درد و حسرت آزادی را چشیده است. بایزیدی
آزادی درونی دارد و سودای آزادی بیرونی. در نگاه او،
پیش مرگه ی کرد با آرزوی صلح و آزادی می جنگد.
هیچ یک آن ها برای جنگیدن نمی جنگند یا برای
این که جنگ را دوست دارند، نمی جنگند. آن ها
ناگزیرند، برای این که برای صلح باید بجنگند.
چه کبوترانی که در آرزوی صلح خوراک خون و
خشم و آتش نشدند. او از پیش مرگه ها می گوید،
پیش مرگه هایی که پس از جان دادن حتی ساعت
مچی شان برای آزادی می زند. سراسر در حسرت
صلح و آزادی پروانه اش می سوزد. تشنه ی آزادی
است و حسرت آن را می خورد. عطش وصفناپذیری
فضای سروده های او را فرا گرفته است. میان این
سروده ها دلی برای صلح و آزادی می تپد و هم چنان
دریایی برای بیداری و سرفرازی مردمان در بند و
ستم دیده ی جهان جاری ست. او می داند که گاهی
کسانی از میان مردمانش ابزار دست دشمنان
می شوند و نهال آزادی شان را از آب دور می کنند.
با این همه او چشم به راه کسی است که بیاید و
مردم دربند، ستم دیده و فراموش شده اش را آزادی
ببخشد. قصد رسیدن به ساحل را دارد ولی اگر
دشمنان بگذارند. این امید و این آرزو در سروده های
او موج موج می زند. شعر او دادخواهی مردم کرد را
برجسته می کند و او را با آرزوهای بلندش به پیش
می برد. آرزوی آزادی او را به پیش می راند اما گاهی
از اینکه می بیند که نهال آرمان آزادی مردمش
به این زودی ها قرار نیست به بار بنشیند بی وار
می شود و از جوان مرگی آرزوهایش نالشی می کند.
درخت دردهای خالد بایزیدی بر زمین پرسش های
بزرگ روئیده است؛ می پرسد هرگز هیچ باغبانی
گل های باغش را به بادهای سهمگین نمی سپارد

۵

«جنگل همیشه سبز»
جنگل چه باک از تبر دارد
ریشه‌ها در خاک اند
تبر چه اثر دارد
گیرم که درختی
قطعه قطعه شد
جنگل هزاران هزار
درخت دیگر می‌رویند

۶

دخترکان کوبانی
گیسوان نمناک شب را
شانه می‌کنند
و سپیده دم نیز...
تا شبی دیگر
خود را
به گلوبند خورشید می‌سپارند

۷

آب دریا
که شور می‌شود
در می‌یابم
که مادری درین حوالی
گریسته است

۸

من براین باور نیستم
که باغبان
گل‌های باغ اش را
به بادهای سهمگین پاییز بسپارد
پس چه گونه است
که خداوند!
بندگان اش را
به جهنم می‌سپارد؟!؟!!

۹

دارم به سیلواها فکر می‌کنم
که انباشته از:
خروارها خروارگندم اند
اما فوجی از کبوتران
گرسنه پرواز می‌کنند

۱۰

کاش می‌توانستم:
به همسایه‌ی ژاپی‌ام بگویم:
سلام
صبح بخیر؟!؟!!

۱۱

کودک!
نامه ای که به:
خدانوشته بود
به پستی داد؟!؟!!

۱۷

جنگ بود
پرنده‌ی سپید
در آسمان میدان نبرد
پرگشود
مرا دید و گفت:
اگر دل هر پرنده‌ای را بشکافی
بر آن نوشته می‌بینی:
جنگ هرگز ... هرگز
صلح آری ... آری
به خدا دست ننگه‌دارید
این راگفت:
و به دور پرید
نگاه پژواک صلح‌اش
در میان انبوه آتش و دود ناپدید شد؟!!

۱۸

ساعت مچی پیش‌مرگه‌ی شهیدی را دیدم:
که هنوز
عقربه‌هایش تیک تاک می‌کرد

۱۹

درختی می‌گریست
که هنوز
از درخت‌هایش
دسته‌ی تبر می‌سازند؟!!

۲۰

«انتظار»
یکی باید بیاید
با چشمی به گستره‌ی جهان
تا که رشته رشته‌ی نوررا تقسیم
و رویای عاشقان را
تعبیرکند

۲۱

«طرح»
تمام هستی من
فایقی است
که قصد رسیدن به ساحل را دارد
اگر باد و توفان بگذارد؟!!

۲۲

«کاش»
کاش می‌شد
همه پرنده‌گان در قفس را
آزاد کنیم
و ببینیم: که آزادی
چقدر زیباست

۲۳

آرزوهایم
پیش از این که
پیر شوند
می‌میرند؟!!

۱۲

سیلواها!
از خروارها خروار
گندم انباشته اند
اما من هنوز
غم نان دارم؟!؟!!

۱۳

«هوس»
ما سرچشمه‌های زلال را
برای رسیدن به میل‌هایمان
آلوده کردیم
ماهی‌های درآب را
ماهی‌های در خواب را
در روزی زیبا و دوست‌داشتنی
به خواب ابدی
در ژرفای آب فرو بردیم

۱۴

کبوتری
در میدان جنگ
صلح را
به تصویر می‌کشید
و پیش‌مرگ مجروح‌ای
واپسین نگاه‌اش را
به کبوتر می‌بخشید؟!!

۱۵

تیری که ...
به پرنده
اصابت نکرد
شادی کنان
به زمین افتاد؟!!

۱۶

به چشمان مردمم
نگاه می‌کنم
آه!
انگار نگاه‌شان
دوستانه نیست
نکند باز
دشمن در نگاه‌شان
لانه کرده؟!!

عبداله صفوی Abdollah Safavi

Financial Security Advisor
Investment Representative

مشاور امنیت مالی
نماینده سرمایه گذاری

۳۰ دقیقه مشاوره رایگان برای برنامه
بازنشستگی و سایر مسائل مالی!

Mobile: (514) 467 - 8491
Office: (514) 931 - 4242 ext. 2567
✉ abdollah.safavi@f155.com
🌐 mqsf.ca
📍 mqsf.ca

f mqsf.ca
📷 mqsf.ca

همین امروز نوبت خود را رزرو کنید
www.MQSF.ca



canada life

Freedom 55
Financial

QUADRUS
Quadrus Investment Services Ltd.

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا
کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



(514) 942-9969
www.amajco.ca

طراحی، بازدید و
برآورد رایگان

CONSTRUCTION
AMAJ inc

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل به همراه کلیه لوازم
- تعمیر محل پله، تعمیر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای بونیت شیشه‌ای حمام
- اجرای عایق بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعمیر، تعویض و اجرای پلی استر
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش با سیستم مدرن و کم مصرف

CONSTRUCTION TURQUOISE

RBQ 01-9923-5798 construction.turquoise@gmail.com TEL. 514.808.5898

DESIGN / BUILD ● NEW CONSTRUCTION ● RESIDENTIAL/COTTAGE ● RENOVATION



شرکت فیروزه
ساختمانی

طراحی / نظارت / اجرا

- طراحی خانه های نوساز
- طراحی مجموعه مسکونی
- طراحی ویلا
- نوسازی خانه

بیش از ۲۰ سال تجربه طراحی و
اجرای ساختمان های مسکونی
بهینه سازی فضا

طراحی مدرن
مطابق با سلیقه ایرانی

طراحی سازگار با طبیعت برای
خانه های نوساز

مهران





نیوشا ریاحی
Niousha Riahi

وکیل رسمی دادگستری کبک

Riahi Legal

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاههای کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل
2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700
Montréal (Québec) H3A 2A6

☎ 514-953-3570

00982122019631 دفتر تهران
00989912535922 riahi@riahilegal.com riahilegal.com

امیر ندیمی
مشاور بیمه
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial insurance
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)
Whole Insurance: Auto, Motorcycle etc.

514 - 600 - 2338
www.AmirNadimi.com
@AssurancesNadimi
1955 Ch. de la Cote-de-Liesse, suite 201
Saint-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

**Bureau de Change
Currency Exchange**



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- یا استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

CIBC

با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

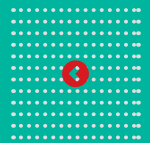
- کش نک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پتانسی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com
Toll-free: +1-866-262-1037
Cell: 514-834-8053
mehrdad.cibc

Top 100 in Canada 2020



گفتوگو



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

VOYAGES SKY LAWN TRAVEL
آژانس مسافرتی اسکای لان
بهترین نرخ های بلیط به ایران و از ایران به سایر نقاط جهان
شادی محمدی
Cell: 514-660-7135
Shadim.sky@gmail.com
433 Chabanel Ouest, Suite 111 Montreal, QC.H2N 2J3
Tel: 514-388-1588 Fax: 514-388-2815 www.skylawn.net

مارتن لومه در گفت‌وگو با «ژورنال دو مونریال»:

مادر کبک به آرامی به سوی محور شدن می‌رویم

هفته گذشته متیو بوک-کوته Mathieu Bock-Côté از وب‌سایت «ژورنال دو مونریال» با مارتن لومه Martin Lemay، محقق و مقاله‌نویس کانادایی در رابطه با وضعیت کنونی زبان فرانسه در استان کبک، قانون ۹۶ و تدابیری که دولت فرانسوا لوگو وزیر اول استان در این قانون برای حمایت از زبان فرانسه مدنظر قرار داده است، مصاحبه کرد. مارتن لومه در این گفت‌وگو نشان می‌دهد که نگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به آینده ندارد. آیا بدبینی این متفکر نسبت به آینده کبک در نتیجه تیزیابی او است یا محاسبات اشتباه او را چنین نقطه‌ی ناامیدکننده‌ای رسانده است؟ این را نمی‌دانیم اما با توجه به جایگاه او در میان متفکران کبکی به نظر مهم است که حرف‌های او را بشنویم و با دیدگاه‌هایش آشنا شویم.

از آقای دکتر فریدون بابایی برای ارسال لینک و معرفی این مصاحبه به «هفته» سپاسگزاریم.



متن کامل این گفت‌وگو را در سایت هفته بخوانید.

آقای مارتن لومه همان‌طور که می‌دانید قانون ۹۶ این روزها در استان کبک نقل همه محافل و از موضوعات خبری داغ رسانه‌های جمعی است. این قانون واکنش‌های ضدونقیض متعددی را برانگیخته است. درست است که فدرالیست‌ها از این قانون استقبال کرده‌اند اما ناسیونالیست‌ها به انتقاد از آن برخاسته‌اند و به‌ویژه آن دسته از ملی‌گرایانی که روی مؤسسات و آموزشگاه‌های فنی فرانسوی زبان حساسیت به خرج می‌دهند و دولت نیز آنها را به افراط‌گرایان تشبیه کرده است، مواضع انتقادآمیز تندتری اتخاذ کرده‌اند. نظر شما درباره این قانون چیست و چه چیزی از آن استنباط می‌کنید؟

به نظرم پس از به اجرا گذاشتن این قانون است که می‌توانیم به فواید و امتیازات آن پی ببریم. در این میان آن چه فعلاً برای من عجیب‌وغریب می‌نماید این است که به نظر می‌رسد این لایحه بیشتر نتیجه تفکر و تبادل نظر جمعی از حقوقدانان و کارشناسان آگاه به حقوق زبان و متخصصان قانون اساسی است تا ثمره رایزنی‌های نمایندگان پارلمان. به‌عبارت‌دیگر، سیاست هم به معنای واقعی و هم به معنای توازن قوا، کاملاً تخلیه شده است.

که پیش‌ازاین نیز اعلام شد، من در جریان کنفرانس مطبوعاتی پیشین خود از اشاره و توجه فرانسوا لوگو وزیر اول کبک به آبا و اجدادمان قدردانی کردم. باید بگویم که من مدت‌های بسیار طولانی بود که ندیده و نشنیده بودم که کسی صادقانه و صمیمانه اصالت و ریشه‌های آبا و اجدادی ما را به ما یادآوری کند. اما مسئله این است که من فکر می‌کنم لایحه ارائه شده در حد و اندازه‌های مبارزه بزرگی نیست که اجداد ما انجام دادند. تصمیمی که دولت کبک در این زمینه گرفت یک‌بار

ژرژ برنانو این مسئله را به زیبایی هرچه تمام‌تر بیان کرده است: پرستش ابزار همواره به فراموشی اهداف منجر می‌شود. این لایحه با همفکری و کلا برای وکلا تهیه و ارائه شده است. به نظر من این لایحه موفقیت جدیدی برای پییر الیوت تروودو محسوب می‌شود که معتقد بود ملت‌ها جسم و روح ندارند بلکه غالباً جمعیتی از افراد هستند که اتفاقات تاریخی آنها را دور هم جمع کرده است و موجودیت آنها فقط در رویه‌های حقوقی و روندهای اداری تجسم پیدا می‌کند. باین‌حال همان‌طور

برای همیشه به تأثیرگذاری و نفوذ نوعی ناسیونالیسم الهام گرفته از گرایش‌های جدایی‌طلبانه پایان خواهد داد. این که لایحه ۹۶ به طور کامل و برای همیشه مطالبات و دیدگاه‌های جدایی‌طلبان را کنار می‌گذارد، گویای آن است که این طیف تا چه حد نفوذ سیاسی خود را از دست داده است. باید گفت که در بحث‌های عمومی، جدایی‌طلبان دیگر هیچ قدرتی برای اعمال نفوذ ندارند و دیگر حتی قادر نیستند بر دولتی که به ملی‌گرایی خود مباحثات می‌کند، تأثیرگذار باشند.

ملی‌گرایی در یک در سال‌های اخیر دچار استحاله شده است و به نظر می‌رسد که فرانسوا لوگو نیز از این واقعیت غافل نمانده و در سیاست‌های خود آن را مدنظر قرار داده است. به عقیده من - البته نظرسنجی‌ها نیز موید همین مسئله است - فرانسوا لوگو و دولت کبک بیشتر از جدایی‌طلبان استان با مردم هماهنگ و همسو هستند. واقعیت تلخ‌تر برای جدایی‌طلبان این است که لایحه ۹۶ مهر تأیید بر اخراج آنها از حلقه ملی‌گرایی است که ائتلاف آینده کبک CAQ تشکیل داده است.

اما جدایی‌طلبان به وخامت شکست خود پی نبرده‌اند بنابراین اصلاً جای تعجب ندارد اگر می‌بینیم کل جنبش جدایی‌طلب کبک هرگز نخواست است که علل و عوامل ناکامی خود را به‌طور جدی مورد تجزیه و تحلیل کارشناسانه قرار دهد. همین غفلت موجب شده است که جدایی‌طلبان کبک هیچگاه به فکر تجهیز و تقویت خود نباشند تا شاید بتوانند بار دیگر برخیزند، حرکت خود را از سر بگیرند و پروژه‌هایی را که برای استقلال ملی ما همچنان ضروری و حائز اهمیت است، دوباره مطرح و راه‌اندازی کنند. درست است که شکست‌ها برای مردم بهایی دارد، اما برای جنبش‌ها و احزاب سیاسی نیز قطعاً بهایی دارد.

برای این که استعغای جمعی خود را به تصویر بکشیم، لازم است که بیشتر توضیح بدهم. نگرانی بزرگ من از دولت ائتلاف آینده کبک، انگلیسی‌زبانان یا دولت فدرال نیستند بلکه این فرانکوفون‌های کبک هستند که اساساً مرا نگران می‌کنند.

از ظواهر امر چنین برمی‌آید که کبکی‌ها از لایحه ۹۶ حمایت می‌کنند یا دست‌کم به نظر نمی‌رسد که آنها دیگر مثل دوره‌های قبل با لایحه ۶۳ یا لایحه ۲۲ مخالف باشند. اما علت این حس رضایت چیست و چگونه می‌توان آن را توضیح داد؟ شما همواره در گذشته در نوشته‌ها و آثار خود از انقلاب آرام انتقاد کرده و آن را منتهم کرده‌اید که به‌نوعی موجب تخریب فرهنگ مردم کبک شده است. آیا از دیدگاه شما بین این ناتوانی جمعی و ذهنیتی که از بیش از نیم‌قرن پیش حاکم شده است، ارتباطی می‌بینید؟

شما به‌درستی از اصطلاح «تخریب فرهنگ» استفاده کردید اما من عبارت «ریشه‌کن کردن» را ترجیح می‌دهم. پیشرفت‌های حاصل از انقلاب آرام برای همه

شناخته شده است و ذکر آنها تکرار مکررات و بی‌فایده است. اما واقعیت این است که این پیشرفت‌ها چنان فکر و ذهن ما را به خود مشغول داشته که از یاد برده‌ایم انقلاب آرام یک روی دیگر هم داشته است. این انقلاب در یک فضای شرارت و رذالت در قبال اجداد کانادایی - فرانسوی ما شکل گرفت. اما آن چه بیشتر از هر چیز مایه یاس و ناامیدی می‌باشد این است که ناسیونالیست‌ها که همواره موضوع را دیرتر از دیگران می‌گیرند و در درک اصل و واقعیت قضایا هوشمندی لازم را ندارند، نه‌تنها از این انقلاب به گرمی استقبال کردند بلکه به تبلیغ این رویداد تحقیرآمیز نیز مشغول شدند. وانگهی آثار و پیامدهای این ریشه‌زنی فرهنگی سریع، خشن و بی‌بازگشت همچنان احساس می‌شود. این اتفاق ما را در برابر ایدئولوژی‌های سمی که بحث‌های عمومی ما را آلوده می‌کنند، خلع سلاح و ناتوان کرده است. از نقطه‌نظر سیاسی انقلاب آرام یک شکست آشکار بود. مبارزه برای استقلال، درست همانند مبارزه برای تجدید فدرالیسم به شکست انجامید. در این شرایط چگونه می‌توانیم با گفتن مداوم این نکته به یک ملت که تاریخش به یک تاریکی بزرگ خلاصه می‌شود، به آن ملت اعتماد دوباره ببخشیم؟ فرنان دومون Fernand Dumont یکی از معدود افرادی است که به ویرانی‌های گسترده انقلاب آرام و پیامدهای منفی آن در حافظه جمعی ما پی برد. آقای دومون این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه ممکن است توانایی و ظرفیت‌های خلاق را به ملتی بازگرداند که از پیش عمیقاً متقاعد شده که کاری را که قبلاً انجام داده، بی‌فایده و بی‌ارزش بوده است؟ سپس دومون با الهام گرفتن از لرد دورهام Durham این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که «ما به‌نوعی بار دیگر به یک ملت بدون تاریخ تبدیل شده‌ایم».

” اهالی کبک خسته از این وضعیت، به زبان انگلیسی یا به تعبیر صحیح‌تر به فرهنگ آمریکایی اقبال نشان دادند اما نه به این علت که صرفاً هم‌رنگ جماعت شوند بلکه به‌خاطر این که ملحق شدن به یک فرهنگ غالب برای آنها تسکین دهنده بود.

جدایی‌طلبان کبکی که می‌خواستند به هر قیمتی «مدرن» باشند، از پذیرش میراثی که اجداد و نیاکان آنها به ارث گذاشته بودند، خودداری کردند. برای ملتی که یک هویت به شدت شکننده و شرایطی کاملاً متزلزل داشت، این کار از نظر سیاسی نوعی انتحار بود. علاوه بر این، شصت سال بعد درحالی که کبکی‌ها دو شکست همه‌پرسی را در کارنامه خود دارند، هنوز هم درک نکرده‌اند که پروژه آنها از یک‌طرف بر روی پایه‌های لرزان و شکننده بنا نهاده شده و از طرف دیگر موجب تشدید حس «نفرت از خود» شده است. اگر استقلال‌طلبان کبکی واقعاً آرزوی می‌کنند که آرمانی که از دیرباز به دنبال

آن بوده‌اند بار دیگر از خاکسترهای خود سر برآورد، توصیه من به آنها این است که مقاله فرانسوا ریکار را بخوانند و بر روی آن تامل و اندیشه کنند. هیچ بعید نیست که این تمرین بتواند انگیزه و اراده لازم را برای یک شروع دوباره بر مبنای اصول و ارکان جدید در آنها ایجاد کند.

دیدگاه بیگانه با واقعیت، ناامیدکننده و بدبینانه نسبت به گذشته که جامعه فرانسوی‌زبان‌های کانادا به‌عنوان عناصر انقلاب آرام، برای خود ساخته بود راه را برای شکل‌گیری جنبش «ووک» یا همان بیداری و آگاهی اجتماعی فراهم کرد اما جنبشی که در آن ابتدا اجداد ما را بی‌کفایت می‌دانستند و در ادامه برچسب نژادپرستی به آنها می‌زدند. در واقع «ووکسیسم» مرحله‌های جدید برای بی‌اعتبار کردن سیر تاریخی ما بوده است. با این که صحبت از دو دوره زمانی متفاوت مطرح است اما روند کار یکسان است: ترویج شناخت نادرست در اذهان و افکار عموم. با درنظرگرفتن همه معایب و محاسن قضیه، من روایت زندگی ابدی را به روایت‌های فعالان انقلاب آرام و فعالان ووکسیسم ترجیح می‌دهم چراکه روایت زندگی ابدی مروج امید است اما روایت انقلاب آرام و ووکسیسم اشاعه دهنده کینه، درماندگی، نفرت و انزجار.

برخی حتی معتقدند که مردم کبک به تدریج دارند به محو شدن خودشان تن می‌دهند. آیا شما نیز گاهی این نگرانی را دارید؟ آیا فکر می‌کنید که در این جا صحبت از همگون‌سازی است؟ اگر چنین است، آیا آن را غیرقابل‌بازگشت می‌دانید؟

باید اذعان کنم که در این زمینه خوش‌بین نیستیم. اگر بخواهم صادقانه به سؤال شما پاسخ دهم، باید بگویم که بله، همگون‌سازی در جریان است و من معتقدم که این روند غیرقابل‌بازگشت است. من در جملاتی کوتاه به چند پدیده که برخی از آنها تعیین‌کننده هستند و برخی دیگر اهمیت نمادین دارند، اشاره می‌کنم. این پدیده‌ها با این که ماهیت‌های متفاوتی دارند با یکدیگر ترکیب و ادغام می‌شوند و این ترکیب برای ملت کوچکی مثل ما خطرناک، شوم و نامبارک است. در سال ۱۹۹۵ ما برای این که بتوانیم بر شکست‌ها و ناکامی‌های خود فائق آییم، برای این که بتوانیم واقعیات تلخ مربوط به شرایط دشوار اقلیتی خودمان را از چشم خودمان پنهان کنیم، به یک جهان موازی پنهان بردیم. ما درد خود را تشخیص داده‌ایم و راه علاج خود را هم می‌دانیم اما حاضر نشده‌ایم برای درمان خودمان نسخه بپیچیم.

در این جا به‌طور کلی به برخی از عوامل و عناصری که موجب بدبینی من شده است، اشاره می‌کنم. ابتدا از واضح‌ترین موارد شروع می‌کنم. همان‌طور که می‌دانید میزان زادوولد در جامعه ما از سال ۱۹۷۰ به معنای واقعی دچار فروپاشی شده است. نرخ فعلی زادوولد ۱/۶ کودک در ازای هر یک زن است. این نرخ تولد برای «جایگزینی نسل‌ها» که جمعیت‌شناسان لازمه آن را تولد ۲/۱ کودک در ازای هر زن تعیین کرده‌اند، به‌هیچ‌وجه

مهمی در این نگرش ایفا کردند. در این جا به‌عنوان مثال می‌توان به جنبش بزرگ ضداستعمار که بیش از یک‌صد سال طول کشید و از سرزمین‌های شرقی کانادا تا سواحل شمالی ادامه یافت، اشاره کرد. اجداد و نیاکان ما تحت هدایت و نظارت کشیشان خود مثل کشیش لابل Labelle در سرزمین‌های شمالی و کشیش ابر Hébert در سگنه در چهار گوشه سرزمین کبک مستقر شدند. آن دسته از نیاکامان ما که به این مناطق وارد می‌شدند، تاسیسات جدیدی به ویژه کلیسا، مدرسه و در کل شبکه‌های پشتیبانی گسترده ایجاد می‌کردند.

گر چه بعدها اداره و کنترل زیرساخت‌های اقتصادی این مناطق به دست انگلیسی‌ها یا آمریکایی‌ها افتاد اما مهم این بود که ساکنان این شهرها و روستاها مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ فرانسوی-کانادایی زندگی می‌کردند. ما امروز موفقیت‌های نیاکان خود را در گذشته‌های دور فراموش کرده‌ایم اما کاری که آنها انجام دادند، یک شاهکار بزرگ بود که بدون تلاش، سرسختی و شهامت امکان‌پذیر نبود. آرزوی من این است که هر چه زودتر اشتیاق آتشین زندگی کردن و زنده ماندن را دوباره پیدا کنیم؛ نیروی آرام و خاموشی که من به‌جرت می‌توانم آن را یک نیروی معنوی بدانم که ملت کوچک ما را قادر به انجام کارهای بزرگ کرد آن هم در شرایطی که همه چیز بر ضد ما دست‌به‌دست هم داده بود.

دومین خصیصه مثبتی که من آرزو می‌کنم از کانادایی‌های فرانسوی‌زبان دپروز سرزمینمان کسب کنیم، کشف محافظه‌کاری خاص فرانسوی-کانادایی است. اما این محافظه‌کاری از نقطه‌نظر سیاسی و جامعه‌شناختی کدام است؟ این محافظه‌کاری فلسفه‌ای است که به دنبال تعادل بین آزادی فردی و بقای جامعه است یا به‌عبارت‌دیگر به دنبال تعادل بین آزادی و محدودیت‌های ذاتی زندگی اجتماعی است. کلمه کلیدی در این جا «تعادل» است. اگر برای آزادی‌های فردی بیش از اندازه اهمیت قائل شویم- اتفاقی که اکنون شاهد آن هستیم- جامعه ضعیف و شکننده می‌شود اما برعکس اگر بیش از اندازه محدودیت ایجاد کنیم، جامعه خفه می‌شود و همان وضعیتی که در سال‌های ۱۹۵۰ وجود داشت، در جامعه امروزی پدید خواهد آمد. نهایت تا این که اگر مجبور به انتخاب یک گزینه باشیم، محافظه‌کاران بر خلاف ترقی‌خواهان، همواره بقای گروه و جمع را انتخاب می‌کنند. از «فرانسه جدید» تا به امروز، این دقیقاً همان انتخابی است که نیاکان ما انجام داده‌اند. نکته جالب این است که تنها کشوری که رسماً وارد مرحله پسامی شده و به آن افتخار می‌کند، کانادا است. در واقع کانادا همواره یک کشور فرامی، فاقد یک هویت مشخص و بدون ریشه بوده است و کانادایی‌ها به فخر فروشی و مباحث کردن به نظام بهداشت و درمان خود یا این که آمریکایی نیستند، بسنده کرده‌اند. من این را هویت واقعی نمی‌دانم. کانادایی‌ها برای این که درخشش و رنگ و لعابی به هویت خود بگیرند، مجبور شده‌اند برخی نمادها و نشانه‌های ملی (سرود ملی، افراد، سگ‌آبی، پوتین) برای

به شما یادآوری کنم این تیم‌هاکی دقیقاً با این هدف تشکیل شد که کانادایی‌های فرانسوی‌زبان فضا و فرصت بیشتری در این رشته ورزشی داشته باشند. تشکیل این تیم یک موفقیت بزرگ بود چراکه در تاریخ درخشان و باشکوه این تیم، بازیکنان کانادایی فرانسوی‌زبان یا کبکی‌ها ستون فقرات این تیم را تشکیل می‌دادند: وزینا، ریشار، بلیوو، لافلور، روی و ساوار فقط چند تا از این بازیکنان هستند. در سال‌های ۱۹۷۰ حتی چند بازیکن انگلیسی‌زبان این تیم، به نشانه احترام به طرفداران خود، این افتخار را به ما دادند که زبان فرانسه را یاد بگیرند. این در حالی است که امروز بازیکنان این تیم به زور می‌توانند به فرانسوی «سلام» کنند. مثل همیشه این خبر (عدم حضور حتی یک بازیکن کبکی در یک مسابقه تیم‌هاکی مونترال کانادینز) با بی‌تفاوتی عمومی روبرو شد و پس از ۲۴ ساعت دیگر حتی هیچ‌کس درباره آن صحبت هم نمی‌کند و قطعاً از این پس نیز هرگز کسی به این موضوع اشاره نخواهد کرد.

فروپاشی آموزش شاید یکی مهم‌ترین و نگران‌کننده‌ترین مسائل اجتماعی باشد اما چیزی که بسیار عجیب‌وغریب به نظر می‌رسد این است که این روزها کمتر کسی درباره این مهم صحبت می‌کند. سؤال من این است که وقتی خود فرانکوفون‌ها برای زبان فرانسوی ارزش و احترام قائل نیستند، چگونه می‌توانیم دیگران را به نگاه‌داشتن حرمت این زبان و ارزش دادن به آن وادار کنیم؟ موضوع خیلی ساده است. اتفاقی که برای زبان فرانسه افتاده و فروپاشی آموزشی خیانت بزرگی است که ما در قبال نسل‌های جوان مرتکب شده‌ایم. قضیه به‌هیچ‌وجه پیچیده نیست. ما نتوانسته‌ایم زیبایی و عشق زبان فرانسه را به نسل‌های جوان منتقل کنیم. من می‌توانم ساعت‌ها به این شکوه و گلایه‌های محنت‌بار ادامه دهم اما این فقط ذکر مصیبت است. برای جمع‌بندی این بحث می‌توانم بگویم که با گذشت شش دهه از انتشار رساله هجوآمیز «وقاحت‌های برادر اوتل» (۱۱) و به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های چند میلیارد دلاری، به نظر می‌رسد که ما پسرفت کرده‌ایم و به دوره «تاریکی بزرگ» که تصور می‌کردیم برای همیشه به تاریخ پیوسته است، بازگشته‌ایم.

در نهایت فکر می‌کنم که اگر بگویم با طوفانی بزرگ روبرو هستیم، پر بیراه نگفته‌ام.

گاهی اوقات شما می‌گویید کبکی‌های امروز و کانادایی‌های فرانسوی‌زبان دپروز یک ملت نیستند. اگر کبکی‌های امروز بخواهند رشته پیوستگی تاریخ را دنبال کنند، چه فضایی می‌توانند نزد کانادایی‌های فرانسوی‌زبان دپروز پیدا کنند؟

یکی از این فضیلت‌ها، از خودگذشتگی فردی برای تضمین منافع جمعی است. می‌دانم که ممکن است حرفم تاریخ‌گذاشته و منسوخ باشد اما واقعیت این است که اجداد ما همه چیز را فدای گروه کردند. بدون تردید آئین کاتولیک و جامعه روحانیون کلیسای کاتولیک نقش

کفایت نمی‌کند. ناگفته پیداست که پیامد مستقیم نرخ پائین زادوولد ما در سیاست مهاجرتی جمعی ما تأثیر مستقیم می‌گذارد و این واقعیتی است که بسیاری از مفسران به آن اذعان دارند. اگر من در این جا برای مهاجرت از صفت «جمعی» استفاده می‌کنم، به‌این‌علت است که مطابق با دیدگاه بسیاری از کارشناسان، جذب ۵۰ هزار مهاجر در سال به‌مراتب فراتر از ظرفیت‌های ما برای ادغام است. ما به نسبت جمعیت خود از فرانسه و آمریکا مهاجران بیشتری پذیرش می‌کنیم. عامل دیگری که در این جا نباید از نظر دور داشت، شکست سال ۱۹۹۵ است. در عرصه سیاست، شکست پیامدهایی دارد. همه‌پرسی نافرجام سال ۱۹۹۵، ناکامی میچ Meech را به دنبال داشت که به عبارتی آن را باید شکست فدرالیست‌ها دانست. به بیان واضح‌تر، طی تنها چند سال دو گزینه استقلال یا فدرالیسم نوین که کبکی‌ها فراروی خود می‌دیدند، به شکست منجر شد. این که می‌بینیم مردم از یک شکست به سمت شکست دیگر می‌روند، امر عجیبی نیست. این رفتار آنها در واقع یک فرار روبه‌جلو نامیدانه بود.

جهانی‌سازی و انقلاب دیجیتال پیامدهای عظیم و گسترده‌ای داشت. این در حالی بود که تأثیرگذاری و نفوذ آمریکا در همه ابعاد و بخش‌ها قابل لمس بود. پدیده نوظهور جهانی‌سازی و انقلاب دیجیتال به اسب تروای همسایه جنوبی تبدیل شده بود که فرصت را مناسب می‌دید نه‌تنها قدرت مالی و صنعتی خود را تحمیل کند بلکه حتی زبان، جهان‌بینی و فرهنگ خود را نیز به همسایگانش دیکته کند.

” به نظر من این لایحه موفقیت جدیدی برای پییر ایوت تروود محسوب می‌شود که معتقد بود ملت‌ها جسم و روح ندارند...“

بیاید در این جا به چند نمونه که ظاهراً بی‌اهمیت به نظر می‌رسد اما از نظر من حائز اهمیت است، نگاهی بیندازیم.

هر بار که به فهرست محبوب‌ترین نام‌های فرزندان خانواده‌های کبکی نگاهی می‌اندازم، از این که می‌بینم در میان اسامی رایجی که خانواده‌های کبکی برای فرزندان پسر خود انتخاب می‌کنند نام‌هایی مثل لیام، ویلیام و لوگان (بله تعجب نکنید، لوگان!) وجود دارد مات و مبهوت می‌شوم. اما باز هم جای شکرش باقی است که هنوز تایلر به فهرست اسامی محبوب خانواده‌های کبکی راه پیدا نکرده است. مثال دیگری که می‌توانم به آن اشاره کنم این است که چند هفته پیش تیم‌هاکی «مونترال کانادینز» یک بازی انجام داد. در ترکیب انتخابی سرمربی این تیم حتی یک بازیکن نیز از کبک حضور نداشت. بله، حتی یک نفر هم نبود! طی یک‌صد سال اخیر این اولین بار است که چنین اتفاقی می‌افتد. شاید لازم باشد که

کانادایی‌ها برای این که درخشش و رنگ و لعابی به هویت خود بگیرند، مجبور شده‌اند برخی نمادها و نشانه‌های ملی (سرود ملی، افراد، سگ آبی، پوتین) برای خود تعیین کنند. وانگهی به همین علت است که آنها تا این حد از ما بیزار هستند. ما همیشه کمبود شخصیتی را که آنها دارند، یادآوری می‌کنیم.

خود تعیین کنند. وانگهی به همین علت است که آنها تا این حد از ما بیزار هستند. ما همیشه کمبود شخصیتی را که آنها دارند، یادآوری می‌کنیم. همین مسئله مرا بر آن می‌دارد تا بگویم که از این نقطه‌نظر، کبک نسبت به دیگر استان‌ها و سرزمین‌های کانادا، با غرب هماهنگ‌تر است؛ بنابراین آنها کهنه‌پرست و از رده خارج هستند، نه ما. انقلاب پساملی آنها یک رویا یا به عبارت دقیق‌تر یک کابوس است، یک کابوس چهل‌ساله. اما مشکلی فعلی که البته غم‌انگیز هم می‌باشد، این است که کبک همچنان در داخل کانادا وجود دارد. اگر به دنبال دلیل یا دلایلی برای استقلال هستیم، این یکی از آنهاست.

آخرین سؤال را مطرح می‌کنم. اگر نگاهی به دنیای غرب بیندازیم، خواهیم دید که همه‌جا تقسیم‌بندی‌های سیاسی کهنه در حال فروپاشی است و همه‌جا شاهد پدیدار شدن گفتمانی هستیم که هدف از آن انتقاد از فروپاشی موجودیت ملت‌ها و هویت آنهاست. آیا تصور می‌کنید که ممکن است گفتمان مشابهی نیز در کبک شکل بگیرد؟ آیا شما فعل و انفعالاتی در کبک می‌بینید که بتواند منجر به شکل‌گیری این گفتمان شود؟

همه ملت‌ها احساس می‌کنند که جریان‌ها و گرایش‌های فعلی تهدیدی برای بقا و انسجام آنها است. گرچه پاسخ‌هایی که به این نگرانی‌ها داده می‌شود، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، آن چه از آن به‌عنوان «پوپولیسم» یاد می‌شود در واقع پاسخ سیاسی ملت‌هایی است که نمی‌خواهند بمیزند. احزاب و تشکل‌های سیاسی سنتی همواره چشم و گوش خود را به روی این نگرانی‌ها بسته‌اند. این احزاب در همه کشورها به جز انگلیس در مسیر نابودی قرار گرفته‌اند. در انگلیس حزب محافظه‌کار ذکاوت و شهامت آن را داشته است که این نگرانی‌ها را جدی بگیرد. بوریس جانسون رئیس حزب محافظه‌کار انگلیس برنامه‌های مبتنی بر اتحاد بین نخبگان محافظه‌کار و اقلیت مردمی که به طور سنتی و از دیرباز به جناح چپ رأی می‌دهند، پیشنهاد کرده است. جانسون از قماری که آغاز کرده بود، برنده خارج شد و حزب او در انتخابات به پیروزی بزرگی دست یافت.

من به راحتی نمی‌توانم دیدگاهی را که در این زمینه دارم، روی کاغذ بیاورم اما بر این باور هستم که کبکی‌ها به دلایلی که پیش‌از این ذکر کردم، هنوز هم توانایی لازم را برای مقابله با خطراتی که آنها را تهدید می‌کند، ندارند.

کبکی‌ها این پدیده‌ها را تهدیدآمیز نمی‌دانند بلکه نشانه و شاهدهی دال بر «مدرنیته» خود می‌دانند. می‌بینید که در این‌جا هم بار دیگر به تناقضی که فرانسوا ریکار به آن اشاره کرده است، باز می‌گردیم مبنی بر این که «کبکی‌ها بیشتر از آن که بخواهند کبکی باشند، می‌خواهند مدرن باشند». میل و اشتیاق کبکی‌ها برای مدرن بودن آن قدر زیاد است که آنها همین دیروز حاضر بودند با گذشته خود و سرزمینشان قطع ارتباط کنند و امروز نیز حاضرند خیلی راحت در فرهنگ و سنت آمریکایی حل شوند. در واقع کبکی‌ها بین دو گزینه «مدرن بودن» و «کبکی بودن»، گزینه اول را انتخاب کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داده است که در سال ۲۰۲۱ برای یک شهروند کبکی، «مدرن بودن»، به معنای آمریکایی بودن است درست مثل الویس گراتون (یک شخصیت داستانی موضوع فیلم‌های متعدد و یک مجموعه تلویزیونی به همین نام ساخته کارگردان کبکی پیر فالاردو/ توضیح از مترجم). ممکن است تفسیرهای من ضد و نقیض به نظر برسد اما در واقع این طور نیست. از مدت‌ها پیش فرانسوی زبان‌های کانادا و کبکی‌ها به‌رغم محافظه‌کاری خدادادی خود، شیفته و حتی شاید مسحور آمریکا و فرهنگ آمریکایی شدند. هنوز یادمان نرفته است که لوئی-ژوزف پاپینو Louis-Joseph Papineau که نمی‌توان حتی یک لحظه در وطن‌پرستی و ملی‌گرایی‌اش ابراز تردید کرد، در بازگشت از تبعید در سال ۱۸۴۵ به دوستان لیبرال خود پیشنهاد کرد که برای الحاق کبک به جمهوری آمریکا تلاش کنند.

همان زمان جنبش گسترده مهاجرت صدها هزار کانادایی فرانسوی‌زبان به نیواگلند آغاز شد. ما منتظر ظهور رسانه‌های اجتماعی نمانده‌ایم تا با سروصدا و زرق‌وبرق زیاد فرهنگ آمریکایی و جنبه‌های مختلف آن از موسیقی گرفته، فیلم، تلویزیون یا ورزش این کشور را تبلیغ کنند. از دهه‌ها پیش بسیاری از هم‌استانی‌های ما فصل زمستان خود را نه در مکزیک، نه در برزیل، نه در جنوب فرانسه و نه در سواحل کاستا دل سول بلکه در سواحل آمریکا به‌ویژه ایالت فلوریدا سپری می‌کنند. خلاصه این که این اظهارات یا استدالات من ضدونقیض نیستند بلکه کبکی‌ها متناقض هستند. درست به همین علت است که مشاهده آنها

آرزوی من این است که هر چه زودتر اشتیاق آتشین زندگی کردن و زنده ماندن را دوباره پیدا کنیم؛ نیروی آرام و خاموشی که من به جرئت می‌توانم آن را یک نیروی معنوی بدانم که ملت کوچک ما را قادر به انجام کارهای بزرگ کرد آن هم در شرایطی که همه چیز بر ضد ما دست‌به‌دست هم داده بود.

انقلاب آرام در دهه ۱۹۶۰ در یک فضای شرارت و رذالت در قبال اجداد کانادایی - فرانسوی ما شکل گرفت. اما این مایه یاس و ناامیدی است که ناسیونالیست‌ها نه تنها از این انقلاب به گرمی استقبال کردند بلکه به تبلیغ این رویداد تحقیرآمیز نیز مشغول شدند.

گاهی به همان اندازه که جذاب است، ناامیدکننده هم می‌شود. درست در شرایطی که رأی‌دهندگان کبکی خسته و مستأصل شده بودند، ائتلاف آینده کبک توانست در انتخابات پیروز شود. این آخرین ضربه کوچکی بود که ما را در یک سرایشی لغزنده قرار داد تا ما را به شکلی آرام و آهسته اما غیرقابل اجتناب به سمت محو شدن سوق دهد. یادآوری می‌کنم که ائتلاف آینده کبک به خاطر انتقاد از سوءاستفاده‌ها و افراط‌گری‌های جهانی‌سازی یا به خاطر توجه کردن به نگرانی‌های موجودیتی ما به قدرت نرسید بلکه به خاطر تأکید بر ضرورت غلبه بر تقسیم‌بندی‌ها و خط‌کشی‌های کهن‌هایی که جدایی‌طلبان و فدرالیست‌ها ایجاد کرده بودند، سربلند از انتخابات خارج شد. بر همین اساس من ظهور حزبی را نمی‌بینم که یک برنامه مدون و قوی برای دفاع قدرتمندانه و شجاعانه از هویت ملی ما داشته باشد.

من معتقدم که در حال حاضر فقط هنرمندان هستند که تلاش می‌کنند موجودیت باقیمانده رنگ پریده ما را به دوش بکشند. اما آیا تا چه زمان آنها انگیزه‌های لازم برای این را خواهند داشت و چه زمان به‌ناچار به علت اقتضات شغلی خود، در برابر زبان انگلیسی سر تسلیم فرود خواهند آورد؟ برای آن‌هایی که مثل من چند پیراهن بیشتر پاره کرده‌اند، تنها مسئله‌ای که می‌تواند تسلی‌بخش باشد - هر چند بسیار هم خودخواهانه است - این است که ما شاهد این سقوط در ورطه نخواهیم بود زیرا همان‌طور که ریمون له وک Raymond Lévesque به زیبایی خوانده است «ما آن زمان دیگر وجود نخواهیم داشت».

توضیحات

(۱) ژان پل-دیبین Jean-Paul Desbiens نویسنده رساله «وقاحت‌های برادر اونتال» انتقادات گزنده‌های را از جامعه کبک مطرح می‌کند، از فقر زبان‌گفتاری (زبان ژوال) به شدت انتقاد می‌کند، دین مبتنی بر رعب و وحشت را محکوم می‌کند و با حمله به نظام آموزشی حاکم در استان کبک آن را فرسوده و نخبه‌توصیف می‌کند. نویسنده اثر همچنین تغییرات و اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کند که خبر از «انقلاب آرام» می‌دهد. (توضیح مترجم)

منبع: وب سایت ژورنال دو مونریال

صرافی رویال
 با مدیریت فرخ سرشت

خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران
 جهت فروش ارز

**ارسال ارز
 به ایران و بالعکس**
 در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

6162 SHERBROOKE W.
 MONTREAL H4B 1L8
 جنب فروشگاه اخوان

(514) 836-7090

RE/MAX
 Hayk Hartounian MBA
 Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان
تهیه وام مسکن با بهترین امکانات
هدیه ما به شما: هزینه محضر

فروش خرید اجاره

(514) 574 6162
 Haykhartounian@yahoo.com
 9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

**دفتر
 ترجمه رسمی**
 فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد
 بدون نیاز به
 مراجعه حضوری

موسسه رسمی ترجمان فارمان
 (ATIO) (OTTAWA) و (ATIO) (MONTREAL)

کارشناس ارشد حقوقی ایران
 و دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

ATIO

ترجمه و تایید اسناد و مدارک
 ترجمه شفاهی در جلسات رسمی دادگاه و دادگستری
 بر تایید اعضای انجمن و گواهی برابر اصل
 تهیه و تنظیم دعوت نامه و انگیز نامه
 ترجمه مدارک گواهی نامه دولت العديد
 کارت (ATIO) و درخواست شهروندی کانادا
 تهیه و تنظیم مدارک جهت ارائه برای مدارک معادل از مهر گبر برابر اصل از مطابقت رسمی
 انجام کلیه امور مربوط به دریافت و تکمیل اسناد از دانشگاه

دفتر تهران: سطح جنوب شرقی میدان سپید خندان
 دارالترجمه رسمی مسیحا
 +98 912 725 2544

+98 912 322 0524
 438-920-9305
 firoozehmasiha@yahoo.com

دارالترجمه رسمی فرهنگ
 BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
 FARHANG TRANSLATION OFFICE

001 514 691 4383
 R.DAVOODI@FARHANG.CA

2000, MCGILL COLLEGE
 6TH FLOOR, MONTREAL
 QUEBEC, CANADA, H3A 3H3

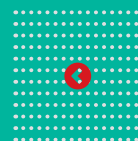
شعبه
 کانادا

+98 21 6642 1511
 6694 8154
 H.DAVOODI@FARHANG.CA

تهران: تکاور شمالی - منطقه
 بلوار کشاورز نبش کوچه آگین
 پلاک 177 طبقه 3 واحد 7

شعبه
 ایران

سیاست اقتصاد



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
@Journal_Hafteh @HaftehWeekly

بازی دو سر برد عبدالناصر همتی در انتخابات ۱۴۰۰

جمهوری اسلامی هوای بازندگان را هم دارد!



سال ۱۳۵۹ با آغاز انقلاب فرهنگی در ایران، درگیری شدیدی میان استادان و دانشجویان چپ‌گرا با مسلمانان تازه‌نفس رخ داد. این اختلافات آن قدر بالا گرفت که برای مدتی دانشگاه‌ها تعطیل شد. بیش از ۵۰ درصد از اعضای سازمان‌های چپ‌گرا یا دانشجو یا استاد دانشگاه بودند که عمدتاً عضو یا سمپات حزب توده، چریک‌های فدایی، سازمان مجاهدین خلق و ... بودند. وقتی که دولت مهندس بازرگان استعفا کرد، قدرت در دست حزب جمهوری اسلامی قبضه شد و به‌این ترتیب پس از تعطیلی دانشگاه‌ها، تصفیه عناصر چپ‌گرا هم آغاز شد.

آیت‌الله خمینی در پیام نوروزی خود گفته بود «ایده انقلاب اسلامی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید. تا اساتیدی که در ارتباط با شرق یا غرباند تصفیه گردند و دانشگاه محیط سالمی شود برای تدریس علوم عالی اسلامی.» با این حکم کار برای انقلابیون راحت‌تر شد و با فراغ بال بیشتری سرکوب‌های خود را در دانشگاه در پیش گرفتند.

تعطیلی دانشگاه‌ها اگرچه تنها به ضرر نیروهای منتقد جمهوری اسلامی نبود و باعث شد حامیان آن نیز از حضور در دانشگاه بازمانند اما رژیم جدید برای همفکران خود نهادی تأسیس کرد تا بتوانند دانشجویان پس از پایان تحصیلات بتوانند در مناطق محروم فعالیت و تدریس کنند. این نهاد جهاد دانشگاهی نام داشت که طرحی برگرفته از «سپاه دانش» بود که در جریان انقلاب سفید ایران با یک ایده سوسیالیستی تأسیس شده بود. یکی از افرادی که سال ۱۳۵۸ دوره کارشناسی خود را تمام کرده بود و به‌خاطر قربان‌های فکری‌اش با حزب جمهوری اسلامی می‌توانست به جهاد دانشگاهی بپیوندد، عبدالناصر همتی بود که از کبودرآهنگ برای ادامه تحصیل به تهران آمده بود.

فقط کافی است به خاندان هاشمی نزدیک شوید!

همتی چند سالی را در مناطق مختلف به‌عنوان آموزگار جهاد دانشگاهی گذراند و با باز شدن دوباره دانشگاه، بار دیگر در کنکور شرکت کرد و فوق‌لیسانس و سپس دکتری خود را در رشته اقتصاد از دانشگاه تهران کسب کرد. هم‌زمان با انقلاب فرهنگی، عبدالناصر همتی در صداوسیما ایران نیز استخدام شده بود. همتی ابتدا در بخش خبر فعالیت می‌کرد و سال ۶۴ به‌عنوان رئیس واحد مرکزی خبر منصوب شد و سال ۶۸ همتی در دوره ریاست

در کار شرکت‌های خصوصی دخالت کند و با همین ایده از نظارت دولت بر شرکت‌های خصوصی کاستند و به‌این ترتیب در این دوره سنگ بنای اختلاس‌های کلان در صنعت بیمه گذاشته شد و اختلاس‌های دوره بعد در شرکت‌های بیمه‌ای محصول همین رویکرد بود.

همتی در دوره حضور محمود احمدی‌نژاد از بیمه مرکزی کنار گذاشته شد؛ چه آنکه هاشمی رفسنجانی و نزدیکانش به سیاست «تعديل» اعتقاد داشتند و احمدی‌نژاد در ظاهر حامی سیاست «عدالت» بودند و فقط نام عدالت را یدک می‌کشیدند؛ چه آنکه در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد بیشترین تعداد بانک خصوصی در ایران تأسیس شد و سازمان تجارت جهانی به‌خاطر سیاست‌های خصوصی‌سازی او از ایران تقدیر کرد. به هر ترتیب همتی در دوران احمدی‌نژاد جایی در دولت نداشت و از طریق ارتباط با بنیاد مستضعفان، به مدیرعاملی بانک سینا رسید و با روی کار آمدن دولت روحانی برای بار دیگر این چهره نزدیک به هاشمی رفسنجانی پست مهمی گرفت و این بار مدیرعامل بانک ملی ایران شد. همتی که تا دهه هفتاد در سمت‌های غیر تخصصی حضور داشت از دولت دوم هاشمی به مناصب اقتصادی رسیده بود و به‌این ترتیب توانست خود را به‌عنوان یک مدیر اقتصادی معرفی کند.

بازگشت از سرزمین اژدها

از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ همتی برای بار دیگر به بیمه مرکزی بازگشت. تابستان سال ۹۷ ناگهان خبر رسید که همتی سفیر ایران در چین شده است. دلیل این انتصاب مشخص نبود و معلوم نبود با چه تخصصی او به چین رفته است. در این دوره موضوع بازداشت سلطان سکه و سلطان دلار و ارتباطات آنها در بانک مرکزی رخ داده بود؛ اتفاقاتی که به اعدام «حمید مظلومین» منجر شد. قیمت سکه و قیمت دلار جهش ناگهانی چندباره داشت؛ برخی مدیران بانک مرکزی همچون عراقچی معاون مدیرعامل و مدیر حراست بانک بازداشت شده بودند و ولی‌الله سیف نیز در آستانه بازداشت بود. سیف برکنار شده بود و کسی نمی‌پذیرفت که در اوج قیمت دلار و سکه مسئولیت بانک

محمد هاشمی، معاونت سیاسی صداوسیما شد. بخش خبر صداوسیما که همواره جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک دارد، از ابتدا زیرمجموعه معاونت سیاسی بوده و همتی یکی از چهره‌هایی بوده که بدون تجربه و سابقه در عرصه سیاسی و حتی عرصه خبر به‌عنوان معاون سیاسی بزرگ‌ترین نهاد رسانه‌ای خاورمیانه فعالیت می‌کرد!

مادامی که محمد هاشمی در صداوسیما بود، عبدالناصر همتی نیز همان جا حضور داشت و با خروج هاشمی از صداوسیما، این بار همتی به ریاست بیمه مرکزی منصوب شد. همتی از سال ۷۳ تا ۸۵ رکورد بیشترین حضور در بیمه مرکزی را دارد. او یکبار دیگر در سال ۹۵ نیز برای بار دیگر به‌عنوان رئیس کل بیمه مرکزی منصوب شد.

در تمام دوران حضور هاشمی رفسنجانی، عبدالناصر همتی از نزدیکان او بود. این نزدیکی و حمایت آن قدر زیاد بود که همتی عضو حزب کارگزاران سازندگی نیز شد و تا آنجا ادامه داشت که حتی به‌خاطر شباهت ظاهر گرفته شد همتی و آیت‌الله هاشمی خوشاوند هستند. خود همتی اما توضیح داده که «خیلی‌ها فکر می‌کنند خواهرزاده آیت‌الله هاشمی هستم که صحت ندارد. البته ایشان همیشه به من محبت داشتند. آقای محمد هاشمی هم رئیس صداوسیما بودند و سال‌ها معاون ایشان بودم. شاید به این دلیل بود و هم اینکه خانم من از کرمان آمده بودند خیلی‌ها تصور فامیلی داشتند.»

پیوندهای خصوصی ...

مهم‌ترین پیوندی که همتی را به هاشمی رفسنجانی نزدیک می‌کرد، باور همتی به سیاست‌های خصوصی‌سازی هاشمی رفسنجانی بود؛ چه آنکه در بدو ورود همتی به بیمه مرکزی سیاست‌های تعدیل اجرا شد و شرکت‌های خصوصی بیمه یکی پس از دیگری سر برآوردند؛ آن‌گونه که از میان ۲۰ و خرده‌ای شرکت بیمه در ایران، نیمی از آنها شرکت‌های خصوصی هستند که در دوره همتی تأسیس شدند، به همین دلیل حامیان همتی به او لقب «پدر صنعت بیمه‌های خصوصی» داده‌اند اما او نیز همچون دیگر همفکران خود معتقد بود که دولت نباید

مرکزی را بپذیرد. همتی از چنین پیغام فرستاد که حاضر است به بانک مرکزی بیايد و به این ترتیب حضور او در چین به چند روز هم نکشيد و به ایران آمد تا حکم ریاست بانک مرکزی را بگیرد. تا چند ماه نخست اقدامات او در بانک مرکزی مؤثر بود و قیمت دلار و سکه کاهش محسوسی داشت. آن زمان وقتی قیمت دلار کنترل شد و بازار به وضعیت طبیعی بازگشت، برخی می گفتند اگر همین الان انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود، همتی شانس خوبی دارد زیرا حتی افکار عمومی کنترل بازار را محصول اقدامات او تلقی می کردند اما بعد از چند ماه دوباره همان روال سابق تکرار شد و در دوره همتی رکورد قیمت دلار در تاریخ ایران شکسته شد و به بالای ۳۳ هزار تومان هم رسید و معلوم شد هم بزرگترین شانس همتی که کنترل بازار ارز بود، ثبات نداشت تا در انتخابات از آن استفاده کند؛ هم معلوم شد زور دلان به مدیرعامل بانک مرکزی ایران هم می چربد باین حال ارتباطات او با حزب کارگزاران موجب شد همچنان در سمتش باقی بماند. از سوی دیگر اگر بنا بر برکناری او هم بود، کسی نمی پذیرفت که بدترین وضعیت بانک مرکزی را تحویل بگیرد.

رسانه های اصولگرا درباره انتصاب همتی نوشتند که او سهمیه حزب کارگزاران در دولت روحانی بوده است: «دولت با انتصاب رئیس کل بانک مرکزی پذیرفت که ترمیم و تغییر را آغاز کند، اما این تغییر بیش از آنکه پاسخی به مطالبات مردم و کارشناسان باشد، تمکین به قدرت حزب کارگزاران سازندگی برای نفوذ در خزانه دولت است.»

همتی البته ارتباطش با حزب کارگزاران را رد کرد و گفت: «پنج سال است که در جلسات حزب کارگزاران سازندگی شرکت نمی کند و عضو این حزب نیست.» همتی اگر می دانست در خرداد ۱۴۰۰ فرزندان معنوی آیت الله هاشمی تنها کسانی هستند که از او حمایت خواهند کرد، احتمالاً آن موقع چنین جمله ای را به زبان نمی آورد.

گزینه های آماده حمله

همتی با چنین سابقه ای نامزد انتخابات ریاست جمهوری شد. برخی کارشناسان سیاسی این گونه تحلیل می کردند که او فقط برای این در انتخابات حاضر شده که گزینه ای برای حمله به دولت نیز در جریان مناظره ها وجود داشته باشد؛ این پیش بینی هم درست از آب درآمد و نقدهای یکپارچه ۵ کاندیدای اصولگرا علیه همتی شکل گرفته بود تا او به عنوان مهم ترین مدیر اقتصادی دولت روحانی سیبل حمله قرار بگیرد.

همتی البته در مناظره نخست حریف دست و پا بسته ای هم نبود و چند باری به رئیسی و محسن رضایی و علیرضا زاکانی حمله کرد و حتی وعده داد اگر رئیس جمهور شود، محسن رضایی را به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی کشور به قوه قضاییه ارجاع خواهد داد. او در تبلیغات انتخابات این استراتژی را پیش برده که خودش را رقیب همه اصولگرایان نشان دهد؛ این دقیقاً همان سیاستی بود که

یکبار توسط محمود احمدی نژاد در پیش گرفته شده بود. همتی بیش از یک دهه در صداوسیما حضور داشته و این دوران آن قدر برای او آموزنده بود که این روزها از تجربه گذشته استفاده کند؛ چه آنکه همتی تبلیغات موبرگی و هدفمند بسیار خوبی داشت؛ از جمله زمانی که همسرش سپیده شبستری را به جای خود به صداوسیما فرستاد تا نشان دهد حامی زنان است یا توییتور او بسیار فعال بود و از آنجا کنایه های بسیار معناداری به رئیسی می زد. مشکل همتی اما اینجا بود که او هیچ بدنه اجتماعی نداشت که بر پایه آن بتواند خود را نماد اتصال به مردم یا دست کم بخشی از مردم بداند. باین حال او در جریان سه مناظره انتخاباتی از دیگران مسلط تر بود؛ آن قدر که نظرسنجی ها نشان می داد وضعیت او بهتر از قبل شده است. وقتی که اصلاح طلبان اعلام کردند از هیچ کاندیدایی حمایت نمی کنند، حزب کارگزاران از همتی حمایت کرد تا تنها حزب اصلاح طلبی باشد که در جریان انتخابات ۱۴۰۰ از یک گزینه حمایت می کند. سایر احزاب اصلاح طلب چنین کاری نکردند و مخصوصاً بعد از بیانیه میرحسین موسوی از حصر مبنی بر تحریم انتخابات، تصمیم برای مشارکت و حمایت از کاندیداها برایشان دشوار بود، باین حال کارگزاران که یکبار در انتخابات مجلس یازدهم لیست جداگانه داده بود، در انتخابات ریاست جمهوری هم چنین کرد و از همتی حمایت کرد.

حزب کارگزاران آذرماه سال ۹۹ لیستی ۲۰ نفره منتشر کرده بود و اعلام کرد که کدام گزینه ها در فهرست نهایی آنها برای انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد. همتی در آن لیست ۲۰ نفره، در رتبه سیزدهم قرار گرفته بود و به این ترتیب کارگزاران ناچار شد از اولویت سیزدهم خود دفاع کند!

عبدالنصر همتی در جریان انتخابات شبکه ای از حرفه ای ترین سیاستمداران ایران را پشت خود دارد؛ سیاستمدارانی که در حزب کارگزاران سازندگی فعالیت می کنند؛ از حسین مرعشی و غلامحسین کرباسچی گرفته تا محمد عطریانفر و محسن هاشمی. حتی فائزه هاشمی که تا دو هفته قبل از تحریم انتخابات سخن می گفت حامی همتی شد و گفته «اگر بابا زنده بود از آقای همتی حمایت می کرد.» و به این صورت تلویحا حمایتش از کاندیدای حزب متبوع خود را نشان داد.

همتی در سال های فعالیتش در اندازه یک مدیر ارشد در جمهوری اسلامی نبوده و اگر دوره دو ساله او در بانک مرکزی نبود، حتماً «رجل سیاسی» بودنش هم محل تردید بود و بعید بود می توانست تأیید صلاحیت خود را از شورای نگهبان بگیرد. در این صورت احتمالاً چینش نامزدهای انتخاباتی متفاوت بود و فردی در اندازه او که مسئولیت اقتصادی هم در دولت روحانی داشت، به جمع کاندیداها اضافه می شد تا شورای نگهبان آنگونه که می خواست، چینش خود را انجام داده باشد؛ این به آن معناست که همتی نه به خاطر سوابق خاصی که داشته تأیید صلاحیت شده، بلکه یکی از معدود گزینه هایی بوده که شورای نگهبان می توانسته با او مهندسی انتخابات را به شیوه ای

که می خواسته پیش ببرد. همتی در حقیقت شکننده ترین نماینده دولت بود که تمام کاندیداهای موجود می توانستند به او بتازند. از سوی دیگر تأیید صلاحیت همتی این توجیه را برای شورای نگهبان داشت که مدعی این موضوع باشد که حامیان دولت نیز در انتخابات یک گزینه دارند اما این گزینه یک تداعی بزرگ دارد؛ «مهم ترین مدیر اقتصادی که در دوره او دلار از ۱۲ هزار تومان به ۳۴ هزار تومان رسید.» این تداعی بزرگ ترین ضعف همتی است اما او فعلاً تلاش می کند با مقصر نشان دادن محسن رضایی و رئیسی و جلیلی به خاطر عدم تصویب FATF و معطل نگاه داشتن آن، بار تقصیر را برگردن اصولگرایان بیندازد و بگوید اگر مشکلی هم ایجاد شده، نه به خاطر نحوه مدیریت در بانک مرکزی، بلکه به خاطر سودجویی افرادی بوده که از تحریمها کاسبی می کردند و از حمایت ارکان قدرت نیز برخوردار بودند. همتی در جریان مناظره ها نیز تلویحا همه رقبای اصولگرای خود را به کاسبی از تحریم های علیه ایران متهم کرد و حملات پی در پی او به رقیب باعث شد وضعیت او تقریباً از مهرعلیزاده نیز بهتر شود؛ باین حال هنوز توقع بسیار زیادی است که او بتواند آرای چشمگیری در انتخابات داشته باشد که رای ابراهیم رئیسی را تحت الشعاع قرار دهد.

حضور در انتخابات ۱۴۰۰ برای همتی بازی دو سر برد بود؛ اگر برنده انتخابات می شد، به ریاست جمهوری می رسید و اگر بازنده آن شود، حتماً پستی بهتر از آنچه در دولت روحانی داشته، در انتظار اوست؛ چه آنکه آیت الله خامنه ای همواره نشان داده همواره بازندگان انتخابات ریاست جمهوری برایش مهم هستند و مناصب حساسی برای آنها کنار می گذارد.



مهم ترین پیوندی که همتی را به هاشمی رفسنجانی نزدیک می کرد، باور همتی به سیاست های خصوصی سازی هاشمی رفسنجانی بود؛ چه آنکه در بدو ورود همتی به بیمه مرکزی سیاست های تعدیل اجرا شد و شرکت های خصوصی بیمه یکی پس از دیگری سر برآوردند؛ آن گونه که از میان ۲۰ و خرده ای شرکت بیمه در ایران، نیمی از آنها شرکت های خصوصی هستند که در دوره همتی تأسیس شدند، به همین دلیل حامیان همتی به او لقب «پدر صنعت بیمه های خصوصی» داده اند اما او نیز همچون دیگر همفکران خود معتقد بود که دولت نباید در کار شرکت های خصوصی دخالت کند و با همین ایده از نظارت دولت بر شرکت های خصوصی کاستند و به این ترتیب در این دوره سنگ بنای اختلاس های کلان در صنعت بیمه گذاشته شد و اختلاس های دوره بعد در شرکت های بیمه ای محصول همین رویکرد بود.



مهرعلیزاده و حامیانی که ندارد

سیاستمداری که از مهندسی انتخابات ضرر نکرد!

کرده بود به همین دلیل پس از انقلاب ایران در عمده استان‌های مرزی ایران، موضوع خودمختاری یکی از مشکلات حکومت جدید بود که با آن درگیر بود. استان آذربایجان شرقی هم از این قاعده مستثنا نبود و در مرزها این سپاه بود که اقلیت‌ها را سرکوب می‌کرد و در شهرها و روستاها هم این کمیته انقلاب بود که مظنونین را دستگیر می‌کرد و به دادگاه می‌سپرد. محسن مهرعلیزاده هم که در آن سال‌ها در همه نهادهای انقلابی عضو بود، مسئولیت سنگینی داشت و هم دستگیر می‌کرد، هم صادره می‌کرد و هم به دادگاه معرفی می‌کرد. همین صادره‌ها البته باعث شد مهرعلیزاده ابتدای انقلاب شغل مناسبی برای خود دست‌وپا کند؛ چه آنکه وقتی ابتدای انقلاب شرکت انگلستانی ماشین‌سازی لیلاند صادره شد، مهرعلیزاده ۲۵ ساله که سال ۱۳۵۷ به تازگی لیسانس خود را از دانشگاه تبریز در رشته مکانیک گرفته بود، قائم‌مقام مدیرعامل آن شد.

رشد خودرویی مهرعلیزاده

سه سال ابتدایی و بحرانی انقلاب که کشور دچار درگیری‌های مسلحانه بود، مهرعلیزاده در کمیته انقلاب و سپاه ماند اما از سال ۱۳۶۰ به‌خاطر رشته تحصیلی‌اش به سمت مدیریت در بخش‌های صنعت رفت. او پس از شرکت لیلاند به شرکت سایپا رفت. شرکت سایپا سال ۶۰ به تملک دولت درآمد و وزیر نظر وزارت صنایع سنگین رفت. حضور مهرعلیزاده در سایپا پیوندهای او را با چهره‌های خط امام بیشتر کرد؛ مهم‌ترین چهره نیروهای خط امام در این سال‌ها بهزاد نبوی بود که عملاً تئوریسین و مغز متفکر دولت به شمار می‌رفت. در تمام سال‌هایی که بهزاد نبوی در وزارت

مرکزی، سخت مشغول مصادره اموال و دستگیری مقامات رژیم پهلوی بود. عمده اعدام‌های ابتدای انقلاب با گزارش همین نهاد به دادگاه‌های انقلاب صورت



رابطه با بهزاد نبوی باعث شد مهرعلیزاده آهسته‌آهسته به سمت جریان خط امام یا اصلاح‌طلبان سال‌های بعد گرایش پیدا کند. نیروهای خط امام در این سال‌ها به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ دسته اول سیاسیون بودند که از طریق ارتباط نزدیکشان با بیت آیت‌الله خمینی، تئوری‌ها و ایدئولوژی‌های خود را در جمهوری اسلامی بسط می‌دادند. دسته دوم نیروهای تکنوکرات و فنی بودند که بر پایه ارتباطشان با گروه اول رشد می‌کردند. مهرعلیزاده در آن سال‌ها نه سررشته‌ای از ایدئولوژی‌های سیاسی بود و نه توان بازی‌سازی در جمهوری اسلامی داشت بنابراین ارتباطات خود را آن‌قدر با گروه نخست حفظ کرد تا دست‌کم بتواند به‌عنوان یک مدیر میانی تکنیکال جایگاه خود را در دولت حفظ کند.

می‌گرفت و در حقیقت به‌نوعی نقش دادگاه صحرایی را ایفا می‌کرد که زمانی برای هدر دادن ندارد و به‌سرعت باید همه آثار حکومت سابق را تصفیه می‌کرد. محسن مهرعلیزاده در چنین شرایطی کار خود را با جمهوری اسلامی آغاز کرد. قدرت مرکزی طی سال‌ها اقوام و اقلیت‌ها را سرکوب

در تاریخ ایران دو بار نفر دوم مملکت از شهر مراغه انتخاب شد؛ سال ۱۳۲۲ زمانی که اوج درگیری و اختلاف ایران و روسیه بر سر فرقه دموکرات بود، محمد ساعد مراغه‌ای که روابط خوبی با شوروی داشت، به‌عنوان نخست وزیر ایران انتخاب شد. ساعد یکبار دیگر در سال ۱۳۲۷ نخست‌وزیر شد. ۷۳ سال بعد همشهری محمد ساعد تلاش می‌کند تا رکورد مراغه را بکشند تا برای بار سوم نفر دوم مملکت از آن شهر برخیزد. همشهری محمد ساعد، محسن مهرعلیزاده است که برای بار دوم بخت خود را برای رسیدن به صندلی رئیس‌جمهوری می‌آزماید.

نسلی که با پاترول‌های سبز رشد کرد!

از مدیران جمهوری اسلامی آن بخشی که عضو «کمیته انقلاب اسلامی» یا «جهاد سازندگی» بودند، عمدتاً سرنوشت شیرینی داشتند و به بالاترین مناصب هم رسیدند؛ این نسل همان نسلی بود که شاکله مدیران جمهوری اسلامی بودند؛ نسلی که تصویر ۴۰ سال پیش آنها با اندیشه‌های امروزشان از زمین تا آسمان تفاوت دارد. آنها در سال‌های پایانی دهه ۵۰ و دهه ۶۰ سوار بر پاترول‌های سبزرنگ در خیابان‌ها مراقب این بودند که مبادا تار مویی بیرون بیفتد. یکی از همین افراد محسن مهرعلیزاده بود که در ۲۲ سالگی هنگامی که هنوز در مراغه بود، کمیته انقلاب اسلامی را راه‌اندازی کرد و هم‌زمان در جهاد سازندگی و سپاه پاسداران فعالیت می‌کرد. کمیته انقلاب نخستین سازمان نظامی پس از انقلاب ایران تأسیس شد و در دسر بزرگی برای دولت مهندس بازگران به شمار می‌رفت؛ چه آنکه بدون توجه به دولت

صنایع سنگین بود، مهرعلیزاده هم حضور داشت و به مناصبی همچون مدیر بهره‌برداری گروه خودرو سازمان گسترش و نوسازی صنایع و عضو هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی ایران نیز شد.

همین رابطه با بهزاد نبوی باعث شد مهرعلیزاده آهسته‌آهسته به سمت جریان خط امام یا اصلاح‌طلبان سال‌های بعد گرایش پیدا کند. نیروهای خط امام در این سال‌ها به دو گروه تقسیم می‌شدند؛ دسته اول سیاسیون بودند که از طریق ارتباط نزدیکشان با بیت آیت‌الله خمینی، تئوری‌ها و ایدئولوژی‌های خود را در جمهوری اسلامی بسط می‌دادند. دسته دوم نیروهای تکنوکرات و فنی بودند که بر پایه ارتباطشان با گروه اول رشد می‌کردند. مهرعلیزاده در آن سال‌ها نه سررشته‌ای از ایدئولوژی‌های سیاسی بود و نه توان بازی‌سازی در جمهوری اسلامی داشت بنابراین ارتباطات خود را آن‌قدر با گروه نخست حفظ کرد تا دست‌کم بتواند به‌عنوان یک مدیر میانی تکنیکال جایگاه خود را در دولت حفظ کند.

شانس پیوند با چریک پیر

مهرعلیزاده در تمام سال‌های دولت میرحسین موسوی در همان حوزه‌ای که بهزاد نبوی مسئولیت داشت، ماند و با آغاز دولت هاشمی رفسنجانی از فعالیت‌های خودروسازی فاصله گرفت و به حوزه دیگر رفت. مهرعلیزاده در سال‌های ابتدایی انقلاب فوق‌لیسانس و دکترای خود را در مدیریت مالی گرفته بود و اکنون او از نسل دکترهای جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت که هم‌پیوندهای مناسبی با جریان خط امام داشت و هم به‌واسطه خاستگاه ترکی‌اش می‌توانست پیشرفت خوبی داشته باشد؛ باین‌حال مهرعلیزاده هیچگاه به یک مدیر درجه یک در جمهوری اسلامی تبدیل نشد. شاید بتوان دلیل این مسئله را در روحیه محافظه‌کارانه او جستجو کرد؛ چه آنکه نه پیوندهای سیاسی او به اندازه‌ای بود که بتواند مانند چهره‌های همچون نبوی تأثیرگذار باشد نه شم سیاسی‌اش این اجازه را می‌داد، به همین دلیل او همواره در نقش یک مدیر سربراه بوده که اندک گرایشی هم به اصلاح‌طلبان داشته است.

در دولت هاشمی رفسنجانی، مهرعلیزاده بزرگ‌ترین مقام خود تا آن سال‌ها را به دست آورد و برای نخستین‌بار رئیس هیئت‌مدیره یک مجموعه استراتژیک در ایران شد. طرح مناطق آزاد از ابتدای دهه ۶۰ روی میز دولت قرار گرفته بود اما حکومت انقلابی چنین طرحی را لیبرالی می‌خواند و یک دهه با آن مخالفت کرد و بالاخره با روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی و آغاز سیاست‌های تعدیل، نیاز به همان نسل مدیران سربراه بود که سیاست‌های اقتصادی لیبرالیسم را در ایران پیاده کنند. تأسیس مناطق آزاد یکی از همین سیاست‌ها بود و مهرعلیزاده نیز از مناسب‌ترین گزینه‌ها بود که بی‌چون‌وچرا مناطق آزاد را گسترش دهد. سال

۶۹ او به ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعاملی سازمان عمران کیش منصوب شد. خودش می‌گوید جزیره کیش کنونی حاصل اقدامات اوست. در واقع در آن سال‌ها وام‌های بسیاری به افراد مختلف داده شد تا با همان وام‌ها کیش را بسازند؛ این همان سیاست لیبرالیسمی بود که مدنظر هاشمی رفسنجانی بود؛ اموال دولت به افراد مختلف داده شود تا آنها به اسم خصوصی‌سازی توسعه کشور را پیش ببرند.

هم‌زمان با طرح توسعه مناطق آزاد، طرح انرژی اتمی بود که در حکومت پهلوی پایه‌گذاری شد و چند سال ابتدای انقلاب متوقف بود و بالاخره در دولت هاشمی رفسنجانی با جدیت بیشتری پیگیری شد. مهرعلیزاده پس از دو سال حضور در مناطق آزاد، در دوره ریاست رضا امراللهی به سازمان انرژی رفت و دو سالی هم آنجا ماند. اطلاعات



مهرعلیزاده هیچگاه به یک مدیر درجه‌یک در جمهوری اسلامی تبدیل نشد. شاید بتوان دلیل این مسئله را در روحیه محافظه‌کارانه او جستجو کرد؛ چه آنکه نه پیوندهای سیاسی او به اندازه‌ای بود که بتواند مانند چهره‌های همچون نبوی تأثیرگذار باشد نه شم سیاسی‌اش این اجازه را می‌داد، به همین دلیل او همواره در نقش یک مدیر سربراه بوده که اندک گرایشی هم به اصلاح‌طلبان داشته است.

چندانی از فعالیت مهرعلیزاده در آن سال‌ها در دست نیست و باتوجه‌به اینکه انرژی اتمی در دولت خاتمی محل مناقشه ایران و غرب شد، بعید است در سال‌های حضور او اتفاقی در آن مجموعه افتاده باشد که او را با اسرار جمهوری اسلامی پیوند داده باشد؛ از این‌جهت مهرعلیزاده را باید در شمار مدیرانی به‌حساب آورد که هیچگاه نتوانستند خود را به‌عنوان حلقه اول خودی‌های حکومت نزدیک کنند.

مهرعلیزاده پس از دو سال حضور در سازمان انرژی اتمی به شرکت سرمایه‌گذاری شاهد رفت و مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره شد. شرکت شاهد شرکتی بود که سال ۶۳ افزایش تعداد جان‌باختگان جنگ، برای خدمات‌رسانی به خانواده شهیدان جنگ ایران و عراق تأسیس شده بود. این شرکت زیرمجموعه بنیاد شهید بود و در سال‌های بعد توانست بانک دی و بیمه دی را نیز تأسیس کند. مهرعلیزاده تا سال ۷۶ در شرکت شاهد ماند و با روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی، استانداری استان خراسان را به او سپردند. مهرعلیزاده در طول دولت نخست خاتمی در خراسان ماند اما در دولت دوم موقعیتی بهتر یافت و به ریاست سازمان تربیت‌بدنی منصوب شد و ارتباط بیشتری با مردم پیدا کرد. همین ارتباطات بود که این تصور را در او ایجاد کرد

که به ناگاه از سطح مدیریت میانی می‌تواند به قامت یک رئیس‌جمهور تبدیل شود.

بازگشت «نابخشوده» با حکم حکومتی

اردیبهشت سال ۸۴ محسن مهرعلیزاده از جمله سیاستمدارانی بود که شناسنامه به دست به خیابان فاطمی رفت تا برای ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کند. هفته بعد وقتی نام ۵ نفر تأیید صلاحیت شده منتشر شد، مهرعلیزاده در میان آنها نبود اما درخواست مهدی کروبی به رهبر ایران باعث شد برای نخستین‌بار در انتخابات ریاست‌جمهوری حکم حکومتی صادر شود. همین حکم باعث شد نام مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده نیز به جمع کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری اضافه شود. سال ۸۴ اصلاح‌طلبان چهار دسته شدند؛ حزب کارگزاران و اعتدال و توسعه از هاشمی رفسنجانی حمایت کرد. مجمع روحانیون مبارز پشت مهدی کروبی ایستاد. جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب و نهضت آزادی حامی مصطفی معین شد. برخی از اصلاح‌طلبان ترک‌زبان هم پشتیبان محسن مهرعلیزاده شدند. باین‌ترتیب رأی اصلاح‌طلبان میان چهار گروه تقسیم شد و انتخابات به دور دوم کشیده شد.

اصلاح‌طلبان هیچگاه چهره‌هایی که باعث تشتت آرای انتخابات سال ۸۴ شد نخواستند و مهرعلیزاده نیز از آن سال همواره در مظان اتهام بوده که اگر چه با تشکیلات اصلاح‌طلبی رشد کرده، اما به آنها وفادار نبود. اگر این تشتت آرا نبود، هاشمی رفسنجانی با رأی اول راهی پاستور می‌شد و انتخابات به دور دوم کشیده نمی‌شد. مهرعلیزاده در آن سال در سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی بهترین رأی را کسب کرده بود.

مدیری که پایش به زندان باز نشد!

از سال ۸۴ مهرعلیزاده یکبار دیگر به بنیاد شهید بازگشت. او که سابقه مدیریت شرکت شاهد بنیاد شهید را داشت، این بار به شرکت کوثر رفت. شرکت کوثر یکی از بزرگ‌ترین زیرمجموعه‌های اقتصادی بنیاد شهید بود که در واقع قرار بود هلدینگ‌های مالی بنیاد را یکپارچه کند. مهرعلیزاده تا سال ۸۸ در شرکت کوثر فعالیت کرد و در همان سال‌ها سنگ بنای تأسیس یک بانک و یک بیمه را ریخت و به‌این‌ترتیب بانک و بیمه دی سال ۸۸ تأسیس شد و مهرعلیزاده نیز از ابتدا تا سال ۱۳۹۲ به‌عنوان مؤسس و رئیس هیئت‌مدیره هر دو مجموعه حاضر شد. این دوره عجیب‌ترین دوره فعالیت این و مجموعه است و بزرگ‌ترین اختلاس‌های بانکی در بانک دی و بیمه دی در این دوره رخ داده است. میزان فساد در زیرمجموعه‌های بنیاد شهید آن‌قدر زیاد بود که مجلس نهم طرح تحقیق و تفحص از بنیاد شهید را کلید زد. علیرضا خجسته که مسئول تفحص بود در این باره گفته گزارشی ۳۰ هزار صفحه از تخلفات بنیاد شهید به

شش‌دانگ اصلاح‌طلب است (همچون جهانگیری) که بتوان او را رقیب اصلی اصول‌گرایان خواند نه مدیر جریان‌ساز و رده‌بالای جمهوری اسلامی بوده (همچون علی لاریجانی) که بتوان او را نماد مدیریت خواند و در مقابل ابراهیم رئیسی قرار داد. تنها شانس مهرعلیزاده این است که با جملات پراکنده شرایطی برای خود مهیا کند که منجر به حمایت اصلاح‌طلبان از او بشود. البته او چنین کرده و تاکنون بیشترین بازخوردها در شبکه‌های اجتماعی از جملات او بوده است. «سندرم پست بی‌قرار»، «۶ کلاس سواد رئیسی»، «صداوسیما عشقی» و ... هشتگ‌هایی بوده که از سخنان مهرعلیزاده گرفته شده است. او تاکنون تلاش کرده که بتواند بر تحریم انتخابات اثر بگذارد و «نه به جمهوری اسلامی» به «نه به رئیسی» تبدیل کند. مناظره سوم آخرین فرصت او بوده است و از این‌پس تا چند روز دیگر او باید منتظر باشد تا بتواند آرای خاکستری را جذب کند و با افزایش مشارکت مردم در انتخابات، رأی خود را ترمیم کند.

مهرعلیزاده خود را همچون سید محمد خاتمی می‌داند و تصور می‌کند اگر سال ۷۶ تمام ارکان حاکمیت با ناطق نوری بود اما خاتمی پیروز شد، این بار اوست که می‌تواند تاریخ‌سازی کند اما مشکل اینجاست که نه افکار عمومی و نه اصلاح‌طلبان، او را به‌عنوان اصلاح‌طلب نمی‌شناسند. اصلاح‌طلبان معتقدند انتخابات ۱۴۰۰ برنامه‌ریزی و مهندسی شده تا رئیسی به پاس‌تور برود بنابراین بهتر آن است که تمته اعتبار خود را صرف گزینه دست‌چندی نکنند که پیوندی با اصلاحات ندارد.

مهرعلیزاده اما با یک مشکل بزرگ دیگر مواجه است. بخشی از اصلاح‌طلبان (حزب کارگزاران) از عبدالناصر همتی حمایت می‌کنند. تجربه سال ۸۴ نیز نشان داده در شرایطی که رقیب بهترین وضعیت را دارد، کثرت کاندیداها به صلاح نیست، حتی اگر آنها دو نفر باشند. این یعنی در روزهای آینده یکی از دو گزینه مهرعلیزاده و همتی به نفع دیگری کنار خواهند کشید. در آن صورت با رأی محسن رضایی و سعید جلیلی از یک‌سو و تجمع آرای همتی و مهرعلیزاده از سوی دیگر، شاید انتخابات به دور دوم کشیده شود. هرچند چنین احتمالی بسیار پایین است و تمام نظرسنجی‌ها از پیروزی قطعی ابراهیم رئیسی سخن می‌گویند، اما اگر اندکی مشارکت بالا برود، شانس رئیسی بسیار پایین خواهد آمد. به همین سبب است که مهرعلیزاده تمام تلاشش را می‌کند تا بتواند اصلاح‌طلبان را راضی به حمایت از خودش بکند؛ او از خاتمی و میرحسین موسوی می‌گوید؛ گشت ارشاد و فیلترینگ دوره رئیسی را به رخ می‌کشد و حتی در جسورانه‌ترین حمله به رئیس قوه قضاییه می‌گوید ۶ کلاس سواد دارد. کسی توقع چنین حرف‌هایی از مهرعلیزاده ندارد اما او در ۶۵ سالگی همه چیزش را قمار کرده که بتواند دست‌کم انتخابات را به دور دوم بکشد. آیا نفر دوم مملکت برای بار سوم از مراغه خواهد بود؟ فعلاً تمام احتمالات پاسخ به این سؤال را منفی می‌دانند اما اینجا کشور عجیب‌ترین اتفاقات است.

مهرعلیزاده با دو نوه‌اش در وزارت کشور حاضر شد و کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری شد. کسی تصور نمی‌کرد وقتی مهرعلیزاده دو سال قبل برای انتخابات مجلس یازدهم رد صلاحیت شده بود، بتواند برای انتخابات ریاست‌جمهوری تأیید صلاحیت خود را بگیرد. مهرعلیزاده در حقیقت محافظه‌کارترین اصلاح‌طلبی بود که می‌توانست تأیید صلاحیت شود اما وقتی دیگران اصلاح‌طلبان رد صلاحیت شدند، او تلاش کرد بتواند از آرای آنها استفاده کند و توییت «اصلاحات زنده است تا ایران زنده است» را با هشتگ‌های اسامی دیگر رد صلاحیت شدگان اصلاح‌طلب (اسحاق جهانگیری، مسعود پزشکیان، مصطفی تاجزاده، محمد شریعتمداری و زهرا شجاعی) منتشر کرد.



اصلاح‌طلبان هیچگاه چهره‌هایی که باعث تشمت آرای انتخابات سال ۸۴ شد نبخشیدند و مهرعلیزاده نیز از آن سال همواره در مظان اتهام بوده که اگرچه با تشکیلات اصلاح‌طلبی رشد کرده، اما به آنها وفادار نبود. اگر این تشمت آرا نبود، هاشمی رفسنجانی با رأی اول راهی پاس‌تور می‌شد و انتخابات به دور دوم کشیده نمی‌شد.

شانسی به نام مهندسی انتخابات

مهرعلیزاده خودش هم تصور نمی‌کرد تأیید صلاحیت شود، اما ظاهراً «مهندسی انتخابات» این فرصت را به او داد تا بتواند به‌عنوان تنها کاندیدای اصلاح‌طلب در انتخابات ظاهر شود. باین‌حال او اقبال حمایت احزاب اصلاح‌طلب را نیافت. در میان احزاب موجود، فقط حزب راه ملت او را به‌عنوان کاندیدا معرفی کرده که در میان اعضای آن هیچ چهره مشهوری وجود ندارد.

تأیید صلاحیت در انتخابات ریاست‌جمهوری این شانس را به کاندیداها می‌دهد که بخشی از تاریخ جمهوری اسلامی باشند کما‌آنکه شانس حضور در مناظره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری شانسی نیست که نصیب هر کس بشود. مهرعلیزاده با آنکه حمایت رسمی هیچ حزب اصلاح‌طلبی را نداشت، تلاش کرد در مناظره‌ها خوش بدرخشد و شعاریایی از خواست‌های اصلاح‌طلبان سر دهد تا آنکه بتواند حمایت آنها را جلب کند. در کنار آن، او با حملات مستقیم به ابراهیم رئیسی فضا را به سمتی برد تا این تصور ایجاد شود که دوقطبی اصلی میان او و رئیسی است. اما کمتر مخاطبی توانسته چنین دوقطبی را باور کند زیرا خاستگاه و سابقه مهرعلیزاده به‌گونه‌ای بوده که او نماد هیچ چیزی نیست. مهرعلیزاده نه گزینه

آملی لاریجانی رئیس وقت قوه قضاییه داده شده است. بنیاد شهید یکی از مهم‌ترین نهادهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بود و با آنکه یک سال انزوی مجلس برای تحقیق و تفحص گرفته شد، اما در نهایت تصمیم بر این شد که متن گزارش تحقیق و تفحص از بنیاد شهید در صحن علنی قرائت نشود و پرونده بدون قرائت در صحن، به قوه قضاییه ارسال شد. بخش عمده گزارش تحقیق و تفحص درباره تخلفات در بانک دی و بیمه دی بوده است و احمد شفیعی‌زاده هم مدیرعامل بانک دی بود، مدتی به زندان رفت. مهرعلیزاده در آن سال‌ها رئیس هیئت‌مدیره بود و باین‌حال پای او به دادگاه باز نشد.

دولت مستعجل اصفهان

با پیروزی روحانی در سال ۹۲ تصور می‌رفت که مهرعلیزاده پست خوبی به دست بیاورد؛ چه آنکه او به همراه چهره‌هایی همچون عبدالعلی‌زاده و پزشکیان در استان‌های ترک‌زبان برای روحانی تبلیغ زیادی کرده بود. اما در دولت اول او سهمی نگرفت و سال ۹۶ با آغاز دولت دوم روحانی هنگامی که می‌خواست در انتخابات شورای شهر تهران شرکت کند، به او پیشنهاد استانداری اصفهان داده شد. مجلس دهم در آن سال طرح ممنوعیت حضور بازنشستگان را تصویب کرد و با تصویب این طرح، مهرعلیزاده بیش از یک سال نتوانست در اصفهان دوام بیاورد و کنار گذاشته شد.

اعتراضات عمومی که دی‌ماه ۹۶ در مشهد آغاز شده بود، چند روز بعد به اصفهان رسید و شهرهایی همچون قهدریجان در این استان بسیار شلوغ شد. مهرعلیزاده در این دوره استاندار اصفهان و رئیس شورای تأمین استان بود. آنچه از مدیریت او در ذهن باقی‌مانده، مدیریت اعتراضات با مامشات نبود تا یکی از سخت‌ترین سرکوب‌های ایران در اصفهان رخ دهد. از دیگر اعتراضات مهم مردمی در استان اصفهان در دوره مهرعلیزاده در ورزش‌انجام شد و با آنکه او وعده داده بود مشکل آب را حل خواهد کرد، اما چنین نشد و عمر یک‌ساله و نیمه مدیریت او در اصفهان به حل مشکلات عمده آنجا نینجامید.

اصلاح‌طلبان اصفهان نیز رضایت چندانی از مهرعلیزاده نداشتند و آنها منتقد بودند که چرا نیروهای اصلاح‌طلب در استان به کار گرفته نشدند. مهرعلیزاده با همین رزومه اصفهان را در حالی ترک کرد که هم معاونش به‌خاطر فساد مالی برکنار شده بود و نتوانست رزومه مدیریتی برای خود دست‌وپا کند و هم اصلاح‌طلبان از پایان فعالیت او خشنود بودند.

به‌جای اصلاح‌طلبان من آمده‌ام ...

در سال‌های بازنشستگی درحالی که او مسئولیت فدراسیون ورزش‌های زورخانه‌ای را برعهده داشت، خبری دیگری از او نبود تا ناگهان ۲۳ اردیبهشت درحالی که ساعت‌های پایانی ثبت‌نام بود، محسن

جنگ بی‌پایان، تقلای خریداران مسکن برای سبقت از یکدیگر



که حتی قیمت پیشنهادی دو مشتری یکسان باشد آن کسی را انتخاب خواهند کرد که پیش شرط تعیین نکرده باشد یا وامش بدون هیچ گونه بند و تبصره تایید شده باشد. خریداران چنان از رقابت و جنگ با سایر خریداران مستاصل شده اند که حتی در برخی موارد حاضرند در صورت قبولی پیشنهادشان از بازرسی فنی خانه نیز چشم پوشی کنند. یعنی به درجه ای از درماندگی رسیده اند که حاضرند خطر و زیان ناشی از ایرادهای اصلی و فنی خانه را به هر قیمتی به جان بخرند.

مقررات در مورد مزایده کور و اشکال مشابه آن در هر استان متفاوت است. به عنوان مثال در استان اتارویو خریدار می‌تواند حداقل از تعداد رقبا مطلع شود ولی همین اطلاعات پیش‌پافتاده هم در استان بریتیش کلمبیا در اختیار خریداران قرار نمی‌گیرد. آنچه مسلم است حذف این شکل از معاملات اگر در معقول‌تر شدن قیمت‌ها تأثیر زیادی نداشته باشد ولی حداقل حقوق خریدار ضایع نمی‌شود و خریدار پس از خرید ملک احساس نخواهد کرد پول هنگفتی برای ملکی که آن‌قدرها هم ارزش نداشته هزینه نکرده است.

خریداران در دوران بحرانی کرونا آن‌قدر به خرید مسکن و ملک علاقه‌مند شده‌اند که در رقابت از هیچ‌گونه نوآوری دریغ نمی‌کنند. به‌تازگی برخی از خریداران دست به ابتکار زدند و در پروفایل قیمت پیشنهادی خود نامه‌هایی دوستانه همراه با عکس و حتی فیلم کردند تا شاید با برقراری ارتباط انسانی بین خود و فروشنده وی را ترغیب به انجام معامله کنند. در بازاری که کاملاً به نفع فروشندگان است خریداران چاره‌ای جز جلب توجه فروشنده ندارند. بازار به نفع فروشنده است. فروشندگان که فعلاً کبکشان خروس می‌خواند با آرامش کامل و با دست باز اقدام به انتخاب مشتری می‌کنند. حال آنکه اکثر فروشندگان امروز در زمره خریداران فردا قرار خواهند گرفت و این رقابت تنگاتنگ برایشان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

منبع شبکه‌ی خبری گلوبال نیوز

ولی قیمت نهایی کالا ممکن است به حدی بالا باشد که کمتر کسی انتظار آن را داشته باشد. به‌عنوان مثال در استرالیا که مشخصات و جزئیات فروش ملک پوشیده نیست قیمت منزل نسبت به مقدار مشابه در سال قبل حدود یازده برابر افزایش یافته است. در تحقیقاتی که در مجله اقتصاد مشاوران املاک در سال ۲۰۱۴ به عمل آمد در مزایده یک ملک که به‌صورت شفاف یا اصطلاحاً «باز» رخداده بود با حدود ده درصد گران‌تر به فروش رفت. از طرفی برخی کارشناسان معتقدند مزایده باز به دلیل سرعت بالا عملاً زمان کمتری در اختیار خریدار می‌گذارد تا نتوانند قیمت معقول و مناسب ارائه دهند. اگر به این موضوع به شکل بزرگ‌تر نیز بنگریم، وقتی که یک ملک به هر دلیل بالاتر از قیمت معقول به فروش برسد بدعتی در مناطق هم‌جوار به وجود خواهد آورد. قیمت فروش یک ملک به‌عنوان سنگ میزان برای املاک همسایه به شمار خواهد رفت و این موضوع در تراکنش‌های املاک مجاور نیز بی‌تأثیر نخواهد بود. این پدیده مانند دومینو تمام مناطق اطراف را در بر خواهد گرفت.

مزایده کور قطعاً به ضرر خریدار است ولی از طرف دیگر به ضرر فروشنده نیز خواهد بود چراکه وی پس از فروش خانه در صف خریداران ملکی دیگر قرار خواهد گرفت و همین بلا آنجا بر سرش خواهد آمد. مگر اینکه دیگر قصد خرید نداشته باشد که چنین فروشندگانی درصد بسیار کمی از کل فروشندگان را به خود اختصاص می‌دهند. برندگان اصلی این طرز از معاملات قطعاً مشاوران املاک خواهند بود چراکه قیمت بالاتر به هر دلیل برای آنان درآمد بهتر رقم خواهد زد.

گذشته از مزایده کور، آنچه در این دوران بحران همه‌گیری و جنگ خریداران مسکن بیش‌ازپیش شاهدش هستیم اشتیاق فروشندگان ملک بدون هیچ‌گونه پیش شرط از سوی خریدار یا حتی از سوی بانک تضمین‌کننده معامله است. به علت رقابت شدید و افزایش چشمگیر تعداد خریداران مسکن، فروشنده با در اختیار داشتن اختیار تام در انتخاب خریدار مجاز هستند و طبیعتاً در شرایطی

قیمت مسکن مانند قبل به سمت افسارگسیختگی در حال حرکت است و به‌زودی و با تمهیداتی که تاکنون در نظر گرفته شده حداقل در کوتاه‌مدت بر این مسیر انتهایی قابل‌تصور نیست. یکی از دلایلی که به‌عنوان شتاب‌دهنده قیمت مسکن عنوان می‌شود عاملی به نام «مزایده کور» است. به این معنی که پس از قرار گرفتن ملکی در لیست خرید، خریداران به دلیل عدم شفافیت در قیمت‌گذاری و از بیم جاماندن از صف طولانی خریداران دیگر و برای تضمین برد خود در مزایده، قیمت‌هایی بالاتر از حالت معمول ارائه می‌کنند به این امید که بتوانند سایرین را در مزایده شکست دهند. این قیمت‌ها در برخی موارد چنان بالاست که حتی توجیه پذیری اقتصادی خرید ملک موردنظر را زیر سؤال می‌برد. گاهی این اختلاف قیمت چنان بالاست که خود فروشنده هرگز به خواب هم نمی‌دید. حال برخی از کارشناسان معتقدند با حذف یا کنترل مزایده کور می‌توان تا حدی از افزایش بی‌دلیل قیمت املاک جلوگیری کرد. به‌عنوان مثال دولت استانی در استان بریتیش کلمبیا قصد دارد با بازنگری شرایط مزایده مسکن از حقوق مصرف‌کنندگان و خریداران حمایت کند. از اینکه این طرح چه زمان و چگونه عملی شود هنوز اطلاعی در دست نیست.

از ماه مارس امسال تقریباً در سراسر کانادا بازار مسکن از حالت «داغ» خارج شده است و امید است معاملات کم‌کم به حالت قبل برگردند. بدین معنی که تعداد تراکنش‌های ملکی رو به کاهش است. ولی با این وجود اگر کسی قصد فروش داشته باشد با صفی از خریداران مشتاق مواجه خواهد شد. حال سؤال اصلی این است که آیا اگر شفافیت در مزایده مسکن رعایت شود و شکل معاملات ملکی از حالت مزایده کور به حالت «مزایده باز» تغییر پیدا کند وضعیت قیمت ملک بهتر و از افسارگسیختگی خارج خواهد شد؟ در شرایط مزایده باز خریداران از قیمت‌های پیشنهادی یکدیگر مطلع خواهند شد ولی تضمینی نیست که قیمت نهایی افزایش نیابد. برای درک بهتر این حالت می‌توان یک حراج عتیقه یا آثار هنری را تصور کرد که در آن قیمت‌ها مشخص هستند



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

• فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف

• جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing

• تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نشر گرفته
خواهد شد

- ✓ جابجایی آسان اسباب منزل
- ✓ جابجایی وسایل و تجهیزات شرکتها و دفاتر کاری
- ✓ جابجایی بین شهری وسایل و تجهیزات
- ✓ جمع آوری و بسته‌بندی وسایل قبل از جابجایی
- ✓ ۲۰۰ انبار در سایزهای مختلف برای نگهداری کوتاه مدت و بلند مدت وسایل مختلف



8660 Jeanne Mance,
Montreal (QC) H2P 2S6
514 939 0099
514 939 9939

info@pannetonpanneton.com

HYDROWISE

شرکت هایدرووایز

احداث و زیباسازی فضای سبز

- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم آبیاری اتوماتیک فضای سبز
- آسفالت ورودی گاراژ و سنگ کاری پیاده‌روهای حیاط و باغچه
- نصب، تعمیر و نگهداری سیستم نورپردازی فضای سبز
- کاشت چمن
- تنها تامین‌کننده کود طبیعی چمن (باپوزیست Biofertilizer) در کانادا

(514) 707 4767
INFO@HYDROWISE.CA
WWW.HYDROWISE.CA

ارزیابی رایگان

صرافی موندیال الیت

با هم نیرومندتریم

ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه، بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

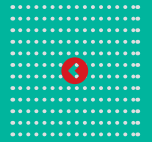
یحیی هاشمی **بیژن احمدی**
(514) 989 2229 (514) 937-5192

MondialElite Exchange

1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4



جامعه



info@hafteh.ca | www.hafteh.ca

هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
@Journal_Hafteh @HaftehWeekly

پیامدهای انتخابات ایران؛ افزایش پناهندگی و دشواری مهاجرت به کانادا

گزارش هفته از دیدگاه‌های شهروندان ایرانی کانادا درباره پیامدهای انتخابات ۱۴۰۰



نگرانی ایرانیان کانادا درباره اتفاقات داخل ایران مینو ساکن استوفیل تورنتو حدود ۵۰ سال است که از ایران خارج شده و از طریق اخبار تلویزیون و رادیو مسائل ایران را دنبال می‌کند. او به خبرنگار هفته می‌گوید: "هیچ وابستگی و دل‌بستگی در ایران ندارم چون تمامی خانواده من اینجا هستند ولی دوستانی دارم که تازه‌وارد کانادا شده‌اند. زندگی آنها همچنان به شرایط داخلی ایران مرتبط است؛ مثلاً اتفاقاتی در داخل ایران باعث بالا رفتن قیمت دلار می‌شود که واقعاً برای آنها ناراحت‌کننده است."

محافظه‌کاری در اظهارنظرها کار تهیه این گزارش را سخت می‌کرد اما در نهایت چند نفر حاضر شدند به پرسش‌های هفته پاسخ بدهند.

جمع‌بندی این دیدگاه‌ها عبارت است از اینکه انتخابات و اتفاقات سیاسی در ایران تأثیر مستقیم مادی و روانی بر زندگی ایرانیان کانادا دارد از جمله، افزایش قیمت دلار، ایجاد تغییر جدی در وضعیت دانشجویان، افزایش نگرانی برای کسانی که نزدیکانشان در ایران زندگی می‌کنند، دشواری گرفتن انواع ویزا و مهاجرت به کانادا و...

انتخابات ریاست جمهوری ایران روز ۲۸ خردادماه سال جاری برگزار خواهد شد. این انتخابات تا قبل از آنکه به نقطه برگزاری برسد، حواشی زیادی به همراه داشته است؛ از رد صلاحیت چهره‌های وفادار به نظام جمهوری اسلامی تا پیش‌بینی مشارکت بسیار پایین توسط مراکز نظرسنجی. این انتخابات می‌تواند بر زندگی ایرانیان کانادا نیز از جهت‌های مختلف تأثیرگذار باشد. برای بررسی بیشتر این موضوع به سراغ اقشار مختلف جامعه ایرانیان در تورنتو رفتیم و دیدگاه‌های آنها را جویا شدیم. البته اصرار بر پنهان ماندن نام و

او ادامه می‌دهد: «اگر افرادی که در ایران در رأس امور هستند با عشق و علاقه به مردم و با در نظر گرفتن خدا خدمت کنند شرایط بهتری برای مردم ایجاد می‌شود. در کانادا دولت به مردم از هر سن و شغل و مذهبی و ... احترام می‌گذارد و همه چیز بر پایه احترام و مهربانی بنیاد شده است. در این چندین سال که در کانادا زندگی می‌کنم راستی و احترام به مردم و محبت از مسئولان کانادا باعث دلگرمی برای مشارکت من و خانواده‌ام در مسائل داخلی کانادا شده است.»

مینو با ناراحتی می‌گوید: «هیچ رشدی در ایران نیست و سایه ترس و فقر چه در اقتصاد و فرهنگ و اجتماع به‌وضوح دیده می‌شود. امیدوارم شرایط برای مردم ایران بهتر شود و گرانی‌ها و فشارهای موجود از بین برود.»

ناهد از ساکنان منطقه ریچموند هیل است و درباره شرایط و اتفاقات کشور می‌گوید که جریان‌های داخلی حتماً و صد درصد بر زندگی ایرانیان که در کانادا و خارج از ایران هستند تأثیر می‌گذارد و باعث بالا رفتن دلار می‌شود.

ناهد با بیان اینکه به این موضوع که در کانادا نگرانی و مشکل خاصی ندارد، می‌افزاید: «عزیزانی در ایران دارم که این افزایش قیمت دلار و اتفاقات اقتصادی و سیاسی تأثیرات منفی در زندگی و کار آنها دارد و متأسفانه هر روز شاهد رشد بی‌رویه گرانی و فقر و فساد هستیم.»

ناهد در پاسخ به پرسش خبرنگار هفته درباره پیامدهای منفی یا مثبت انتخابات در ایران بر وضعیت اقتصادی اعضای جامعه ایرانیان کانادا می‌گوید: «می‌دانم که هر اتفاق داخلی باعث استرس و نگرانی ایرانیان مقیم کانادا می‌شود و من بیشتر ناراحت دانشجویانی هستم که با سختی اینجا درس می‌خوانند. ایران همچنان برای من مهم است؛ من به هر طریقی سعی می‌کنم به هم‌وطنانم در ایران کمک مالی می‌کنم چون در جریان اخبار و حوادث هستم و می‌دانم که چقدر مردم در فشار هستند.»

افزایش پناهندگی دانشجویان ایرانی

عارف دانشجوی دانشگاه واترلو است و در منطقه وان تورنتو زندگی می‌کند و مشغول به تحصیل و کار است. او می‌گوید: «به این خاطر از ایران خارج شدم که بتوانم اینجا درس بخوانم و پس از پایان تحصیل در اینجا بمانم زیرا از بهبود شرایط کشورم ناامید هستم و همین موضوع علت اصلی مهاجرت من است.»

عارف ادامه می‌دهد: «شرایط کشورم و عزیزانم برای من مهم است و با توجه به اینکه در ایران زندگی کرده‌ام می‌دانم مشکلات مالی فشار زیادی به مردم وارد

کرده است اما این تنها یک‌طرف قضیه است و برکنار مسائل مالی و فقر ما مشکلات فرهنگی و اجتماعی هم داریم که همه دست‌به‌دست هم داده و زندگی در ایران را طاقت‌فرسا کرده است.»

عارف می‌افزاید: «دوستانی در کانادا دارم که تمامی هزینه‌های تحصیل و زندگی‌شان از طریق خانواده‌شان در ایران تهیه می‌شود و شرایط و اتفاقات در ایران بر بالا و پایین شدن قیمت دلار تأثیر دارد. این دوستانم با استرس و نگرانی درس می‌خوانند و حتی بعضی از دانشجویان مجبور به پناهندگی شده‌اند تا برای امرار معاش فشاری به خانواده‌های خودشان نباشد.»

دشوار شدن گرفتن ویزای کانادا برای ایرانیان

پریا اسکویی از مشاوران شناخته‌شده مهاجرت در تورنتو معتقد است شرایط اقتصادی و سیاسی ایران و همچنین قیمت دلار تأثیر مستقیم بر مهاجرت ایرانیان و سخت شدن گرفت ویزا کانادا دارد. وی به خبرنگار هفته می‌گوید: «میزان مهاجرت به کانادا در این روزها کمتر شده اما هیچ‌وقت مهاجرت به کانادا آسان نبوده است و فقط در یک مقطعی پس از برجام هم‌وطنانمان توانستند کمی راحت‌تر مهاجرت کنند زیرا کمی سختگیرا از روی دوش ایرانیان برداشته شده بود و قیمت دلار هم پایین بود و آن دید منفی سابق هم به ایران وجود نداشت.»

وی می‌افزاید: «در آن مقطع تغییراتی هم در دولت کانادا ایجاد شده بود و لیبرال‌ها بر سرکار آمده بود و ویزاهای ویزیتوری و دانشجویی تأیید می‌شدند. پایین آمدن نرخ دلار هم باعث شده بود استطاعت مردم برای سفرهای خارجی امکان‌پذیر شود به‌طوری‌که در اواخر سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸ هر کسی برای ویزا اقدام می‌کرد پس از بررسی دولت و بر اساس توان مالی می‌توانست ویزای موقت بگیرد. در مهر و موم‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ تعداد کسانی که در کانادا پناهنده شدند کمتر بود اما در سال ۲۰۱۹ این آمار به ۴۰۰۰ نفر رسید و این افزایش پناهندگی دلیلی شد که دولت کانادا سختگیری‌های بیشتر شود و از اواخر ۲۰۱۸ ویزاهای دانش‌آموزی و ویزیتوری هم‌وطنانمان خیلی کم شد تا به‌جایی رسید که از هر ۱۰۰ متقاضی فقط ۲۰ نفر قبول می‌شدند.»

پریا اسکویی در ادامه می‌گوید: «افزایش نرخ دلار و تحریم‌ها و پناهندگی‌ها تأثیر منفی بر ویزاهای موقت و دائم گذاشته است و حتی ویزاهای دائم هم به سختی واجد شرایط می‌شوند.»

وی همچنین اشاره می‌کند یکی از دلایل رد شدن خیلی از ویزاها بالا رفتن قیمت دلار به علت شرایط داخل کشور است و مثلاً مسئولان کانادایی از چند

نرخ‌های بودن ارز دلار و تفاوت قیمت دلار آزاد و دولتی خبر دارند و همین شرایط باعث شده ایرانی‌ها به‌سختی بتوانند ویزا کانادا دریافت کنند.

حمیدرضا عظیمی از دیگر مشاوران باسابقه مهاجرت در نورت یورک تورنتو نیز به خبرنگار هفته می‌گوید: «تغییرات داخلی ایران باعث مهاجرت زیاد جوانان نخبه، تحصیل کرده و متخصص شده است که متأسفانه در ایران بیکار هستند و به علت عدم قابلیت جذب آنها در بخش‌های مختلف به مهاجرت روی می‌آورند.»

عظیمی می‌افزاید: «البته با افزایش قیمت دلار به‌طور حتم مهاجرت کمتر می‌شود و حتی ممکن است افراد متقاضی مهاجرت قدرت خرید بلیت هم نداشته باشند.»

عظیمی بر اساس مشاهده‌ها و اطلاعاتش می‌گوید سیل پناهندگی ایرانیان با ویزای دانشجویی و ویزیتوری در کانادا معضل بزرگی برای گرفتن ویزا کانادا برای ایرانیان ایجاد کرده و دولت کانادا به‌سختی به آنها ویزا می‌دهد.

شرایط کار صرافی‌ها هم سخت شده است

جواد از صرافی‌های فعال در تورنتو می‌گوید که شرایط داخل ایران بر کسب‌وکار او تأثیر دارد. وی بر این باور است که دولت ایران با افزایش قیمت دلار و نوسانات آن حقوق کارمندان و کارکنان خود را تأمین می‌کند و می‌گوید: «شرایط داخلی و تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی باعث شده مردم زندگی سختی داشته باشند. با وجود این مشکلات مردم از سر و کول هم بالا می‌روند تا دلار بخرند و منتظر هستند تا این دلار یا درهم را با قیمت بالا بفروشند. خیلی‌ها زندگی خود را این‌گونه می‌گذرانند.»

این صراف با سابقه تأکید می‌کند که تحریم‌ها و کرونا تأثیر زیادی بر قیمت دلار و همچنین افزایش تورم چشمگیری در ایران داشته است. او بایان مثالی می‌گوید: «یکی از مشتری‌های او در سال گذشته دلار را ۹۲۰۰ دریافت کرده اما اکنون برای دریافت دلار با رشد ۱/۵ درصد یا حتی بیشتر قیمت دلار مواجه است.»

جواد در پاسخ به این سؤال که شرایط فعلی چه تأثیری بر کسب‌وکار او داشته می‌گوید: «رقابت در کار ما زیاد است و ما باید تلاش زیاد کنیم تا بتوانیم هزینه‌ها کارمندان و اجاره مغازه و مالیات را پرداخت کنیم. ما در کانادا مالیات‌های سنگینی پرداخت می‌کنیم. ما از سال ۲۰۰۳ هیچ حسابی بانکی برای صرافان در کانادا نداریم و بانک‌ها با ما همکاری ندارند. هیچ امنیتی در کار ما وجود ندارد چون هیچ صنف یا اتحادیه‌ای نه در ایران و نه در کانادا نداریم که ما را حمایت کنند.»



بخش «خوانندگان» هفته متعلق به خوانندگان است. تنها محدودیت انتشار مطالب در این صفحه قوانین کاناداست. سلیقه سردبیر و دست‌اندرکاران هفته در انتشار مطالب در این بخش تاثیری ندارد.

حماس کیست و اهداف آن چیست؟

آزار و اذیت و آپارتاید (تبعیض نژادی) و جنایت علیه بشریت متهم کرد.

کل جمعیت فلسطینی در دنیا ۱۴ میلیون نفر است که تنها ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر آنها در سرزمین فلسطین زندگی می‌کنند. کمی کمتر از ۲ میلیون در نوار غزه که متراکم‌ترین نقطه دنیاست و ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار هم در کرانه غربی زندگی می‌کنند و این نشان می‌دهد تا چه حد این ملت را ازهم‌پاشیده و پراکنده‌اند.

این فجایع دولت اسرائیل یا بهتر بگوییم دول غربی، کوبیدن ساختمان‌های مسکونی با توپ، موشک و دیگر سلاح‌های مرگبار نوین و نیز خفه کردن جوان ۱۴ ساله در خیابان در انتظار عمومی به‌وسیله پلیس اسرائیلی، مرا به یاد هانا آرنت نظریه‌پرداز سیاسی و مفهوم ابتذال با تفسیر او انداخت که حاصل حضور او در دادگاه آیشمن جنایتکار بزرگ نازی‌ها است. آیشمن به تمام اعمال ضدانسانی و جنایت‌بار خود پوشش وطن‌پرستی و اطاعت از قانون می‌داد و آن را اخلاقی و طبیعی جلوه می‌داد. هانا آرنت این پدیده را ناشی از ناتوانی آیشمن از فکر کردن و داوری اخلاقی دانست. طبیعی دانستن فاجعه بزرگ یا کوچک سبب می‌شود مردم در رودروئی با فجایع، قادر به تشخیص خیر از شر نشوند و همه چیز به‌مرور عادی می‌شود و این یعنی همان ابتذال شر.

توضیح:

(۱) یاسر عرفات فرمانده جبهه آزادی‌بخش فلسطین (PLO) و اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل در سال ۱۹۹۳ موفق شدند در یک چارچوب پیمان صلحی که بتواند به حل‌وفصل مناقشه اسرائیل و فلسطین به طور کامل بیانجامد، در شهر اسلو پایتخت نروژ به توافق برسند که بعداً در واشنگتن با امضا رئیس‌جمهور بیل کلینتون، یاسر عرفات و اسحاق رابین استحکام یافت، اما جناح راست و نظامیان با ترور نخست‌وزیر اسحاق رابین به پیمان صلح اسلو پایان دادند.

آسمان آزادی و مبارزاتی مردم به خون نشسته فلسطین بودند.

شیخ احمد یاسین: روستازاده‌ای که وقتی ۶ ساله بود در ساحل نوار غزه هنگام بازی‌های کودکان دچار قطع نخاع شد و برای همه عمر فلج گردید. وی در هنگامه تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ دوازده‌ساله بود که با بدنی رنجور و در صندلی چرخ‌دار (ویلچر)، خانه و کاشانه پدری و مادری را از دست داد و آواره شد و به مبارزه و مقاومت ناگزیر گشت. وی دو بار دستگیر گردید، بار اول ۳ سال و بار دوم ۸ سال شکنجه‌گاه‌های صهیونیست‌ها را از سر گذراند و هر بار که در معاضه اسرا از زندان رها شد، قوی‌تر و مصمم‌تر به مبارزه خود دوام بخشید و با صندلی چرخ‌دار بر سر هر کوی و برزن و مسجدی با بهره‌بردن از قدرت سخنوری خود، مردم را به مبارزه با ظلم و حق‌طلبی فراخواند. او انتفاضه اول را به‌خوبی راهبری کرد و جوانان فلسطینی توانستند با سنگ در برابر سربازان تا دندان مسلح ایستادگی کنند و بالاخره آنان را با بدنامی از غزه بیرون برانند، اما افسوس شیخ یاسین زنده نماند ببیند در انتفاضه دوم جوانان فلسطینی با موشک به‌جای سنگ با اسرائیل مقابله می‌کنند - شیخ یاسین انسانی صلح‌طلب و مردم‌دوست بود و در راه صلح با همتای اسرائیلی و فلسطینی خود خاخام مناخم فورمن در راه پایان‌دادن به تجاوزات دولت صهیونیستی در دست یک مشت نظامی آدمکش تلاش فراوان کردند - شیخ یاسین می‌گفت، مناخم اگر من و تو جای این سیاست‌بازان به قدرت می‌رسیدیم، مشکل خلق‌های مسلمان و یهودی این سرزمین را در یک روز حل می‌کردیم، اما نظامیان اسرائیلی این چهره‌ها را تحمل نمی‌کردند، از این رو شیخ یاسین و ۸ نفر دیگر از همراهان را در یک سحرگاهان از هلیکوپتر با یک موشک ترور کردند، همان‌طوری که پروفیسور هان که خواهان توقف اجرای مواد اعلامیه انگلیسی بالفور و تأسیس اسرائیل شده بود ترور کردند و بسیاری از دیگر انسان‌ها را.

در روز ۲۷ آوریل ۲۰۲۱ دیده‌بان حقوق بشر سازمان ملل در گزارش خود، اسرائیل را به دست زدن به

حماس مخفف عبارت حرکه المقاومه الاسلامیه (جنبش مقاومت اسلامی) است که در سال ۱۹۸۷ شیخ احمد یاسین و همراهانش آن را بنیاد نهادند، زیرا از حکومت خودگردان فلسطین به رهبری محمود عباس (ابومازن) آلوده به فساد کاری ساخته نبود و بعد از امضای صلح بین یاسر عرفات فقید و اسحاق رابین شهید (۱)، این تشکیلات دچار بی‌عملی شده و به فساد کشیده شد. هدف رهبران بنیان‌گذار حماس رسماً آزادی سرزمین‌های اشغالی اعلام گردید. این تشکیلات در انتخابات سراسری سال ۲۰۰۶ پیروز گردید و در شورای قانون‌گذاری فلسطین به حزب حاکم بدل شد. اگر اعتقادی به دموکراسی وجود می‌داشت، قانوناً باید محمود عباس کنار می‌رفت اما چنین نشد و با حمایت دولت‌های غربی و اسرائیل با همه فسادی که کابینه‌اش به آن آلوده بود، در قدرت باقی ماند و از طرف غرب پشتیبانی شد، اما حماس این بی‌قانونی را نپذیرفت و با قیام مسلحانه و پشتیبانی مردم، حکومت خودگردان را از نوار غزه بیرون ریخت (۲۰۰۷). محمود عباس در کناره باختری به حکومتش ادامه داد و به‌وسیله غرب به رسمیت شناخته شد. در همین حال سازمان حماس را که منتخب مردم فلسطین بود، یک سازمان تروریستی نامیدند، همان‌طور که شخصیت‌هایی نظیر نلسون ماندلا، چه گوارا، یاسر عرفات و لومومبا را تروریست نامیده بودند.

محمود عباس ۱۵ سال غیرقانونی با حمایت اسرائیل و غربی‌ها در قدرت ماند و امروز نیز چون پیروزی حماس را قطعی می‌دانند، از انجام آن خودداری می‌کنند.

برای شناختن حماس و ماهیت آن باید قبلاً رهبران و پایه‌گذاران آن را شناخت، برای این کار و به جهت اختصار تنها به معرفی رهبر نظامی - معنوی حماس شیخ احمد یاسین اکتفا می‌کنیم، ضمن این‌که نام دیگر بنیان‌گذاران را فراموش نمی‌کنیم که عبارت‌اند از دکتر ابراهیم الیازوری، شیخ صلاح شهاده، مهندس عیسی النشار، دکتر عبدالعزیز زینسی، علی الفتاح دخان و محمود الزهاده که به منزله ستارگان درخشان



چگونه تاب آوری خود را در شرایط سخت بالا ببریم؟



تجربه‌اندوزی و بارور کردن خود و بالا رفتن خودآگاهی وجود دارد. در بحران‌هاست که افراد خود را بیشتر شناخته و به تغییر در خود و زندگی‌شان پرداخته و کوشا تر شده و مهارت‌آموزی می‌کنند.

بارور کردن تفکرات مثبت

وقتی ما بتوانیم تفکرات منفی‌مان را کنترل کنیم و دنیا و اتفاقات را به‌درستی تحلیل کرده و امیدوارانه برای حل مسائل گام برداریم، صورت‌تر شده و با آرامش و تامل بیشتر از پس مشکلات برواهیم آمد.

عزت‌نفس بالا

اعتمادبه‌نفس و اعتماد به توانایی‌ها و درایت شخصی خود شاخص مهمی از تاب‌آوری است. قبل از تلاش برای حل مسائل، فرد بایستی به خود و توانایی‌هایش باور و اتکا داشته باشد. بدون این باور و اعتماد نمی‌توان گام‌های ضروری را برای رویارویی و حل مسائل برداشت.

بالا بردن هنر تاب‌آوری در کودکان و نوجوانان

به کودکان و نوجوانان بایستی استقلال داده و اجازه داده شود گاهی در شرایط دشوار قرار گیرند. با قراردادن آنها در شرایط استرس‌زا اجازه دهید به سمت حل مسئله رفته و کمی فکر کنند. از این‌که فرزندان گاهی در شرایط دشوار قرار گیرد، نترسید. اجازه بدهید خودشان تجربه کنند. این کار به رشد مهارت‌ها و اعتمادبه‌نفس آنها کمک بزرگی می‌کند.

تغییر صندلی خود

به نقل از اروین یالوم روانپزشک و روان‌درمانگر برجسته آمریکایی، از روی صندلی قربانی بلند شوید و روی صندلی مسئول بنشینید. به محض روبرو شدن با مشکلات خود را قربانی و ضعیف تصور نکنید. وقتی با یک بحران دست به‌گریبانید، خود را فردی مسئول و مشکلات را جزئی از زندگی تصور کنید. به این صورت است که می‌توانید بر شرایط به‌درستی مسلط شوید.

زمان مشکلات به سمت حل مسئله برده و باعث می‌شود صبورانه‌تر عمل کنیم. توصیه‌های زیر در بالا بردن صبوری و تحمل در شرایط بحرانی به ما یاری می‌دهد که بیشتر از گذشته تلاش کرده و تاب‌آوری خود را افزایش دهیم.

افزایش خودآگاهی

با شناخت بیشتر ضعف‌ها و قوت‌های خود به نکات جزئی حساسیت‌های خود پی ببرید. در چه مسائلی توانمند و در چه زمینه‌هایی ناتوانید. خود را بیشتر بشناسید و در زندگی هدف‌گذاری و اولویت‌بندی داشته باشید. داشتن هدف در زندگی و شناخت اولویت‌هایتان شاخص بسیار مهمی در تاب‌آوری است.

پذیرش مشکلات و بحران‌ها به‌عنوان بخشی از زندگی

وجود فراز و نشیب در زندگی غیرقابل اجتناب است. همه انسان‌ها در زندگی لحظات دشواری را تجربه کرده‌اند. ما نمی‌توانیم جلوی اتفاقات و مشکلات و پیش آمدها را بگیریم ولی می‌توانیم ذهنیت و شیوه و راهکارهایمان را در قبال مسائل و مشکلات تغییر دهیم و قبل از هر چیزی تاب‌آوری و تحمل‌مان را بالا ببریم.

افزایش مهارت‌های اجتماعی

ایجاد روابط اجتماعی و ارتباطات مؤثر با اعضای خانواده، اطرافیان و دوستان، عامل مهمی در ایجاد تاب‌آوری است. داشتن شبکه‌های اجتماعی و منابع حمایتی، پذیرش و تحمل ما را در برابر بحران‌ها بیشتر می‌کند. مشورت و کمک‌گرفتن از دوستان، اطرافیان و متخصصان می‌تواند به ما امید بیشتری داده و به حل مسئله نزدیک‌تر کند.

استفاده از مشکلات و چالش‌ها به‌عنوان فرصت

همیشه به یاد داشته باشید که در مشکلات

برای همه ما در زندگی روزهای سخت و طاقت‌فرسایی پیش آمده که بسیار ناراحت، رنجیده خاطر، خشمگین، غمگین و ناامید شده‌ایم. در شرایط سخت و ناگوار واقعاً چه باید کرد؟ چه راهکارهایی وجود دارد که بتوانیم شرایط غیرقابل پیش‌بینی و دشوار را تحمل کرده تا بتوانیم به حل مسئله‌ها برسیم؟

افرادی که تاب‌آوری بالاتری دارند، نگاه مثبت‌تری به زندگی داشته و مشکلات را بخش جدایی‌ناپذیر آن می‌دانند. این افراد انعطاف‌پذیری بالایی دارند و در برابر مشکلات تحلیل منطقی‌تری کرده و راهکارهای کارآمدتری را نیز به کار می‌بندند. مهارت‌های ارتباطی بهتر با دیگران، روابط اجتماعی بیشتر، حس شوخ‌طبعی، اعتمادبه‌نفس بالا، همدلی و صبوری در این افراد بیشتر است و در مهارت‌های مهمی همچون مهارت حل مسئله، مهارت خودآگاهی و مهارت تفکر خلاق قوی هستند.

تاب‌آوری و تحمل شرایط سخت درصدی در سرشت افراد وجود دارد، ولی بیشترین وجه آن آموختنی است و محصول تعامل ویژگی‌های شخصیتی و ذاتی با فاکتورهای محیطی است، به‌طوری‌که آموزش، تمرین، زمان دادن و تجربه‌آموزی در بالا بردن آن نقش بسزایی دارند. بهترین زمان آموزش تاب‌آوری در دوران کودکی و نوجوانی است و از طریق تشویق و حمایت والدین و اطرافیان ایجاد می‌شود، اما در بزرگسالی نیز می‌توان با شناخت این امر و تمرین کردن، آن را در خود بارور کرد.

تاب‌آوری توانایی بیرون آمدن از شرایط سخت یا تعدیل آن است و همچون زرهی فولادی از ما در شرایط سخت و استرس‌زا محافظت می‌کند، ما را رشد داده و انعطاف‌پذیرتر می‌کند. تاب‌آوری ظرفیت افراد برای سلامت، مقاومت و تحمل شرایط سخت است و البته در موقعیت‌هایی که بسیار تنش‌زا هستند، پیچیده‌تر می‌شود.

فرد تاب‌آور در زندگی جسورتر عمل کرده، مسئولیت مسائل و مشکلاتش را خود به‌عهد گرفته و هدفمند و امیدوار است. پذیرش مشکلات و نه انکار و اجتناب از آنها روشی است که ما را در

RE/MAX HAUTE PERFORMANCE

محمود رحیمزاده
مشاور رسمی املاک در مونترال و حومه

هدیه ما به خریداران عزیز: هزینه محضر برای خریداران عزیز رایگان خواهد بود

- خرید و فروش و اجاره املاک
- ارزش گذاری رایگان ملک شما و مشاوره رایگان
- همراهی در نیه بهترین وام بانکی و بازرسی فنی ساختمان

cell.514.677.3900
m.zadeh@remax-quebec.com
Courtier immobilier residentiel

Mahmoud Rahimzadeh

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online با حضوری
با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزنس و اشخاص توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزایی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزنس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9
http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف

saberjalilzadeh@yahoo.ca
514-549-4697



آریانا

info@hafteh.ca | www.hafteh.ca



هفته

www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
@Journal_Hafteh @HaftehWeekly

اشک‌ها و لبخندهای دیدار از وطن

خاطرات سفر به کابل و استقبال اهل فرهنگ از مجله هفته

طیاره نشست کرد و تپش دل‌های ما برای دیدن وطن بیشتر گردید و به میدان هوایی کابل پایین شدیم. دیدن میدان هوایی کابل و داشتن وسایل بسیار ابتدایی آن که حتی با کشورهای همسایه هم برابری نداشت اشک غربت را ناخودآگاه از چشمانم فرو آورد و با خود سوال کردم که اینقدر کمک‌های جامعه جهانی که ارقام زیادی را نشان می‌دهد در چه راهی مصرف شده است، اما مهمان‌نوازی و خوش‌آمد کارمندان میدان هوایی کابل و لباس‌های منظم نظامی افسران امنیتی کابل اعم از زن و مرد شوق‌زده‌ام کرد و در اولین نگاه با یکی از زنان نظامی روبروسی کردم و خواستم تا با ایشان عکس بگیرم اما او معذرت خواست و گفت باید از قبل با مسوول امنیتی میدان تفاهم می‌کردم و اجازه‌نامه‌ای می‌داختم. آن طرف تر خانمی که مسوول تلاشی مسافران بخش انات بود بعد از خوش آمدید گفتن و سلام و احوال‌پرسی با حسرت می‌گفت: «شاید این آخرین سالی باشد که زنان با اینگونه لباس‌های منظم و

ناخودآگاه تپش خاصی داشت و می‌خواستم هر چی زودتر مسوولین پرواز دست به کار شوند و اسناد مسافری را دیده اجازه دخول به طیاره را بدهند. ناگهان یکی از افراد مسوول پیدا شد و با طمطراق صدا زد: «افغان‌ها بدوید که طیاره آماده است!». این جمله مانند زخم شمشیر افکارم را پریشان کرد و به طرف فرد مسوول دویدم و گفتم چی گفتی؟ چرا ما بدویم؟ این خواهش بود و یا امر؟ فرد مسوول شانه‌هایش را بالا انداخت و تصریح کرد: «مهم نیست که امر بود و یا خواهش، عجله کنید که در این پرواز همه سیت‌ها پر هستند.» دلم می‌خواست با او بیشتر بحث کنم تا حدش را بدانم و به احترام مسافران را دعوت کند. والدینم مانع بحث بیشترم شدند و بعد از چک نمودن پاسپورت‌های ما، به طیاره داخل شدیم و ما را به بزنس کلاس که قبلاً ریزرف نکرده بودم دعوت کردند. برایم سوال خلق شد و از مسافرینی که به بزنس کلاس دعوت شده بودند پرسیدم که آیا قبلاً بزنس کلاس را ریزرف کرده بودند و یا خیر؟ بالاخره علت را دانستم. بیشتر مسافران این طیاره را بدون این‌که از قبل تعیین کنند، افغان‌هایی تشکیل می‌داد که از کشور ترکیه دیپورت بودند و سیت‌های ما را به آن‌ها اختصاص داده بودند. با یکی دو فامیلی دیپورت شده که اطفال خورد و ریزه داشتند صحبت کردم. خیلی‌ها می‌سوس و غمگین به نظر می‌آمدند و به گفته خودشان از دل‌هایشان خون می‌بارید. آن‌ها از دولت افغانستان شکایت داشتند که شرایط زندگی را برایشان تنگ ساختند و مجبور شدند تا به صورت غیر قانونی وارد کشور ترکیه شده و از آنجا قصد داشتند تا به اروپا مستقر شوند و در نتیجه کشور ترکیه آن‌ها را دیپورت کرد و اکنون بی‌سرنوشت در حالی که خانه‌هایشان را برای مصارف آمدن به ترکیه در کابل فروخته‌اند؛ دوباره آن‌ها را به افغانستان به طور اجباری می‌فرستند. بالاخره ساعت هفت صبح به وقت کابل



مسوول بخش احصاییه کتابخانه عامه مجله هفته را ثبت و راجستر می‌کند

بعد از گذشت یازده سال دوری از وطن قصد سفر به افغانستان عزیز را کردم و تا هنگام رسیدن تاریخ موعد پرواز هرروز در صدد تهیه کالاهای طفلانه و دخترانه و مواد درسی و قرطاسیه باب به اطفال و دختران جوان از خویش و قوم و اقارب و هموطنانم بودم. چون می‌خواستم به هر طریقی که شده مایه لبخند دختران و اطفال افغانستان باشم. تاریخ موعد رسید و در آسمان‌های خیالاتم به سوی افغانستان عزیز راهی شدم. در میدان هوایی ترکیه نه ساعت توقف داشتیم و بعد از نه ساعت توقف به طرف دروازه‌های تعیین شده که خوش‌خبری پرواز در آسمان‌های افغانستان را می‌داد به حرکت شدیم. تعداد زیادی از افغان‌ها به عجله یکی بکس دستی در دست و یکی هم بکس پشتی در پشت در حرکت بودند. از دور بیرو بار مردم در دهن دروازه و مسیری طیاره ترکیش ایرلین دیده می‌شد. چوکی‌های انتظار تقریباً پر شده بودند و همه منتظر رهنمایی مسوولین پرواز بودند. دلم



نماهایی از بلند منزل‌های کابل



ازدحام موتورها و راه بندان کابل

در روی جاده‌ها تهیه کرده بودیم گذاشته و به آن‌ها تقدیم می‌کردیم و برخلاف دیگران پروگرام عکس گرفتن از آن‌ها را نداشتیم.

رفته رفته روزهای پر میمنت عید پس از بازدید دوستان به خوبی و خوشی گذشت و به اساس وعده‌ای که به مجله هفته داده بودم؛ صندوق مجله‌های هفته را گشودم و در اولین فرصت در موتوری که از قبل به کرایه گرفته بودم به کتابخانه عامه رفتم و پس از نشان دادن کارت خبرنگاری و مجله هفته به منسوبین امنیتی کتابخانه؛ وارد کتابخانه عامه کابل گردیدم. در بخش مجله‌های چاپی افغانستان رفتم و بعد در بخش ریاست کتابخانه عامه در مدیریت عمومی هماهنگی و احصائیه، مجله‌ها را تسلیم کردم که با شادباش و ابزار امتنان ریاست این کتابخانه مواجه گردید و رئیس کتابخانه عامه نامه‌ای رسمی را که بیانگر تبریک‌نامه و ابزار امتنان به دست‌اندرکاران مجله هفته است را تقدیم نمود.

بعد به پوهنتون تعلیم و تربیه کابل و پوهنتون کابل رفتم و بیست جلد مجله هفته را به هریک از کتابخانه‌های این دو پوهنتون تقدیم نمودم که مایه خرسندی ریاست این پوهنتون‌ها گردید و متباقی مجله‌های هفته را به افراد مصاحبه شونده و ریاست نشرات وزارت اطلاعات و فرهنگ و چندین وزارت خانه‌های معتبر افغانستان و لوی سارنوالی افغانستان تقدیم نمودم و همچنان یک جلد از مجله را به رئیس آرشیف ملی افغانستان نیز اهدا کردم و جالب‌تر اینکه در هنگام ثبت ویدیوی تبریکی سالگرد هفته تعدادی زیادی از دست‌فروشان، دکاندارن و نوجوانان علاقه‌مند سهم گرفتن بودند و مجله‌های باقی نمانده بود تا به ایشان اهدا کنم.

این بود خاطره‌ای به یاد ماندنی از دیدار دوستان و افغانستان عزیز پس از یک دهه و شما دوستان را در شماره‌های بعدی به خوانش مصاحبه‌های دعوت می‌کنم که به صورت مستقیم با آن‌ها مصاحبه شده است که حکایتگر مشکلات، امیدواری‌ها و زیبایی‌های افغانستان است.

تعمیرهای بلندمنزل که هر کدام بیشتر از ده طبقه داشتند توجه‌ام را در مسیر راه به خود جلب کرد که واقعاً به زیبایی کابل افزوده بودند. این همه بلندمنزل‌ها برایم جدید بود و یازده - دوازده سال قبل اصلاً وجود نداشتند و ما فقط یک بلندمنزل داشتیم که ساختمان وزارت مخابرات بود. اعمار این قدر بلندمنزل باعث شده بود که هیچ منطقه را نشناسم و در هر موقعیت از راننده بپرسم که اینجا کجا است؟

در جمال مینه که پسران و خانم کاکایم در انتظار ما بودند بعد از سه ساعت رسیدیم. دیدن نزدیکان و خویشاوندان همه مشکلات راه را فراموشم کرد و با دست بوسیدن‌ها و روبوسیدن‌ها کاملاً از یاد بردم که شرایط کرونا است و باید فاصله اجتماعی را مراعات کنم. اصلاً ترسی از کرونا وجود نداشت.

یک هفته را با دیدن دوستان و اقارب سپری کردیم و بعد مصروف خریداری لوازم و تهیه میوه عیدی گردیدیم. روز عید فطر فرا رسید و دسترخوان عیدی را برافراشتیم و منتظر آمدن دوستان و فامیل‌های ما بودیم. واقعاً روزهای فراموش ناشدنی بود. پسر کوچکم که اولین بارش بود در مراسم عیدی افغانستان اشتراک می‌کرد و پیراهن و تنبان افغانی برتن داشت. با دریافت پول عیدی از اقارب و دوستان راه دکان خورده فروشی را نسبتاً بلد شده بود. برخلاف روزهای قبل از عید؛ در سرک‌ها و جاده‌ها ازدحام رفت و آمد وسایط نقلیه کمتر به چشم می‌خورد و ما هم توانستیم در یک روز به چندین خانه دوستان و اقارب رفته و عید مبارکی کنیم. در موتر حامل ما لباس‌هایی عیدی را که از قبل به دختران و اطفال کارگر



ازدحام موتورها و راه بندان کابل



ازدحام موتورها و راه بندان کابل

زیبای نظامی در این جا کار می‌کنند؛ چون آوازه است که طالبان می‌آیند و زنان را یکبار دیگر خانه‌نشین خواهند کرد.» رویش را بوسیده و گفتم من و تو تا آخرین لحظه مبارزه خواهیم کرد. پریشان نباش و امید را از دست نده.

بعد از گرفتن بکس‌ها به صحن حویلی میدان هوایی رسیدیم. از هر طرف کراچی‌های که برای حمل و نقل بکس‌های مسافران انتظار می‌کشیدند؛ می‌آمدند و هر کس کوشش داشت تا برای خود کاری پیدا کند و بکس‌ها و اموال مسافران را تا موتوره‌های تکسی و شخصی حمل کند. در این میان افراد مسن و کودکان نیز شامل بودند. برعلاوه کارگران؛ کودکان و زنان گدا و حتی جوانان دست دراز می‌کردند و پول می‌خواستند به یکی دو کودک پول دادیم اما دیدیم که پول دست داشته ما برای همه کافی نیست.

به موتوری که از قبل تفاهم کرده بودیم بکس‌ها را تسلیم نمودیم و خود ما هم در همین موتورها جایجا شدیم. در مسیر راه میدان هوایی کابل و شهر نو بیرو بار بیش از حد بود. گویی زمین و زمان را موتر گرفته است. همه موتورها به آهسته‌گی حرکت می‌کردند. در چهارراهی که در چند قدمی ارگ ریاست‌جمهوری قرار داشت؛ افراد نظامی و افسران پولیس دیده می‌شدند و به نوبت به موتورها اجازه رفت و آمد را می‌دادند. هر راننده کوشش می‌کرد تا از یکی دیگر سبقت جسته و خودش را ازین بیرو بار خسته کننده و وقت‌گیر نجات دهد. فاصله میدان هوایی تا جمال مینه را در سه ساعت طی کردیم. همه جا در نظرم غبارآلود می‌آمد؛ فکر می‌کردم چشمانم ضعیف شده و همه جا را دود و غبار احاطه کرده است. بوی تیل‌های بی کیفیت خیلی‌ها آزاردهنده بود و مصرف تیل‌های بی کیفیت دود و غبار را در آسمان زیبای کابل ایجاد کرده بودند. به ندرت افراد از ماسک ایمنی استفاده می‌کردند. کراچی‌های میوه و ترکاری فروشی در پیاده‌روها یگانه ایجاد کننده ازدحام بیش از حد و راه بندان بود.

نسل‌کشی هزاره‌های افغانستان از انکار تا واقعیت



تشییع پیکر یکی از قربانیان مکتب سیدالشهدا در غرب کابل / عکس: Efe

بند دوم بیانیه‌ای که در سال ۱۹۴۸ منتشر کرد، هرگونه اقدام به نابودی کل یک گروه نژادی، ملی، مذهبی مانند کشتار دسته جمعی یک گروه خاص، ایجاد لطمات روانی و جسمانی بر یک گروه ویژه، ضربه زدن عمدی به افراد یک گروه خاص، تحمیل معیارهایی برای جلوگیری از تولد فرزندان آن‌ها، جابه‌جایی اجباری فرزندان گروه‌ها به یکدیگر، طرح‌ریزی برای آسیب رساندن به گروهی خاص و غیره را از مصادیق بارز نسل‌کشی می‌داند. «عطف به ماسبق» شدن نیز اصل دیگری است که سازمان ملل در کنوانسیون منع نسل‌کشی بر آن تأکید کرده. به آن معنا که انجام یک نسل‌کشی حتی در سالیان قبل از تصویب قانون نیز قابل مجازات بوده و گذر زمان باعث نمی‌شود که از اقدامات عاملان آن چشم‌پوشی کرد. هزاره‌ها نیز در طول یک سده گذشته و در مقاطع گوناگون از آسیب‌های مذکور در این کنوانسیون در امان نبوده‌اند. غیر از قتل و غصب زمین‌های تحت مالکیت آنان که تا امروز نیز توسط جنگ‌طلبان نژادپرست انجام می‌شود، مهاجرت‌های اجباری بسیاری به هزاره‌ها تحمیل شد و جالب است بدانید که دامن آن‌ها را حتی در مهاجرت نیز رها نکرده است. کشتار معدنچیان هزاره در منطقه کوپته پاکستان که سال گذشته رخ داد، یکی از جدیدترین نمونه‌های این پاکسازی قومی است. آغاز مصائب هزاره‌ها با شروع حکومت «امیرعبدالرحمان خان» در سال‌های «۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱» میلادی مصادف می‌شود. در این دوره هزاره‌ها که حاضر به همکاری با حکومت مرکزی نشده بودند، تحت سرکوب و کشتار بی‌سابقه‌ای قرار گرفتند. به گواه تاریخ ۶۰ درصد نفوس آن‌ها در این دوره قتل‌عام شده

به رادیو زمانه گفته است که از سال ۲۰۱۵ تاکنون حدود ۵ هزار فرد هزاره در ۴۱ حمله هدفمندانه کشته شدند. اما دولت هر بار آمار غیرواقعی ارائه کرده است. به گفته او در حمله اخیر بر مکتب سیدالشهدا ۱۲۰ دانش‌آموز جان باختند اما حکومت آمار جان‌باخته‌ها را ۷۰ تن اعلام کرد. عکس‌عملی که شاید علت آن غیر از مناسبات پیچیده سیاسی، اصرار بر ملت‌سازی در افغانستان با استفاده از نادیده‌گرفتن مسائل حاد قومی و نژادی باشد. به نظر می‌رسد دولت که تا امروز نتوانسته بر تسلط قدرت‌های قومی در کشور پایان دهد و حکومتی همه‌شمول ایجاد کند، منفعتش را در نادیده‌گرفتن کشتارهای هدفمندانه علیه یک قوم خاص می‌بیند تا به این ترتیب ماهیت چند پاره کشور را پنهان و نمایشی از وجود یک ملت را به اجرا بگذارد.

نتیجه چنین وضعیتی امروز دامن هزاره‌های افغانستان را که اکثریت آنان را شیعیان تشکیل می‌دهند، گرفته است. هزاره‌ها در سال‌های اخیر هر بار گفتند که کشتار ما هدفمندانه است، با این پاسخ مواجه شدند که این تنها مشکل شما نیست و امروز دشمنان جمهوریت در افغانستان از همه اقوام کشور قربانی می‌گیرند. به این ترتیب مطالبات هزاره‌ها هر دفعه به عقب رانده شده است.

آیا واقعا کشتار هزاره‌ها مصداق نسل‌کشی است؟

برای پاسخ به این پرسش که آیا کشتار هزاره‌ها مصداق نسل‌کشی است یا خیر کافی است نگاهی به تعریف مرسوم این واژه در قوانین بین‌المللی انداخته شود. سازمان ملل متحد در

تداوم حملات تروریستی در منطقه «دشت برچی» واقع در غرب کابل بار دیگر قصه نسل‌کشی و کشتار هدفمندانه هزاره‌های افغانستان را بر سر زبان‌ها انداخته است. با این تفاوت که این بار توجه بسیاری از رسانه‌ها و به تبع آن مقامات برخی از کشورهای و نهادهای حقوق بشری به آن جلب شده است. شاید بتوان حمله بر مکتب دخترانه سیدالشهدا را نقطه عطفی برای رسیدن به این مرحله دانست. جنایتی که طی آن ۳۰۰ غیرنظامی هزاره کشته و زخمی شدند و بخش عمده آنان را دانش‌آموزان تشکیل می‌دادند. این حادثه برای خود هزاره‌ها تازگی نداشت و آن‌ها می‌گویند مدت‌هاست که در جاده‌ها، مدارس، زایشگاه، جشن عروسی، مسجد، باشگاه ورزشی و هنگام برگزاری تجمعات مسالمت‌آمیزشان در معرض حذف و نسل‌کشی قرار دارند. از همین رو اخیراً کاربران هزاره تویتر برای چندمین بار طوفانی توییتی به پا کردند و با زدن هشتگ (StopHazaraGenocide) خواستار توقف نسل‌کشی‌شان شدند. بسیاری از مهاجران هزاره در آلمان و آمریکا نیز تجمع کرده و خواهان توجه به شرایط خاصشان شدند.

اما وضعیت مذکور در افغانستان پرآشوب جایی دشوارتر می‌شود که هزاره‌ها علاوه بر کشته‌شدن در سوی دیگر ماجرا باید به اثبات این واقعیت خود بپردازند. آن‌ها باید نشان دهند که زندگی‌شان بیش از سایر اقوام افغانستان در خطر است چراکه در این مورد مخالفت‌های شدیدی در بدنه دولت و پارلمان افغانستان وجود دارد و اخیراً نیز با بالاگرفتن جدال‌ها بر سر این موضوع کشمکش‌ها افزایش یافته است. طی سال‌های اخیر هر بار بیان این وضعیت، انکار بسیاری از مقامات این کشور را به دنبال داشته. «محمد عارف رحمانی»، نماینده مردم غزنی در مجلس

در حمله انتحاری غرب کابل جان داد. «محمد عارفی» نیز مورد دیگری است که با در دست داشتن مدرک ماستری از دانشگاه‌های ایران به کابل رفته بود. او جان خود را در حمله بر اتوبوس مسافری چند روز پیش از دست داد. اما واکاوی ماهیت «جنبش روشنایی» نیز می‌تواند از بعد دیگری پاسخ این سوال را که آیا هزاره‌ها واقعا در معرض نسل‌کشی هستند را روشن سازد. طبق تعریف سازمان ملل، قراردادن عمدی یک گروه در معرض زندگی نامناسب، مصداق نسل‌کشی است. جنبش روشنایی نیز در اعتراض به اقدام دولت وحدت ملی برای تغییر غیرموجه مسیر خط برق رخ داد. طبق مطالعات انجام شده قرار بود برق وارداتی از ترکمنستان از مسیر «بامیان» که منطقه‌ای هزاره‌نشین است عبور کند، اما به یک باره این مسیر به ولسوالی «سالنگ» در ولایت پروان تغییر یافت. برقی که می‌توانست به توسعه و شکوفایی بامیان کمک شایانی کند اما بدون دلیل از آن‌ها گرفته شده بود. این تصمیم به اعتراض هزاره‌ها و رهبران آنان، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها و شماری از نمایندگان پارلمان و برخی از احزاب سیاسی انجامید. در تاریخ دوم مرداد ۱۳۹۵ صدها هزار تن در میدان «دهمزننگ» کابل در تظاهراتی مسالمت‌آمیز گرد هم آمدند اما حوالی ظهر این روز طعمه سه حمله انتحاری شدند. در جریان این حمله نیز ۸۶ تن کشته و ۲۳۰ نفر زخمی شدند.

با گذشت این سال‌ها و آن چه بر مردم هزاره رفته است حالا به‌تازگی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در اعلامیه‌ای دولت را مسئول محافظت از این مردم در مقابل نسل‌کشی دانسته و این اولین قدم رسمی برای به رسمیت شناختن نسل‌کشی هزاره‌هاست. اما تلاش و بسیج جهانی برای صلح و نقش داشتن طالبان در حکومت افغانستان می‌تواند خطری جدی برای آن محسوب شود و این کودک نوپا را در اولین قدم‌هایش زمین‌گیر کند.



نجیبه حسینی و محمد عارفی؛ نخبگان هزاره‌ای که پس از اتمام تحصیل خود به کشور بازگشتند و در غرب کابل کشته شدند.

حمله انتحاری بر تجمع‌کنندگان «جنبش روشنایی» و دهمزننگی که غرق خون شد. / عکس از وکیل کوهسار؛ خبرگزاری فرانسه



در آبان ۱۳۹۴ معترضان خشمگین جنازه «شکرپه تبسم» ۹ ساله را بر دوش گرفتند و به سمت ارگ ریاست‌جمهوری حرکت کردند. این تظاهرات تاریخی با شلیک نیروهای امنیتی افغانستان روبه‌رو شد. / عکس از احمد مسعود؛ رویترز

به جشن عروسی در ولایت زابل همراه چند تن دیگر گروگان گرفته و در نهایت سربریده شد. در این اعتراض ۲ هزار نفر تا نزدیکی ارگ ریاست‌جمهوری آمدند تا امنیت نداشتن خود را دادرسی کنند.

ترور نخبگان؛ بازخوانی وقایع دوم اسد و جنبش روشنایی

در میان حملات متعدد تروریستی بر هزاره‌ها، برخی به طور برجسته‌تر نشان از انگیزه‌های نسل‌کشی دارد. مانند حمله بر بیمارستان صدستر دشت برچی و تیرباران شماری از نوزادان و زنان باردار. اما برخی دیگر از بیم پیشرفت هزاره و در جهت تهدید آن‌ها صورت گرفته است. حمله بر مدرسه «موعود»، «کوثر دانش» و مورد اخیر در مدرسه «سیدالشهدا» از جمله آن‌هاست که همگی در ناحیه غرب کابل و در دشت برچی موقعیت داشتند. در ادامه همین نخبه‌کشی‌ها فوت دو تن از فارغ‌التحصیلان هزاره‌ای که در عالم مهاجرت تحصیل کرده و به کشور خود بازگشته بودند، این حوادث را تأثیربرانگیزتر می‌کند. «نجیبه حسینی» دختری که برای اخذ مدرک ماستری (کارشناسی ارشد) از زادگاهش در دایکندی افغانستان به هند و سپس زاپین مهاجرت کرد اما بعد ترجیح داد در کشورش خدمت کند، به تاریخ دوم مرداد ۱۳۹۶

و بسیاری از آنان را به بردگی بردند. اما این پایان ماجرا نبود و گویی سرنوشت قوم هزاره با خون نوشته شده بود. دوره جنگ‌های داخلی با کشتار وسیع هزاره‌ها در منطقه «افشار» و آغاز حکومت سپاه طالبان با قتل‌عام مردم عموماً هزاره «مزارشریف» دو مورد دیگر از قتل‌عام‌های این مردم در ۴۰ سال گذشته بوده است. کشتاری که با اقرار بانیان آن مشخصاً به دلیل مذهب جعفری هزاره‌ها و خصومت با نژاد هزارگی آنان روی داده. توفیقی در تاریخ معاصر افغانستان نشان می‌دهد بر سر کار ماندن بسیاری از عاملان این جنایات که امروز با اسم جمهوری بر مردم حکمرانی می‌کنند، سبب فراموشی و حتی انکار وضعیت حاد این مردم شده است.

بعدها با آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی افغانستان و تغییر ماهیت نظام سیاسی، نوع حملات به این گروه نیز تغییر شکل یافت. در این دوره تعداد گروه‌های متخاصم تروریستی (طالبان، داعش و شبکه حقانی) و انفعال حکومت افغانستان در دفاع از شهروندان هزاره، این گروه قومی را سردرگم‌تر از همیشه و به حکومت بدبین کرد. تا جایی که امروز بسیاری دولت را همدست با این گروه‌ها می‌دانند. «جنبش تبسم» اعتراضی به همین وضعیت بود. عنوان این اعتراض از نام «شکرپه تبسم» برداشته شده است. دختر ۹ ساله هزاره‌ای که در مسیر رفتن



ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی
514-624-5609 - 514-655-5609
bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
حسین ترکپور، مددکار اجتماعی
www.psynaquebec.com 514-846-8872



خاطره تحویل داری یکتا
مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
کواهی امضاء برابری اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online با حضوری

با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس



Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate



360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

آتوسا تنگستانی فر

VANTAGE
514 995 3041

همراه با شما در خرید آگاهانه همگام با شما در فروش موافقت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5
atoso.far@gmail.com

**Artistic Men Haircut
by Sirous**



متخصص

مدلهای هنری
برای آقایان

514-240 1493

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT

Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

**Pharmacie
Golnasim Riahi**

داروخانه، دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

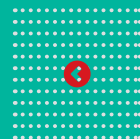
www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060





خانواده و سرگرمی



info@hafteh.ca
www.hafteh.ca



هفته
www.hafteh.ca

را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید

@Hafteh.ca @HaftehMontreal
@Journal_Hafteh @HaftehWeekly

4			6	8	9	5		
	7				1			
2		9	7	3		1		
		3	8	2		4		
	1	7				8	5	
		2		5	7	3		
		6		1	2	9		5
			5					6
		5	9	6	4			8

نرمال ▲

6						8	2	
				4			3	1
7			6					9
			5	8	2			9
4				3				2
	5		4	9	7			
9				2				6
8	2		7					
	4	3						8

متوسط ▲

1	5		2		6			
			4					9
					4	5		6
	7		6			8		
4								1
		6			7			3
8		3	9					
	2							9
			5		3		4	7

سخت ▲

			9	6			7	
			3	7	2			
			5					6
8	1							5
		2		1		6		
		7						3
6								1
				8	4	7		
	2			3	1			

خیلی سخت ▲

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

مهسا عباس‌پور



تارت یک شیرینی قدیمی است که تنوع زیادی برای سرو با انواع فیلینگ‌ها (مواد میانی) را دارد و برای جشن‌ها و میهمانی‌ها گزینه مناسبی است. در تهیه این تارت سعی شده ساده‌ترین کراست (خمیر پایه) را استفاده کنم تا بتوانید به راحتی آن را آماده کنید.

طرز تهیه کراست :

کره حتما باید سرد یخچالی باشد و آن را به مکعب های کوچک خرد کرده باشید.

آرد، پودر قند و بیکینگ پودر را با هم مخلوط کرده و در دستگاه غذاساز یا میکسر بریزید و تکه‌های کره سرد را نیز اضافه کنید. چند پالس بزنید تا مواد بصورت خرده شن درآید. سپس خامه را اضافه کرده و مخلوط کنید. خمیر را به مدت ۱ ساعت در یخچال استراحت دهید.

خمیر را به قطر کمتر از نیم سانت باز کرده و در قالب تارت پهن کنید و کف آن را چنگال زده و در فر با دمای ۱۸۰ درجه به مدت ۲۰ دقیقه بپزید.

طرز تهیه فیلینگ :

شکلات را به روش بن‌ماری آب کرده و کنار بگذارید تا خنک شود. مخلوط زرده و شکر را در ظرفی ریخته و بر روی بخار کتری قرار دهید (بن‌ماری) و ۲ دقیقه هم بزنید.

ژلاتین را در آب سرد حل کرده و روی بخار کتری قرار دهید تا شفاف شود و به مخلوط تخم‌مرغ اضافه کنید. سپس پنیر خامه‌ای را به مواد اضافه کرده و با دست هم بزنید تا یکدست شود. خامه فرم گرفته و شکلات آب شده که از حرارت افتاده را به مواد اضافه و کاملا مخلوط کنید. در آخر پوره میوه را اضافه کنید.

مواد را از صافی رد کرده و داخل تارت‌های از پیش پخته را با این مواد پر کرده و به مدت ۲ ساعت در یخچال استراحت دهید. نوش جان!

نکته مثبت هفته +

تنها یک فکر مثبت کوچک در صبح می‌تواند کل روزتان را تغییر دهد. بخندند.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

تارتلت بلوبری

مواد لازم کراست:

۱. آرد سفید ۲ پیمانه
۲. کره گیاهی ۱۰۰ گرم
۳. خامه صبحانه ۱۰۰ گرم
۴. بیکینگ پودر نصف قاشق چایخوری
۵. پودر قند پودر قند ۲ قاشق غذاخوری

مواد لازم فیلینگ بلوبری:

۱. زرده تخم‌مرغ ۲ عدد
۲. خامه فرم گرفته ۱۵۰ گرم
۳. شکلات سفید ۲۵۰ گرم
۴. شکر یک‌ونیم قاشق غذاخوری
۵. پنیر خامه‌ای ۱۵۰ گرم
۶. پودر ژلاتین ۱ قاشق سوپخوری
۷. آب سرد ۵ قاشق غذاخوری
۸. پوره بلوبری نصف پیمانه



سخن ستارگان (برای تقن)

فال شما برای ۱۷ تا ۲۳ ژوئن / ۲۷ خرداد تا ۲ تیر

ترجمه:
خاطره تحویل‌داری یکتا



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

آرام و پشت‌صحنه عمل می‌کنید. برخلاف دیگران، شما از عقب‌نشینی عطارده به نفع خود استفاده کرده و با بررسی مسائل گذشته به دنبال راه‌حل‌ها و جواب‌ها هستید. در اوایل هفته به دلیل رقص ژوپیترا با ونوس در موقعیت شما، از تعاملات اجتماعی احساس رضایت می‌کنید. اکنون زمان ارتباطات اجتماعی و تعطیلات است. باین‌وجود ممکن است در روز شنبه با همسر یا یک دوست نزدیک به نزاع جدی بر سر قدرت بپردازید.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

این هفته برای شما زمان محبوبیت است. دیگران، خصوصاً جوان‌ترها، به دنبال صحبت و نظرخواهی با شما هستند. به‌طور کلی خوشحال هستید، چراکه از خود و زندگی احساس رضایت می‌کنید. شاید هم به‌نوعی تجلی خود را نشان دهید. باین‌وجود در آخر هفته مطلبی مبهم شما را به نزاع جدی بر سر قدرت وامی‌دارد. بهترین توصیه آن است که طوری عمل نکنید که پشیمان شوید. تجربیات آینده از عملکرد امروز شما شکل می‌گیرند.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

به دلیل حضور خورشید در بالای موقعیت شما، در نظر دیگران عالی به نظر می‌رسید! این حالت فقط یک‌بار در سال اتفاق افتاده و مدت آن چهار هفته خواهد بود. از آن به‌خوبی استفاده کنید. اکنون زمان آن است که آنچه را می‌خواهید، تقاضا کنید! باین‌وجود در آخر هفته با دوستی یا فردی از اعضاء گروه به نزاعی جدی می‌پردازید. به‌طور کلی باید بگوییم اولتیماتوم به دیگران راه درستی نیست و بهتر است راهی را انتخاب کنید که نتیجه آن برد دو طرف باشد.



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

این هفته در رابطه با خانه، خانواده و شاید والدین زمان عجیبی است. بیشتر هفته به تغییر دکوراسیون و زیبا کردن خانه مشغول شده و از تفریح در خانه لذت می‌برید. روابط خانوادگی بسیار شاد و مثبت و سخاوتمندانه است. باین‌وجود اتفاقاتی در راه است و در آخر هفته نزاع بر سر قدرت و کارهای نامناسب و اشتباه نظم را برهم می‌زند. خنده‌ها جای خود را به فشار دادن دندان‌ها و خشم می‌دهند.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

این هفته زمان تضادهاست. از آخر هفته تا روز پنجشنبه روابط شما با دیگران شگفت‌انگیز است! از محیط اطراف خود لذت می‌برید. در حقیقت محیط اطراف و روابط با دیگران برایتان لذت‌بخش هستند. اما در آخر هفته ناگهان اتفاقی خواهد افتاد که شما را در مقابل دیگران قرار می‌دهد. این مقابله خوب نیست و شما خوشحال نخواهید بود. بهتر است از مناطق مخاطره‌انگیز یا همسایگان خشن پرهیز کنید. ایمن بودن بهتر از پشیمانی است.



متولدین خرداد (۲۱ مه - ۲۱ ژوئن)

این زمان به‌نوعی برای شما زمان قدرت است، زیرا خورشید با حضور در موقعیت شما، انرژی‌تان را بالا برده و افراد و شرایط مطلوب را جذب شما می‌کند. در این میان عقب‌نشینی عطارده هم در موقعیت شما، همسر قبلی یا دوستان قدیمی را به صحنه آورده و اشتباهات بی‌معنی را هم به دنبال دارد. البته این تضادها بر درآمد شما هم تأثیر دارد. این هفته درآمد خود را افزایش می‌دهید اما در عین حال در روز شنبه نزاع بر سر اموال مشترک خواهید داشت.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



این هفته شور و حال کار دارید و تمام تمرکز شما بر آنست که بتوانید تا حد امکان آنها را به انجام برسانید، زیرا بدین ترتیب احساس رضایت می‌کنید. روابط با نزدیکان بهتر و بهتر می‌شود اما در اواخر هفته با همسر و یا یک دوست نزدیک دچار مشکل می‌شوید. اساساً باید بگویم جدالی خواهید داشت بر سر قدرت و این بدان معناست که باید یک قدم عقب تر رفته و فضای بیشتری به طرف مقابل بدهید. خواسته شما خوشحالی است نه عصبانیت.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



این هفته سراسر شادی و بازی است! از هر فرصت برای فعالیت‌های ورزشی، ارتباطات اجتماعی و تفریح با بچه‌ها استفاده کرده و استعدادهای خلاق خود را ابراز می‌کنید. همه شما با همکاران روابط بسیار خوبی خواهید داشت. از طرفی هم کاملاً احساس سلامتی می‌کنید. در آخر هفته نوعی سردرگمی در رابطه با بچه‌ها و یا حادثه‌ای اجتماعی منجر به جدالی بر سر قدرت خواهد شد که بر سلامت شما یا روابط با یک همکار تاثیر می‌گذارد.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



خانه و خانواده این هفته تمام تمرکز شما را جلب می‌کند. به تعمیرات در خانه پرداخته و با اعضای خانواده در مورد آن صحبت می‌کنید. بسیاری از شما بیش از همیشه درگیر یکی از والدین هستید. این هفته از نظر فعالیت‌های هنری و تفریح با بچه‌ها زمان بسیار خوبی است. نوعی سوء تفاهم با یکی از اعضای خانواده ممکنست منجر به بحث‌هایی شود. این مشکلات با دیگران مستلزم سیاست، حس همدردی و درک نوع بشر است. موفق باشید.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



اشتباک شما برای سفر تغییر کرده و در مقابل فرصت یادگیری مطالب جدید در این هفته همچنان زیاد است. ممکن است با افرادی ملاقات کنید که متفاوت هستند و مطالب جدیدی از آنها بیاموزید. روابط با رؤسا و والدین در این هفته بسیار عالی است. در حقیقت به نوعی در نظر همه خوب هستید. با این وجود در روز شنبه شرایط عوض می‌شود و بحث و نزاع با یکی از اعضای خانواده بر سر قدرت خواهید داشت. تمام تلاش خود را برای حفظ آرامش به کار گیرید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



اخیراً از انرژی زیادی برخوردار هستید که برخی از شما آن را بر اموال مشترک، مالیات، بدهی و مسائل مشابه متمرکز کرده‌اید. برخی دیگر هم این انرژی را صرف ارتباطات هیجان‌انگیز می‌کنید. این هفته فرصت بسیار خوبی برای سفر به وادی چاپ، مطبوعات، حقوق، پزشکی و حتی تحصیلات عالی خواهد داشت. روابط با همه خوب است اما در آخر هفته بحث‌هایی در مورد تفاوت‌های ایدئولوژیک، سیاسی و قومی خواهید داشت. از افراد در دسرساز فاصله بگیرید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



تمرکزتان بر روابط نزدیک بسیار زیاد است و چیزی که این هفته شما را خوشحال می‌کند، هدایا و الطاف دیگران به شماست. حتی ممکنست پول هم دریافت کنید. اکنون زمان بسیار خوبی برای صحبت در مورد معاملات مالی و یا نحوه تقسیم ارثیه است. متأسفانه در آخر هفته همه چیز در جهت معکوس پیش رفته و با فردی به مشاجره در مورد پول، دارایی و املاک می‌پردازید. به عبارت دیگر از بسیار خوب به بسیار بد می‌روید! این غیر طبیعی نیست.

آرش شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی شما



برای خرید خانه رویایی خود
روی "تجربه ما" حساب کنید

۰۵۱۴-۷۳۰ ۳۹۰۹

Instagram/Shakourz

حکایت هفته

فرازی از سفرنامهٔ جیمز موریه به ایران

جیمز موریه نویسندهٔ انگلیسی، در کتاب حاجی بابای اصفهانی که در قالب سفرنامه است، خاطراتی را از سفر خود به ایران نقل می‌کند.

او می‌گوید: «مردم ایران مردم عجیبی هستند و گاهی غریب هم می‌شوند. آن‌ها در دور زدن، شگرد خاصی دارند و به راحتی چیزهای مختلف را دور می‌زنند؛ اما تبحر اصلی‌شان دور زدن یکدیگر است. آن‌ها وقتی از دور زدن دیگران اشباع می‌شوند، خودشان را دور می‌زنند؛ دور دور بازی، تنها تفریح مردم این سرزمین است. مسئولین نیز دور دور بازی را در قالب مذاکرات هسته‌ای پیگیری می‌کنند؛ مردم به‌منظور تفریح و سرگرمی دور دور بازی می‌کنند، اما در ایران دور دور بازی جز وظایف پلیس است؛ که اصطلاحاً به آن «گشت» می‌گویند.» جیمز موریه در این زمینه خاطره‌ای را نقل می‌کند و می‌نویسد: «یک‌شب رفتیم بیرون گشت بزنیم، گشت ما را زدا»

او در ادامه می‌نویسد: «متولیان امر در آنجا مردم را جراحی می‌کنند. ایران دکترهای جراح خنده‌رو و مهربانی دارد. این دکترها شکم مردم را سفره می‌کنند تا آن‌ها را جراحی کنند، اما گاهی این جراحی نیمه‌کاره می‌ماند و فواز دوم آن اجرا نمی‌شود؛ و سفره دل آن‌ها پهن می‌ماند؛ اما آن‌ها باز هم شب‌ها به دور دور بازی می‌روند، چراکه در دل‌های سفره شدهٔ آن‌ها نفت وجود دارد؛ اما نقطهٔ قوت مسئولین ایرانی این است که قانون در همه جای جامعه حکم فرماست و به‌شدت اجرا می‌شود. برای مثال، اگر قرار باشد بافت‌های فرسوده تخریب و نوسازی شود، خانه پروین اعتصامی هم خراب می‌شود و به‌جای آن پاساژ ساخته می‌شود! این نشان‌دهندهٔ این است که قانون برای همه یکسان است و پروین اعتصامی، علیرضا قزوه و وحشی بافقی نمی‌شناسند.

منبع: (این کتاب مجوز دارد، محمدرضا ستوده، تهران؛ ماهریس، ۱۳۹۷)

شعر هفته

بیانیه تبلیغاتی آقای «من»

خودمونی بگم: اون روز همه چی آسونه
سهم یارانه هر کس سه چهار میلیونه
خودمونی بگم آره خودمونی باشم
قول من قوله داداش وعده تو خالی نیست
حرفای هیچکی مث حرفای من عالی نیست
قول میدم دورهٔ من صب تا غروب شادی باشه
هر چی که جشنه تو استادیوم آزادی باشه
صد هزار نفر بیان جشن تولد بگیرن
قول میدم همه‌جا رو خوشگل و مامانی کنم
واسه تون تا دلتون بخواد سخنرانی کنم
الکی نیست در باغ سبزی که نشون میدم
واسه طرفدارام این همه دست تکون میدم
دوست دارم رئیس بشم رئیس بمونم همیشه
آخ اگه رأی بیارم رئیس بشم چه خوب میشه
همگی پیر و جوون و مرد و زن رأی بدین
یادتون باشه ولی فقط به من رأی بدین

تا به شایسته‌ترین مرد وطن رأی دهید
آی ملتا! بشتابید به من رأی دهید
هر کجا می‌نگرم نیست کسی غیر از من
من فقط هستم شایسته‌ترین مرد وطن
من فقط هستم حلال همه مشکل‌ها
طرح‌هایم همه هستند از آن خوشگل‌ها
طرح‌هایی همه باحال، همه رویایی
در همه دیر مغان نیست چو من شیدایی
من اگر رأی بیارم حرف‌هایی بزوم
تا بدانند همه مردم عالم که «منم»
من اگر رأی بیارم دو سه روزی یک‌بار
حرف‌هایم بشود تیتتر تمام اخبار
من اگر رأی بیارم چه رئیسی بشوم
این‌ور و آن‌ور دنیا چه سفرها بروم
در زمان من تعطیل شود کار و تلاش
طرح من این است: یارانه بگیر و خوش باش

منبع: (دکتر بازی، اسماعیل امینی، مشهد: سپیده‌باوران، ۱۳۹۴. قسمتی از شعر بیانیه تبلیغاتی آقای «من»)

لطیفه‌های هفته



صبح می‌خواستم برم بیرون به مامانم گفتم چیزی لازم ندارین بخرم؟ ... گفت چرا برنج و روغن و میوه اینا بخر ... من موجودیم فقط در حد نه چیزی لازم نداریم پسرم مراقب خودت باشه به خدا!

من نمی‌فهمم چرا همیشه دخترای اون ور خیابون خوشگل‌تر از این ورن! ... لامصب آخرش ماشین لهمون میکنه از بس این‌ور اون ور میریم.

رفتم نظام‌وظیفه گفتم منو معاف کنید من موجیم ... گفتن سنت اصلاً به جنگ و این چیزا نمی‌خوره که! ... گفتم چه ربطی به جنگ داره؟ اسمم مجتبی ست تو محل موجی صدام میزن ... فکر کنم از مجتبی‌ها خاطره خوشی نداشت تا میدون انقلاب دنبالم کرد!

یکی در خونمون رو زد گفت: داریم برای اهالی این محل یه استخر مجانی می‌سازیم، خوشحال میشیم شما هم در حد توانتون کمک کنید ... بابامم به لیوان آب بهش داد ... نخند توانمون همین بود!

مملکت ایران مرتباً بین وضعیت «خدا رحم کرد خریدم» و «چه غلطی کردم خریدم» در حال تغییر است.

آیا می‌دانید درازترین شب سال، چه شبی است؟ ... شبی که قهر کنی و شام نخوری ... لعنتی مگه تموم میشه این شب!

زنی از شوهرش پرسید انتخابات چیه؟ ... بهش گفت: یادته ازت خواستگاری کردم و قول دادم تمام آرزوهای رو برآورده کنم و همه‌جا ببرم و همه‌چیز برات بخرم و بزارم رو چشمام؟ ... زن گفت: آره ولی هیچ کدوم رو انجام ندادی! ... گفت: اینم همونه.

نکته هفته

بزرگ‌تر از احساسات باش؛ این را من از تو نمی‌خواهم، زندگی می‌خواهد. وگرنه احساسات مثل سیل تو را از جا می‌کند و می‌برد!

نقل قول هفته

ملاصدرا: خیال‌هایت را کنار بگذار و نیتت را خالص کن؛ آن وقت حقیقت در قلبت می‌تابد.

ضرب‌المثل هفته

پارسی: مباحش در پی آزار و هرچه خواهی کن، که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست. «حافظ»
لاتینی: از طریق تدریس یاد بگیر.

صرافی افرا
با مدیریت آقای مصطفی
کارتخوان ایران

انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و امریکاستان)
نظمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا
جنب مترو اتواتر
514-576-3830
4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
مشاور فربانجان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
بالعکس با کمترین هزینه
514 585 2345 | 514 846 0221
4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

صرافی آشنا

خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی
خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی

ASINA
Office: 514 - 560 - 7085
Cell: 514 - 462 - 5185
4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

UNIQUE Inspection Inc.
Certified Home Inspectors

مهندس **فرزام عندلپ**
« بازرسی فنی ساختمان »
عضو انجمن بازرسان حرفه ای دیصلاح کبک (AIIICQ)

Farzam Andalib
Home Inspector
Tel: (438) 494-5580

خرید خانه شاید بهترین سرمایه گذاری زندگی شما باشد پس ارزش آن
را دارد که قبل از خرید مورد بهترین بازرسی قرار گیرد

InterMACHI Certified Professional Inspector (CPI)
InterMACHI Quebec membership number # 19111203
Email: suniqueinspectioning@gmail.com

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف

توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم
www.sharifexchange.ca
Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

تعمیرات و نو سازی ساختمان
مسکونی و تجاری
Ben Reno **RBQ License**

- کاشیکاری و سنگ کاری ● نصب کفپوش و پارکت
- تعمیرات و نو سازی حمام ● نرده چوبی
- کابینت و تجهیزات آشپزخانه ● بالکن (Deck)
- نصب در و پنجره ● نقاشی

(514) 441 4295
facebook: Ben Reno
benrenovation4295@gmail.com

الهام گرامی
دکترای روانشناسی

مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
مشاوره خانواده و زوج
مدرس مهارت های زندگی، مهارت های فرزند پروری
مدرس مهارت های زناشویی

(514) 431 2826
Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
کارای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
(نماد اعتماد روانشناسی ۳۳۳۷)

VANTAGE
514 995 3041

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه **همگام با شما** در فروش موفقیت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلید امور مربوط به خرید مسکن

8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5
atosafar@gmail.com

کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

Shabby Properties

شبیم نبی پور
مشاور املاک

مشاوره و ارزیابی رانگان به صورت تلفنی و حضوری
خدمات ۲۴ ساعته برای خریداران تا پایان پروژه خرید
در اهدا وام بانکی با بهترین نرخ و کمترین پیش پرداخت حتی برای تازه واردان

613-709-9070

OFFICE: 613-366-0703
E-MAIL: SHABBY@IDEALPROPERTIESREALTY.COM

Shabby Nabipour
Sales Representative

MEHDI FALLAHI
REALTOR

تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
613-889-4700

yes@RealOttawa.ca

محل های پخش هفته در اتاوا

سوپرمارکت آریا
6135943636
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
6135631207
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
6138976666
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
6136952221
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

محل جدید پخش هفته در اتاوا

افغان کباب اکسپرس
6135938880
Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

(514) 834-7254
www.hafteh.ca info@hafteh.ca

www.ravadid.ca
info@ravadid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و ...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:
Free Tell & fax:
1-833-RAVADID (728-2343)
تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی
+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)
+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI
RCIC, R533715

پیش شماره‌های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند.

نیازمندی‌ها فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس HPadar ۸۴۲-۵۶۰۸	فریدون هرنیدیان ۹۳۳-۶۸۰۰	دکتر رضا یاوریان ۶۵۳-۳۰۵۰	اتومبیل (فروش) Auto Highlander ۹۹۰-۲۵۰۰ www.autohighlander.com 1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7 اتو کاسپین ۵۷۵-۷۹۴۰ www.autocaspien.com
مراکز مذهبی انجمن بهایی ۸۴۹-۰۷۵۳ موسسه خوبی ۳۴۱-۲۲۳۵ کلیسای ایرانی ۲۶۱-۶۸۸۶ کلیسای فارسی- کشیش ۹۹۹-۵۱۶۸	رسانه های گروهی بازار ۸۴۸-۹۵۹۹ پوشه ۵۷۵-۸۴۵۱ هفته ۷۸۷-۸۸۴۸ پرنیان ۹۰۳-۴۷۲۶ پیوند ۹۹۶-۹۶۹۲	بیمه عمر و سرمایه گذاری نیره امداد ۴۷۳-۵۳۹۵ علی پاکنژاد ۲۹۶-۹۰۷۱ عبدالله صفوی ۴۶۷-۸۴۹۱ متین تیره دست ۶۹۰-۶۱۸۱ بیمه (خودرو و خانه و سفر)	اتومبیل (تعمیرگاه) اطلس ۴۸۴-۴۴۸۱ 6000 saint jaque H4A 2E9 شمیران ۴۸۷-۶۲۶۲
مشاور املاک مهدی انصاری ۵۸۸-۰۶۰۹ آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱ مینو اسلامی ۹۶۷-۵۷۳۳ نادر خاکسار ۹۶۹-۲۴۹۲ شهره شهریان ۲۹۰-۲۲۱۰ سحر صمدایی ۶۲۵-۲۵۲۵ فیروز همتیان ۸۲۷-۶۳۶۴ آرزو گتمیری ۵۶۱-۳۵۶۱ کاظم پرتو تهرانی ۹۷۱-۷۴۰۷ آرش شکور ۷۳۰-۳۹۰۹ محمد اجزای ۹۲۴-۵۰۵۵ شاهین سجادی ۴۶۴-۸۲۲۰	رستوران-پیتزا - کترینگ فاروس رستوران غذاهای دریایی 362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437 پوشاپ (هندی) ۷۳۷-۴۵۲۷ آریا ۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹ کباب سرا 820 Ave. Atwater / 514-933-0933 ساخت و ساز Builders علی خاقانی ۵۷۴-۵۷۴۳ سی.دی - ویدئو ۲۲۳-۳۳۳۶ فروش و موکت ۷۳۹-۴۸۸۸	مشاور فارسی زبان بیمه مهرداد ملکمشیدی ۶۵۲-۷۶۷۷ پزشکی چایگزین ترجمه و دعوتنامه رسمی رضا داودی ۶۹۱-۴۲۸۳ شهریار بخشی ۶۲۴-۵۶۰۹ خاطره تحویل داری یکتا ۴۳۸-۳۹۰۰-۰۶۹۴ نوشادجمال ۵۷۵-۷۰۸۰ چاپ و کپی فتو کپی ان دی جی ۴۸۸-۵۳۳۳ حسابداری اردشیر معین افشاری ۴۵۸-۷۵۹۹ حسین خریدین ۲۴۲-۶۰۳۴ حجت رستمی ۵۴۹-۱۳۴۴ سرور صدر ۷۷۷-۳۶۰۴ مهدیه سلیمی ۸۸۶-۷۴۷۱ حمل و نقل المپیک ۹۳۵-۳۳۰۰ قربان ۸۸۷-۰۴۳۲ Loadex Transport ۲۳۴-۳۳۹۹ خدمات ویزای توریستی خیاطی 419-1039 Tailleur Bijan 2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1 خدمات در ایران دارالترجمه فرهنگ ۶۹۱-۴۲۸۳ دارو خانه گل نسیم ریاحی ۵۱۹-۳۰۶۰ فارماپری لاوال ۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰ فارماپری لاوال ۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷ دندان پزشک راضیه رضوی ۶۳۴-۷۲۸۱ شریف نائینی ۷۳۱-۱۴۴۳ علی شفیعی ۶۸۵-۶۲۲۲	آرایشگاه - زیبایی - اسپا آمنه ۹۳۳-۰۷۶۳ 3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1 www.Amybeautysalon.com سوزان ۸۱۳-۴۹۴۷ رویا ۹۳۴-۳۳۷۴ فریبا ۴۸۷-۰۸۰۰ آرزو آپادانا ۷۳۱۸-۸۳۹ پرسپولیس ۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰ پنج ستاره ۸۴۶-۰۲۲۱ صرافی الیت ۹۸۹-۲۲۲۹ شرف ۲۲۳-۶۴۰۸ صرافی رویال ۸۳۶-۷۰۹۰ پاسیفیک ۲۸۹-۹۰۱۱ ExpertFX ۸۴۴-۴۴۹۲ الکترونیک - برق کار آراز الکترونیک ۳۵۲-۶۸۸۳ آژانس های مسافرتی سلطان تراول ۴۸۴-۴۰۰۰ فرناز معتمدی ۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶ مهری صدوقی ۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳ سعید هاشمی ۲۷۲-۹۹۹۹ آموزش پروین عبائی- فارسی ۶۷۵-۴۴۰۵ مدرسه فردوسی ۵۰۲-۴۳۷۸ مدرسه وست آیلند ۶۲۶-۵۵۲۰ مدرسه دهخدا ۲۵۸-۸۱۸۶ آموزشگاه (راندگی) آموزش (موسیقی) پیانو / فخاریان ۹۹۶-۱۶۲۰ استاد بیانیت فرچه داغی ۴۸۴-۸۷۴۸ آموزش (زبان) آکادمی آریا ۸۳۹۴۴۴۴
مشاور خانواده لاله رهبین ۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴	مشاور تحصیلی	مشاور مهاجرت معصومه علی محمدی ۲۸۹-۹۰۴۴ علی مختاری ۹۰۳-۴۷۲۶ سهیل ملاحمدی ۷۴۸-۰۹۴۹ گنجی www.GanjiCo.com	نان و شیرینی کندم ۸۳۶-۵۵۵۳ نان سنگک آذر ۶۳۴-۶۳۶۳
نوسازی و تعمیرات ساختمان شرکت بن ۴۴۱-۴۲۹۵ شرکت آماج ۹۴۲-۹۹۶۹ لوله کشی پتانسیل ۴۶۳-۳۰۱۴ لوله کشی پارس ۲۹۰-۲۹۵۹ بهنام ۴۴۱-۴۲۹۵	وام مسکن بهرز باباخانی ۶۰۶-۵۶۲۶ آتوسا تنگستانی فر ۹۹۵-۳۰۴۱ شیرین تیموری ۹۷۹-۹۸۰۹ مهرداد مرادخانی ۸۳۴-۸۰۵۳	مهد کودک سیما (دولتی) ۶۹۹-۸۳۷۳ وکیل/مهاجرت دیوید برگر ۹۶۱-۸۷۴۶	سن لوران ۳۶۹-۳۴۷۴ بازار ۴۸۶-۱۶۱۷ EXO Fruits ۷۳۸-۱۳۸۴ متروبولیس (تعاونی رز) ۸۴۹-۴۲۴۲ کامپیوتر و خدمات بیژن جلالی ۲۵۸-۸۱۸۶ EvoWeb ۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶ کتاب فروشی / کتابخانه کتابخانه نیما ۴۸۵-۳۶۵۲ نوروزمین ۷۸۷-۸۸۴۰ طراحی و گرافیک محضر رسمی مونا صالحی ۹۰۳-۸۵۶۰

16: Histoire de couverture

Qu'est-ce qui nous relie, les nouveaux immigrants aux peuples autochtones du Canada?

Une entrevue avec Sardar Saadi, un anthropologue de Toronto

■ Farshid Sadatsharifi, Maryam Irani, Farangis Shakiba



Cover
NO.637

- 43 Interview:** Équipe de traduction Hafteh
« Les Québécois ont perdu le désir de vivre et de survivre »
grand entretien avec Martin Lemay par MATHIEU BOCK-CÔTÉ



- 35 Introduction du livre:** Yassaman Hassani
Écrire pour vivre par Jean-Benoît Nadeau



- 54 Economie:** Armin Aryanpour
Guerre sans fin, la lutte des acheteurs de maison pour se dépasser



- 57 Reportage :** Elham Safaei
Conséquences des élections iraniennes 2021
Une plus grande évasion et plus d'immigrants pour le Canada.



- 63 Afghanistan:** Nargis Hashimi
Visiter la patrie, Kaboul après une décennie
Un voyage de larmes et de sourires



Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne de Montréal

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Montreal

17 juin 2021, numéro 637
17 JUN 2021, issue Nr. 637

Hafteh will not be published on the following dates during 2021:

January 7th
March 25th
July 8th
October 14th

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Photographe: Mahnaz Zangirzani
Dessinateur: Sirous Yahyaabadi

Politique: Farangis Shakiba
Littérature: Farshid Sadatsharifi (PhD)
Psychologie: Dr Elham Gerami
Economie: Armin Aryanpour
Immigration: Masoumeh Alimohammadi
Cinéma: Mostafa Azizi
Médecine: Dr. Faegheh Ebrahimi
Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi, Habib Osman et Abdolhadi Tapand
Actualité Communauté: Negin Parvarandeh



le prix: \$2.50

Les frais de l'abonnement annuel: 120 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



PERMONT

Entrepreneur Global - General Contractors Inc.

تیم متخصصی با بیش از ۲۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5575 boul. de la Verendrye, Montreal, H4E 3R6
RBQ # 5639-5874-01



زهرا ظریفکار فرد مشاور رسمی املاک مسکونی



متخصص در امور خرید ، فروش و سرمایه گذاری املاک مسکونی و زمین
با همکاری متخصصین وام مسکن ، بازرسی فنی ، عکاسی حرفه ای ، امور محضری و دکوراسیون داخلی

514.442.2509

zahrz.immobilier@gmail.com

FREE

HOME STAGING UNTIL AUGUST 2021

When you list with us. Certain conditions apply.



بالاترین سرویس فروش ملک را با ما تجربه کنید

✓ بازدید از ملک شما و ارزیابی رایگان

✓ فروش ملک شما در کمتر از 60 روز جهت اطلاع از شرایط با ما تماس بگیرید

✓ شرایط استثنایی کمسیون برای فروشندگان ملک

✓ با همکاری مجربترین مشاورین رسمی و مطمئن وام مسکن

✓ متخصص خرید و فروش املاک درآمد زا با شرایط عالی

✓ همگام با شما در تمام مراحل خرید و معرفی بهترین آگزیونها

✓ مشاوره و تهیه مسکن به صورت رایگان برای تازه واردین به کانادا

با خرید ملک مطلوب خود با ما ، هزینه محضر هدیه ما به شما

شیرین شکور

کارشناس رسمی املاک مسکونی و تجاری شما

برای دسترسی به
پیش فروش‌های ویژه
روی "ارتباطات ما"
با سازنده‌های معتبر
حاج کنید



📞 514-441-4189

Agence Immobilière
GROUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC.

A Donation Partner Of
DANS LARUE



SAMI FRUITS

میوه تره بار سامی

کیفیت: خوب قیمت‌ها: غیرقابل رقابت

باشش شعبه بزرگ در خدمت شما

D.D.O. (514) 421-6333
 3000 Rue du Marche, H9B 2Y3
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۳۰
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰
 (دوشنبه و سه‌شنبه تعطیل)

Head Office
 1605 rue Legendre Ouest
 Montreal, QC H4N 1H6
 (514) 858-6363

Nord-est (514) 593-1333
 8200 19E Avenue, H1Z 4J8
 دو و چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۳۰
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰ - جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۰۰ - سه‌شنبه: تعطیل

St. Laurent (514) 856-1333
 1320 boul. Jules-Poltras, H4N
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۳۰ - پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۰۰ - شنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۰۰
 یکشنبه و سه‌شنبه: تعطیل

Laval (450) 978-1333
 1550 Blvd Daniel Johnson
 دوشنبه و چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۳۰
 پنجشنبه، شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۰۰
 جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰ - سه‌شنبه: تعطیل

Lasalle (514) 368-1333
 400 ave Laffeu, H8R 3H6
 چهارشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۳۰
 پنجشنبه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۳۰ - جمعه: ۲۰:۰۰ تا ۲۱:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۱۹:۳۰ تا ۲۱:۰۰ - دو و سه‌شنبه: تعطیل

سامی، جایی که می‌توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید.

اما کیف پولتان را خالی نکنید.



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

روایهای خود را واقعیت بخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

دوره های آنلاین اویرون آغاز شد

Programmes D.E.P 1800 heures:

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- طراحی صنعتی
- برق کاری
- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Dessin industriel
- Électricité

• تئوری: به صورت آنلاین
 • عملی: در موسسه و حضوری
 • امتحانات: حضوری در مرکز آویرون

Service de Placement Disponible

- امکان دریافت وام و بورس
- مشاوره برای کارهایی ارائه می شود






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

خرید و فروش تخصصی ملک
 دسترسی ویژه به پیش خرید
 در سراسر مونترال

دسترسی تضمینی به بهترین
 مبلغ وام با کمترین سود بانکی

514-588-0609

MEDI.ANS.MTLBROKER

www.mahdiansari.com

بسته خرید ویژه فقط برای پرستاران و پزشکان عزیز



MAHDI ANSARI - CANADA AWARDED BROKER 2019-2020